

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

راهنمای معلم عربی، زبان قرآن

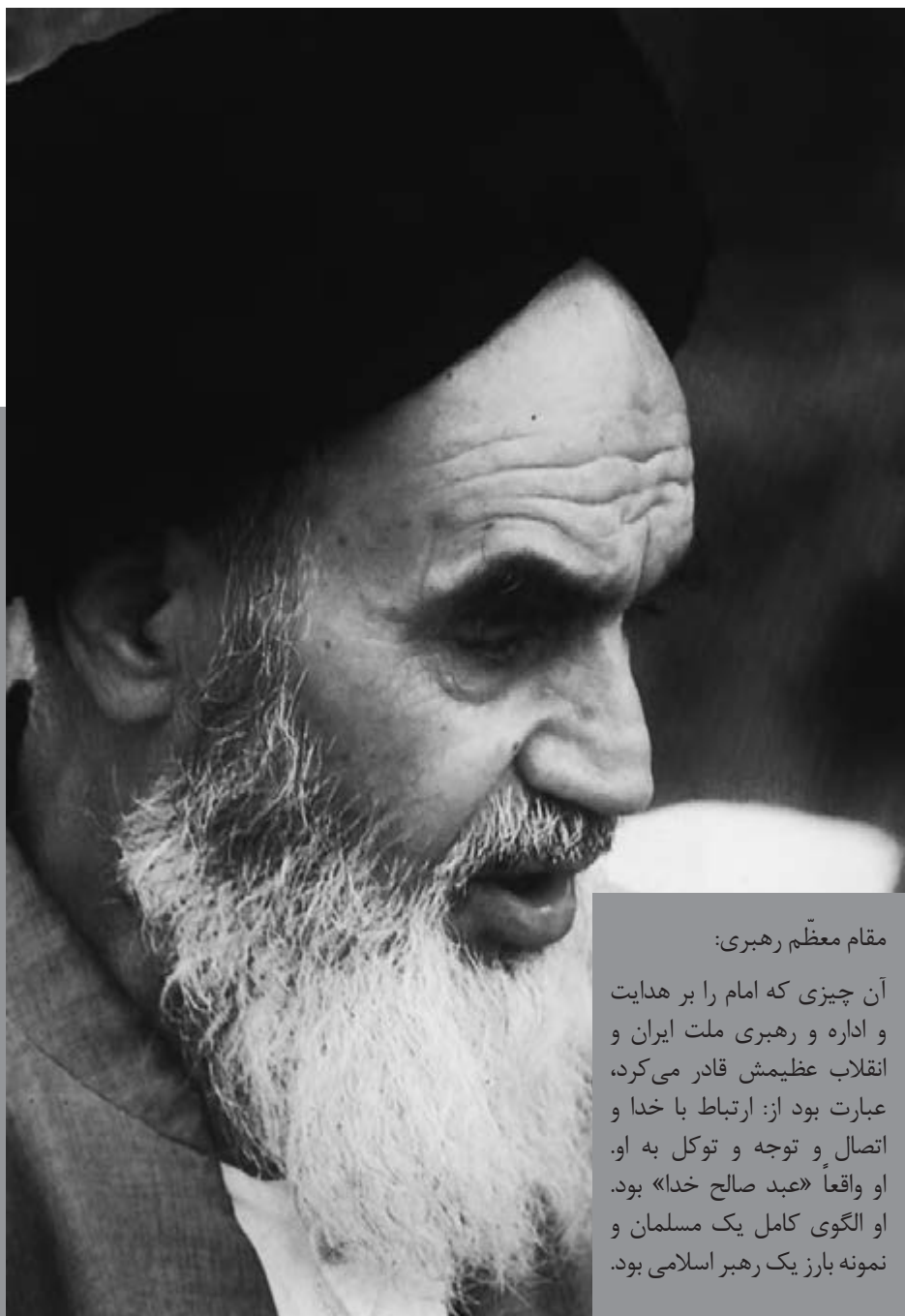
پایه هفتم - دوره اول متوسطه



وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب:** راهنمای معلّم عربی، زبان قرآن - پایه هفتم دوره اول متوسطه - ۷۷۸۱
- پدیدآورنده:** سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:** دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:** حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، ابانر عباچی، حمید محمّدی، فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری:** عادل اشکیوس (مؤلف) - محمّدکاظم بهنیا (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی:** اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان:** تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ:** چاپ اول ۱۴۰۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



مقام معظم رهبری:

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از: ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعاً «عبد صالح خدا» بود. او الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود.

فهرست

مقدمه	۵
توضیحات مشترک در تدریس همهٔ دروس	۶
الدرس الأول (قيمة العلم ونور الكلام وكثرة الكونز)	۱۴
الدرس الثاني (جواهر الكلام وكثرة الحكم وكثرة التصيحة والحكم النافعة والمواعظ العديئة)	۳۰
الدرس الثالث (جوار بين ولدين)	۵۳
الدرس الرابع (في السوق)	۵۹
الدرس الخامس (الجمالات الذهبية)	۶۵
الدرس السادس (في الحدود)	۷۳
الدرس السابع (الأسرة الناجحة)	۷۹
الدرس الثامن (زينة الباطن)	۸۳
الدرس التاسع (الإخلاص في العمل)	۸۹
الدرس العاشر (الأيام والفصول والألوان)	۹۴
اهداف کلی برنامهٔ درسی عربی در حوزهٔ عناصر و عرصه‌ها	۱۰۳
شبکهٔ مفهومی کتاب‌های عربی، زبان قرآن دورهٔ اول متوسطه	۱۰۴
بارم‌بندی	۱۰۶
نمونه سؤال استاندارد	۱۱۰
طرح درس	۱۲۱

آموختن زبان عربی کلید فهم قرآن و متون دینی می‌باشد. زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی کاملاً درآمیخته و سرشار از واژگان و ترکیب‌هایی است که ریشه عربی دارد. از این رو، برای بهتر فهمیدن زبان فارسی، آشنایی با زبان عربی بایسته و شایسته است.

با ورود اسلام به ایران، ایرانیان پرچم‌دار آموزش و تقویت زبان عربی شدند و کتاب‌های نامدار و ارزشمندی در زمینه‌های گوناگون قواعد، لغت و غیره نگاشتند؛ همچون: سیبویه، فراء، عبدالقادر جرجانی، ابوعلی فارسی و عبدالله بن مقفع.

نگاه ایرانیان در گذر تاریخ به زبان عربی به‌عنوان زبان قرآن بوده است و این نگاه همچنان ادامه دارد. با همت و دوراندیشی خیرگان قانون اساسی به‌ویژه شهید آیت‌الله دکتر بهشتی و شهید باهنر اصل شانزدهم قانون اساسی به این مهم اختصاص یافت.

هدف قانون‌گذار این بود که استقلال آموزش زبان عربی حفظ گردد و با درسی دیگر ادغام نشود.

اصل شانزدهم:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود».

رویکرد کتاب درسی عبارت است از:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» برای محقق شدن رویکرد کتاب، از حجم قواعد کاسته شده و از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند آسیمی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد، چشم‌پوشی شده است؛ به جای آن به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی توجه بیشتری شده است. شعار کتاب‌های نونگاشت از سال ۱۳۹۲ چنین شد:

حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان، جمله‌سازی و متن‌محوری به جای قاعده‌محوری.

ضرورت، اهمیت و فلسفه وجودی درس عربی بدین شرح است:

۱ کلید فهم قرآن و معارف اسلامی است.

۲ برای یادگیری درست زبان و ادبیات فارسی، آشنایی با آن لازم است. بسیاری از واژگان و اصطلاحات رایج در فارسی و درصد بالایی از اصطلاحات ریاضیات، فلسفه و دیگر دانش‌ها ریشه‌های عربی دارند. حتی بسیاری از واژه‌های پارسی نیز معرب شده‌اند.

۳ زبان نخست جهان اسلام و مایه پیوند و همدلی میان مسلمانان جهان است.

۴ از زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد و زبان رسمی بیش از بیست کشور مسلمان است.

۵ در بسیاری از دانشگاه‌های جهان کرسی دارد.

برنامهٔ درسی زبان عربی انتظار دارد :

دانش‌آموزان بتوانند در پایان دورهٔ اول متوسطه به فهم عبارات کوتاه و ساده به کار رفته در متون دینی و ادبی و در پایان دورهٔ دوم متوسطه به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر دست یابند. با توجه به رویکرد فهم عبارت و متن، مهارت سخن گفتن در حد نیاز و در حد جمله‌های ساده و پرکاربرد حاصل می‌شود؛ از این رو به این مهارت نیز توجه لازم شده و در کتاب درسی بخش «اربعینیات» افزوده شده است. وبگاه گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطهٔ نظری :

www.arabic-dept.talif.sch.ir

توضیحات مشترک در تدریس همهٔ دروس

«کتاب عربی، زبان قرآن» پایهٔ هفتم ده درس است.

درس اول در سه بخش تنظیم شده است. در این بخش‌ها سخنان حکیمانه و عبارات‌هایی دربارهٔ «اسم‌های اشاره به مفرد، مثنی و جمع» آمده که در آن مثنی و انواع جمع (سالم و مکسر) نیز آموزش داده می‌شود. هریک از بخش‌های سه‌گانه در یک جلسه تدریس می‌شوند.

در پایان درس اول، دو صفحه خلاصهٔ قواعد آمده تا دانش‌آموز بتواند آموخته‌هایش را در بخش قواعد یک‌جا و در جدولی منظم و مصور ببیند.

درس دوم، پنج بخش دارد. در زمینهٔ سخنان حکیمانه، امثال و حکم مانند درس اول عمل شده است. دو حرف استفهام «أ» و «هل» و اسماء استفهام «مَنْ، ما، أیْنَ و کَمْ» آموزش داده می‌شود. در کنار «مَنْ»، «لِمَنْ» و در کنار «ما»، «ماذا» نیز قرار گرفته است.

در کنار «کَمْ» عددهای اصلی یک تا دوازده آموزش داده می‌شود؛ اما تطابق عدد و معدود از اهداف آموزشی کتاب نیست. عددهای «ثلاثة» تا «عشرة» فقط در حالت مذکر تدریس شده است، تا پیچیدگی‌های عدد و معدود موجب کندی روند آموزش نشود. کافی است دانش‌آموز عددها را حفظ باشد و نیازی نیست که فراگیر فرق «ثلاث» و «ثلاثة» را آموزش ببیند.

در انتهای درس دوم، همهٔ آموخته‌های دانش‌آموز در زمینهٔ کلمات پرسشی یک‌جا به صورت منظم و مصور چیده شده، تا او بتواند نگاهی گذرا به آموخته‌هایش کند و بداند تا اینجا کتاب باید چه چیزهایی را یاد گرفته باشد.

در درس سوم ضمائر منفصل و متصل یکجا بازآموزی می‌شود.

ضمایر منفصل و متصل در درس‌های بعدی و در سال‌های آینده به منظور تثبیت آموخته‌ها مجدداً به همراه فعل تکرار می‌شوند، تا یادگیری بهتر انجام شود.

تذکر مهم: صفحات «نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّالِثِ» در انتهای درس سوم، فقط در یک جلسه تدریس می‌شود. مطالب این بخش، جدید نیست. دانش‌آموز ضمیری را که تاکنون به صورت پراکنده دیده است، در اینجا یک‌جا می‌بیند. دانش‌آموز وظیفه دارد که در منزل برای حفظ ضمایر وقت بگذارد و در کلاس صرفاً آزمون برگزار شود. پیش از این کار لازم است دبیر عربی، دانش‌آموز را راهنمایی کند که در صفحهٔ اول ضمیرهای منفصل و در صفحهٔ دوم ضمیرهای متصل چیده شده‌اند و در صفحهٔ سوم، این چیدمان به نحوی دیگر انجام شده و در صفحهٔ سوم مطلب جدیدی وجود ندارد.

هرچند آموزش رسمی ضمیر از این درس آغاز می‌شود؛ اما باید بدانیم که در درس اول و دوم، تقریباً همهٔ ضمیرها به صورت کلمات جدید آموزش داده شده‌اند. پس فهم مطالب این قسمت از کتاب دشوار نیست. تاکنون متون ساده و کوتاه و مکالمه علاوه بر عبارات ساده، زینت بخش کتاب شده است.

در دو درس اول و دوم، شیوهٔ صحیح همین بود که عبارات‌های ساده و کوتاه عربی آموزش داده شود. از این درس به بعد، متن‌های کوتاه نیز در کتاب می‌آید و شیوهٔ کتاب به آرامی تغییر می‌کند.

پیش از «صفحهٔ ورودی» درس چهارم، یک صفحهٔ مصور شامل فعل ماضی آمده است. هدف این است که دانش‌آموز بفهمد از اینجا به بعد، قرار است با فعل ماضی آشنا شود. این صفحه برای تدریس نیست. این صفحه مرز نیمسال اول و دوم و آغاز آموزش فعل ماضی است.

از درس چهارم به بعد، چند متن مکالمه به منظور تقویت مهارت سخن گفتن آمده است. از درس چهارم تا پایان درس هشتم، همهٔ مباحث فعل ماضی آموزش داده می‌شود؛ درس نهم و دهم تمرین و تکرار آموخته‌های پیشین است.

در درس ششم، منفی کردن فعل ماضی نیز آموزش داده شده است. برای منفی کردن فعل ماضی به درسی مستقل نیازی نبود؛ زیرا برای منفی کردن فعل ماضی کافی است که در ابتدای آن حرف «ما» بیاید و در ظاهر فعل لازم نیست هیچ تغییری بدهیم.

درس دهم دربارهٔ روزهای هفته، نام فصل‌ها و رنگ‌هاست.

متن درس هشتم و نهم شامل دو داستان می‌باشند که در انتهای داستان، نتیجهٔ اخلاقی آن به حدیث مزین شده است.

ویژگی‌های کتاب:

۱ قاعده‌محور نبودن کتاب به معنای نفی اهمیت قواعد نیست؛ لذا بخش «بدانیم» در کتاب تنظیم شده است؛ تا دانش‌آموز بتواند به کمک آن، عبارات و متون ساده را بهتر بفهمد و ترجمه کند. قواعدی که در

بخش «بدانیم» آمده به منظور فهم معنای جملات است. فراگیر قاعده را می‌خواند تا به کمک آن بتواند درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در نگاشتِ بارم‌بندی امتحانات نیز در نظر گرفته شده است.

۲ عبارات درس اول و دوم، ساده و کوتاه‌اند؛ زیرا فراگیر در آغاز راه است؛ اما در درس سوم به بعد، افزون بر عبارت‌های ساده، متون کوتاه، اربعینیات، قرآنیات و داستان نیز آمده است.

۳ در این کتاب، مهارت سخن گفتن نیز اهمّیت دارد؛ اما هدف اصلی نیست و هدف ثانوی می‌باشد. مهارت شفاهی سخن گفتن به درس عربی جدّایت می‌بخشد و آن را زبانی کاربردی نشان می‌دهد و موجب تقویت آموزش نیز می‌شود؛ زیرا سخن گفتن، بستر راستین یادگیری هر زبانی است. زبان عربی زبان نخست جهان اسلام و یکی از زبان‌های بین‌المللی است؛ لذا در این کتاب تا حدودی به این امر مهم نیز پرداخته شده است. در این بخش فقط پاره‌ای اصطلاحات و جمله‌های پرکاربرد آمده است. برای تدریس این بخش می‌توانیم از فراگیران بخواهیم تا با حفظ عبارت متن مکالمه در کلاس به زبان عربی گفت‌وگو کنند. بدیهی است که حفظ عین عبارت‌های کتاب کاری دشوار است و از عهده همه دانش‌آموزان بر نمی‌آید. هنر معلم این است که با استفاده از دانش آموزان مستعد و علاقه‌مند زمینه را برای یادگیری سایر دانش‌آموزان فراهم کند.

۴ روخوانی اهمّیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند عبارت و متن را درست بخواند تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش تقویت می‌شود. دانش‌آموز باید آهنگ و اسلوب جمله را درست ادا کند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجّبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. برخی جمله‌ها حزن‌آلود و برخی شادند و شیوه خواندن هر یک با دیگری تفاوت دارد. پس روان‌خوانی اوج هنر یادگیرنده در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید. در بارم‌بندی بخشی از بیست نمره به مهارت شفاهی اختصاص داده شده است.

۵ هر بخش با واژگان جدید آن شروع می‌شود. هدف از این کار، ساده‌سازی روند یاددهی و یادگیری است. در مقابل برخی از اسم‌ها جمع مکسر آنها نوشته شده است؛ زیرا دانش‌آموزان در درس‌ها یا پایه‌های بعدی با شکل جمع مکسر آن روبه‌رو می‌شوند.

۶ آنچه باید سرلوحه تدریس و ارزشیابی معلم قرار بگیرد؛ این است که «ترجمه از فارسی به عربی و ساختن جمله از اهداف کتاب‌های عربی نیست.» در ارزشیابی کتبی و شفاهی فقط ترجمه از عربی به فارسی مد نظر است.

۷ هدف این کتاب آموزش معنای حدود ۴۰۰ کلمه است. این واژه‌ها از پرکاربردترین کلمات در حوزه زبان عربی (قرآن، علوم و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی) هستند و گزینش آنها هدفمند بوده است. بسیاری از واژه‌های عربی هفتم در کتاب‌های دینی و قرآن و فارسی دبستان آمده‌اند. پس دانش‌آموز با بسیاری از آنها از قبل آشناست و همه این ۴۰۰ کلمه دشوار نیستند.

۸ مبنای‌گزینش سخنان حکیمانه به کار رفته در کتاب عبارت‌اند از :

سادگی واژگان و ساختار؛ کاربری براساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً دربارهٔ شخص پر حرف بی‌کردار این‌گونه استشهاد کند: *المؤمن قليل الكلام كثير العمل*.

این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی آن است؛ اما نباید دانش‌آموزان را با اکراه به حفظ این عبارات ملزم کرد؛ بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلمی دانش‌آموزان را علاقه‌مند کرد تا این عبارات را حفظ کند و به هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که آدمی مایل است آنها را بیاموزد و بدان‌ها استشهاد کند.

۹ در گزینش تصاویر، این اصول رعایت شده است :

مسائل فرهنگی و تربیتی، تعادل در جنسیت و ذکر شخصیت‌ها، پرهیز از تنش‌آفرینی در جامعه، توجه به امور مهمی مانند ارزش‌های دینی، دفاع مقدس، راهنمایی و رانندگی، احترام به محیط‌زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جذابیت در کتاب، شاد بودن، علمی بودن آنها.

۱۰ تعداد صفحات هر درس کم است. حجم بالایی از کتاب تصویر است.

۱۱ مطالب اساسی هر درس در درس‌های بعدی و در سال‌های آینده تکرار می‌گردند؛ از دیرباز گفته‌اند: *«الدُّرُسُ حَرْفٌ وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ»* و با تکرار و تمرین آموخته‌ها ملکهٔ ذهن می‌شود.

۱۲ شیوهٔ ارائهٔ محتوا در نیمهٔ نخست کتاب عبارت‌محور و در نیمهٔ دوم متن‌محور است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان سال تحصیلی برخی عبارات و متون سادهٔ عربی را درست بخواند و معنای آن را بفهمد.

۱۳ استفاده از کتاب کار در آموزش هر زبانی متداول است؛ ولی متأسفانه بسیاری از کتاب‌های کار عربی توسط کسانی نوشته شده‌اند که تداعی و یادآور این شعرند :

ذاتِ نایافته از هستی بخش
کی تواند که شود هستی بخش

آن کسی که خود مهارت و استادی کافی در این زبان را ندارد، چگونه می‌تواند یآوری برای آموزش آن باشد. برخی از مؤسسات با هدف سودجویی، کتاب‌هایی را تهیه می‌کنند و با شیوه‌هایی مختلف، آنها را روانهٔ مدارس می‌کنند. در این کتاب‌ها اغلب اصول علمی آموزشی رعایت نمی‌شود و درس عربی به مجموعه‌ای از معماها تبدیل می‌شود.

الگوی پیشنهادی برای تدریس

کتاب حاضر ده درس دارد و برای هر یک روشی مناسب با اهداف کتاب و برنامهٔ درسی پیشنهاد شده تا معلم بهتر بتواند به اهداف آموزشی تعیین شده برسد.

بی‌گمان معلمان نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه برخوردار باشند؛ البته به گونه‌ای که استقلال معلم و خلاقیت‌هایش محفوظ بماند؛ بنابراین، هدف کتاب معلم که در واقع پل ارتباط بین مؤلف و معلم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی محوریت داشته باشد و هم معلم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی‌اش را به نمایش بگذارد.

یکی از هدف‌های مهم برگزاری جشنواره الگوهای برتر تدریس، نیز کشف روش‌هایی است که در آن اهداف برنامه درسی با خلاقیت و ابتکار معلم پیوند می‌خورد.

محتوای هر درس :

- ۱ واژگان نو در آغاز درس
- ۲ سخنان حکیمانه، امثال و حکم یا متن
- ۳ جملاتی مصور در راستای فهم ساختار زبان (معرفی کلید واژه‌ها)
- ۴ قواعد تحت عنوان «بدانیم»
- ۵ تمرین‌ها (ارزشیابی)
- ۶ اربعینات یا قرآنیات

تحلیل قسمت‌های شش‌گانه هر درس

هدف از تحلیل قسمت‌های نام‌برده، بررسی محتوا، شرح قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلم به کمک آنها بتواند با تسلط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. مؤلفان در این قسمت، معلم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های مورد نظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کنند و الگویی را برای تدریس همه درس‌ها و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهند؛ تا آموزش را برای وی ساده کنند.

۱- قسمت اول: واژگان

دلیل تقدیم واژگان به همراه معنایشان، در آغاز هر درس این است که دانش‌آموز با سهولت و سرعت بیشتر در فرایند ترجمه فعال باشد؛ بدین صورت که معلم باید دانش‌آموز را گام‌به‌گام در ترجمه مشارکت دهد؛ تا توانایی ترجمه را در او بیوراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری است.

مراحل آموزش واژگان :

- ۱ معلم در آغاز، کلمات را با صدای رسا می‌خواند و اگر توضیحاتی کوتاه، نکاتی جالب یا هم‌خانواده‌هایی

برای آنها سراغ دارد برای تقریب به ذهن برای دانش‌آموزان ذکر می‌کند.

۲ پس از خواندن معلّم، دانش‌آموزان کلمات را قرائت می‌کنند و این قرائت می‌تواند به تشخیص معلّم به همراه او یا بعد از وی و گروهی یا به صورت انفرادی باشد.

۲- قسمت دوم: عبارات و متون

در این قسمت نیز باید سهم مشارکت معلّم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلّم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند.

۱- مرحله اول (شنیدن): اولین وظیفه برعهده معلّم است که با روخوانی و روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند. معلّم می‌تواند قرائت متن درس را در گروه مجازی قرار دهد.

۲- مرحله دوم (خواندن): دانش‌آموز براساس روشی که معلّم پیشنهاد می‌دهد، به قرائت می‌پردازد تا مهارت گفتاری او تقویت گردد. معلّم می‌تواند از دانش‌آموز بخواهد متن یا عبارات درس را در قالب فایل صوتی در گروه مجازی ارسال کند.

دانش‌آموز باید پیش از قرائت، خودش را معرفی کند. (نام و نام خانوادگی و نام کلاس)

۳- مرحله سوم (ترجمه مقدماتی): دانش‌آموزان با بهره گرفتن از ترجمه واژگان، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند، تا نقاط ضعف و قوت آنها مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها پیشرفت کند.

۴- مرحله چهارم (ترجمه نهایی): معلّم به‌عنوان راهنما، خطاها را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را می‌گوید.

۵- مرحله پنجم (کاربرد در موقعیت مناسب): در این مرحله معلّم از دانش‌آموزانش می‌خواهد تا بیان کنند که موقعیت کاربردی هر یک از این عبارات چیست؟ مثلاً عبارت «أَلْعَالَمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.» می‌تواند برای شخصی به کار رود که با وجود آگاهی بیشتر از دیگران درباره زبان سیگار، سیگار می‌کشد.

۳- قسمت سوم: معرفی قواعد درس

۱- مرحله اول: کلید واژه

در این قسمت با کلید واژه و قاعده درس، در قالب مثال مصور آشنا می‌شویم.

۲- مرحله دوم: تصاویر

تصاویر دربرگیرنده پیام فرهنگی، ارزشی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و میهنی است و در راستای تقویت هویت ایرانی-اسلامی و با دقت گزینش شده‌اند. تصاویری از دانشمندان، هنرمندان، رزمندگان، ورزشکاران و چهره‌های ماندگار، در بحران هویت می‌تواند حس خودباوری و سرافرازی را برای فرزندان میهن به ارمغان آورد.

۳- مرحله سوم: عبارات حاوی قواعد

این مرحله مهم‌ترین مرحله این بخش از درس است و بار اصلی درس را به دوش می‌کشد و مؤلفین در ساختار عبارت آن، دقت و حساسیت زیادی به خرج داده‌اند. دقت از این جهت که هم باید پیام و محتوای هر جمله را در نظر بگیرند و هم در دام فریبده قواعد نیفتند.

اجرا: دانش‌آموزان جمله‌ها را می‌خوانند و ترجمه می‌کنند و معلم با توجه به جمله‌های ترجمه شده، قاعده درس را می‌پرسد، تا دانش‌آموزی که احتمالاً متوجه قاعده نشده، بتواند درس را بیاموزد.

۴- قسمت چهارم: بدانیم

در این قسمت ساختار و چارچوب قاعده هر بخش، کوتاه و گویا بیان شده است. توضیحات بخش «بدانیم» تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. این قسمت از درس، حالت خودآموز دارد و به ساده‌ترین نحو ممکن تنظیم شده است.

حفظ مطالب بخش «بدانیم» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به گسترش مطالب و ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: در این قسمت معلم، دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. معلم باید قواعد را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم در نظر بگیرد، نه هدف اصلی و علت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم در این کتاب است؛ لذا معلم نیز باید بداند که در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است، بسنده کند.

۵- قسمت پنجم: تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه کاربرد واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی، سعی شده است:

نخست: تمارین درس ساده باشد، تا دانش‌آموز از حل آن لذت ببرد.

دوم: تعداد آنها کم باشد، تا معلم فرصتی برای تقویت دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد و دانش‌آموز نیز از حل تمرینات خسته نشود.

اجرای این بخش بر عهده دانش‌آموز است. معلم بعد از پایان هر درس، حل تمارین را به دانش‌آموزان

واگذار می‌کند، تا دانش آموز به تمرین‌ها پاسخ داده و برای جلسه بعد برای پاسخ‌گویی در کلاس آماده باشد. معلم می‌تواند بعد از پایان درس، توضیحی مختصر راجع به چگونگی حل تمرین ارائه کند. در کتاب، فضای کافی برای حل تمرین پیش‌بینی شده است، تا نوشتن صورت تمرین‌ها زمان بسیاری را از دانش‌آموز نگیرد. حل تمرین‌ها در کتاب صورت می‌گیرد، تا چشم فراگیر به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید؛ کمتر دانش‌آموزی است که بتواند متن عربی را بدون خطا بنویسد و اگر هم امکان‌پذیر باشد، وقت زیادی را از او می‌گیرد.

درس عربی مانند درس انگلیسی نیست که الفبا فرق کند، تا دبیر در فکر تقویت مهارت نوشتار باشد. الفبای فارسی با مختصری تغییرات همان الفبای عربی است.

کاف آخر در کلماتی مانند «اشتراک» در عربی به صورت «اشتراک» بدون سرکش است.

کلمه‌ای مانند «علی» در عربی به صورت «علی» است.

عددهای ۴، ۵، ۶ نیز در نوشتار فارسی به صورت دیگری نوشته می‌شود. (۴، ۵ و ۶)

کلماتی مانند فاطمة، مدرسة و جزیره به صورت فاطمه، مدرسه و جزیره یعنی بدون نقطه‌های «ة» و به صورت «ه» نوشته می‌شوند.

گاهی نیز مانند حکمة، مجالسة و صداقة به صورت حکمت، مجالست و صداقت با حرف کشیده «ت» نوشته می‌شوند.

گاهی حرف «ة» در واژه‌هایی مانند مداواة و مداراة حذف شده و تبدیل به مداوا و مدارا می‌شود. صرف‌نظر از چنین اختلافات جزئی الفبای فارسی و عربی همانندی فراوان دارد.

بخش اول

اهداف کلی

- ۱ آموختن معنای ۲۳ کلمه از عربی به فارسی
- ۲ ترجمه پنج حکمت از پیامبر اسلام
- ۳ آشنایی با اسم مذکر و اسم مؤنث
- ۴ مطالعه آزاد «آشنایی با نام حروف الفبا و حروف شمسی و قمری»
- ۵ دانستن معنای هذا و هذه و تشخیص اینکه هذا برای مذکر و هذه برای مؤنث است.
- ۶ دانستن معنای ذلك و تلك و تشخیص اینکه ذلك برای مذکر و تلك برای مؤنث است.
- ۷ تشخیص اسم مذکر از مؤنث
- ۸ تشخیص اسم‌های مؤنث با توجه به علامت «ة»
- ۹ ترجمه جمله‌هایی مانند «هذا طالبٌ.» به دو شکل «این دانش‌آموز است.» و «این دانش‌آموزی است.»
- ۱۰ ترجمه جمله‌های ساده دارای اسم اشاره دور و نزدیک (مفرد مذکر و مفرد مؤنث) به فارسی
- ۱۱ به کار بردن اسم اشاره در جمله، متناسب با مشارألیه.

تحلیل درس

- ۱- واژگان: این درس ۲۳ واژه اصلی دارد. کلمات را یک بار معلم با تلفظ درست می‌خواند و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند.
معلم می‌تواند با بیان هم‌خانواده برای برخی کلمات یا توضیحی مفید راجع به برخی دیگر یادگیری را تعمیق ببخشد.
- ۲- سخنان حکیمانه: از آنجا که دانش‌آموزان پایه هفتم برای نخستین بار است که با آموزش رسمی زبان عربی روبه‌رو می‌شوند؛ عبارتهای کتاب ساده و روان‌اند.
فعل ماضی در درس یک تا سه نیامده است. از میان سخنان حکیمانه، امثال و حکم هرچه ساده بوده در

کتاب آمده است. یافتن سخنان حکمت‌آمیز برای سال اول آموزش عربی، کاری بس دشوار است و البته هرچه پایه بالاتر می‌رود؛ کار برای مؤلف ساده‌تر می‌شود؛ زیرا قدرت انتخاب دارد، ولی در پایه اول از آنجا که دانش‌آموز هنوز ذخیره و اثرگانی ندارد و با ساختار زبان عربی آشنا نیست؛ گردآوری احادیثی متناسب با آموخته‌های دانش‌آموز بسیار دشوار است.

ترجمه عبارات بخش اول از درس اول :

۱ **أَلْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.** از پیامبر اسلام ﷺ

عالم بی عمل مانند درخت بی ثمر است. دانشمند بی کردار همچون درخت بی بر (بی میوه) است.

سنایی غزنوی : علم با کار سودمند بود علم بی کار پایمند بود

سعدی : علم، چندان که بیشتر خوانی چو عمل در تو نیست، نادانی

۲ **حُسْنُ السُّؤَالِ يَضْفُ الْعِلْمَ.** از پیامبر اسلام ﷺ (بحار الأنوار، جلد ۱، صفحه ۲۲۴)

خوب، سؤال کردن نیمی از دانش است. خوبی سؤال نصف علم است. خوب پرسیدن، نیمی از دانش است.

حضرت علی عليه السلام : «مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عَلِمَ.» و «مَنْ عَلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ.»

(تصنيف غرر الحکم و دُرر الکلم، صفحه ۶۰)

۳ **مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.** از پیامبر اسلام ﷺ

(بحار الأنوار الجامعة لِدُرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جلد ۱، صفحه ۲۰۴)

هم نشینی با علما عبادت است. هم نشینی با دانشمندان پرستش است.

۴ **طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.** از پیامبر اسلام ﷺ (الكافي ط - الإسلامية جلد ۱، صفحه ۳۰)

طلب علم، واجب است. جستن دانش، واجب است.

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله :

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَوْ إِيَّانَ اللَّهِ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ.

پیغمبر صلى الله عليه وآله فرمود : طلب علم واجب است و در حدیث دیگر فرمود : طلب علم، بر هر مسلمانی واجب

است. آگاه باش، بی گمان خدا جویندگان دانش را دوست دارد.

به صورت «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ.» از پیامبر اسلام ﷺ و به صورت «طَلَبُ الْعِلْمِ

فَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ.» از امام صادق عليه السلام نیز نقل شده است.

۵ **أَفَةُ الْعِلْمِ التَّنْيَانُ.** از پیامبر اسلام ﷺ

آفت علم، فراموشی است. آفت دانش، فراموش کردن است.

رسول الله صلى الله عليه وآله : أَفَةُ الْعِلْمِ التَّنْيَانُ، وَإِضَاعَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَهْلِهِ.

(سُنن الدارمی : ۱ / ۱۵۸ / ۶۲۹ و الخصال، جلد ۳، صفحه ۴۱۶)

پیامبر خدا ﷺ: آفت علم، فراموشی است و ضایع کردن آن به این است که برای نااهل، آن را بازگو کنی. هر پنج حکمت درباره ارزش علم است.

دانش آموز ارزش علم را با خواندن احادیثی از پیامبر اسلام ﷺ درک می کند.

احادیث آغاز درس درباره ارزش علم است در این باره سخنان بسیاری وجود دارد.^۱

در آغاز کتاب پیوندی زیبا با درس ادبیات فارسی وجود دارد.

ابتدای کتاب با تصویر شیخ اجل سعدی شیرازی و اختر چرخ ادب پروین اعتصامی آغاز شده است.

معلم، ابتدا پنج جمله حکمت آمیز را می خواند؛ تا دانش آموز با نحوه تلفظ درست کلمات آشنا شود.

ترجمه عبارتهای درس را بر عهده دانش آموز می گذاریم و او را در این راه کمک می کنیم؛ اما نقش

۱- چند نمونه بیشتر در این زمینه ارائه می شود.

- ۱- درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را (ناصرخسرو)
- ۲- توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر بُرنا بود (فردوسی)
- ۳- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سوره زمر، آیه ۹) آیا کسانی که می دانند و نمی دانند برابرند؟
- ۴- رسول الله ﷺ: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ. (بحار الأنوار، جلد ۷۹، صفحه ۱۷۰)

خیر دنیا و آخرت با دانش است و شر دنیا و آخرت با نادانی.

- ۵- رسول الله ﷺ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَغَاءَ الْعِلْمِ. (مصباح الشريعة، صفحه ۱۳)

طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. خداوند جویندگان دانش را دوست دارد.

- ۶- حضرت علی علیه السلام: خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَعَ. بهترین دانش آن است که سودمند باشد. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، صفحه ۳۵۴)
- ۷- حضرت علی علیه السلام: الْعِلْمُ قَائِلُ الْجَهْلِ. دانش، نابودکننده نادانی است. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، صفحه ۵۶)
- ۸- حضرت علی علیه السلام: أَلْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ لَا يَفْنَى. علم، گنج بزرگی است که تمام نمی شود. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، صفحه ۶۶)
- ۹- حضرت علی علیه السلام: الْعِلْمُ وَرَاقَةٌ كَرِيمَةٌ، وَالْأَدَابُ حُلَّةٌ مُجَدَّدَةٌ، وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ.

علم، میراثی گرانبها و ادب، جامه ای فاخر و فکر، آیین های صاف است. (نهج البلاغه، صفحه ۴۶۹)

- ۱۰- حضرت علی علیه السلام: عِلْمُ الْمُنَافِقِ فِي لِسَانِهِ وَعِلْمُ الْمُؤْمِنِ فِي عَمَلِهِ.

دانش منافق در زبان او و دانش مؤمن در کردار اوست. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، صفحه ۴۶۳)
- ۱۱- پیامبر ﷺ: أَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ.

دانایی سرآمد همه خوبی ها و نادانی سرآمد همه بدی هاست. (بحار الأنوار، جلد ۷۴، صفحه ۱۷۵)
- ۱۲- حضرت علی علیه السلام: أَلْعِلْمُ أَضَلُّ كُلِّ خَيْرٍ، الْجَهْلُ أَضَلُّ كُلِّ شَرٍّ.

دانایی، ریشه هر خوبی و نادانی ریشه هر بدی است. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، ص ۴۸)
- ۱۳- حضرت علی علیه السلام: فَمَنْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِأَيِّبِكَ وَ مَعْلَمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا.

به احترام بدر و معلمت از جای برخیز، هر چند فرمانروا باشی. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، صفحه ۱۳۶)
- ۱۴- حضرت علی علیه السلام: الْعِلْمُ يُجِدُّ الْفِكْرَ. دانش، روشنی بخش اندیشه است. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، صفحه ۴۸)
- ۱۵- حضرت علی علیه السلام: لَا عَمَلٌ كَالْحَقِيقِ. هیچ کاری مانند پژوهش نیست. (عُرُوذُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، صفحه ۷۶۸)

اصلی بر عهده اوست و معلم نقش راهنما و اصلاح‌گر دارد. برای نوشتن جواب، جای کافی نهاده شده است. در قرائت و حلّ تمرینات دانش‌آموز نقش اصلی را دارد و نقش معلم نقش مدیریت آموزشی است. او راهبری و راهنمایی می‌کند و اشکالات احتمالی را برطرف می‌کند.

۳- معرفی قواعد درس: این قسمت، خود سه مرحله دارد:

مرحله اول: کلید واژه (هَذَا، هَذِهِ)

مرحله دوم: تصاویر (یک پسر و یک دختر)

مرحله سوم: عبارات کلیدی

معلم باید به طور ساده و بدون اشاره به احکام مبتدا و خبر، به تأثیر ویرگول و مکان قرار گرفتن آن در ترجمه اشاره کند.

همان گونه که در مقدمه بیان شد، در این قسمت معلم و دانش‌آموز مشارکت فعال دارند.

۴- بدانیم: در این بخش هرچه دانش‌آموز باید درباره اسم‌های اشاره «هَذَا - هَذِهِ - ذَلِكَ - تِلْكَ» بداند در کتاب آمده است؛ لذا از توضیحات اضافه خودداری شود. شایسته است توجه داشته باشیم که توضیحات و تعاریف این بخش تا پایان کتاب در ارزشیابی‌ها نباید مستقیم سؤال شوند. دانش‌آموز باید بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره ببرد. پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزانی که تواناترند (مثلاً دارای صدای رسا و...) این بخش را برای دیگران بخوانند و بقیه گوش فرا دهند.

در صفحه دوم، دانش‌آموز تصویر پروفیسور توفیق موسیوند^۱ را می‌بیند که زیر آن نوشته شده است:

«هَذَا الرَّجُلُ طَيِّبٌ نَاجِحٌ.»

۱- پروفیسور توفیق موسیوند زاده ۱۳۱۵ در روستای ورکانه همدان عضو افتخاری فرهنگستان علوم پزشکی ایران است. او دکترای پزشکی و فوق تخصص جراحی قلب از کانادا دارد. صاحب اختراعاتی بسیار است؛ مانند: بایوس قلبی ریوی، امکان تشخیص پزشکی از راه دور و تنظیم و معالجه قلب، تعیین DNA انسان توسط اثر انگشت و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر، عالی‌ترین مقام علمی جهان از انجمن سلطنتی کانادا و بریتانیا و نیز عضو انجمن دانشمندان نیویورک دارد، بنیانگذار درمان پزشکی از راه دور و رئیس بخش قلب و عروق انستیتو تحقیقات قلب دانشگاه اتاوا است.

در سال ۱۳۸۱ در همایش بین‌المللی بوعلی سینا به ایران بازگشت.

موسیوند جایزه‌ها و لوح‌های تقدیر از کشورهای مختلف دریافت کرده‌است.

سپس تصویر بزرگ بانوی ایرانی «دکتر آذر اندامی»^۱ را می بیند که در زیر آن نوشته شده است :
 «هَذِهِ الْمَرْأَةُ طَبِيبَةٌ نَاجِحَةٌ».

پسندیده است که دبیر گرامی کوتاه و مختصر اشاره ای به این بزرگان داشته باشد؛ اما در این کار زیاده روی نشود که مبدا هدف اصلی که آموزش زبان است تحت الشعاع واقع شود.

همچنین به عدالت در استفاده از تصاویر مرد و زن نیز توجه شده است؛ برای مثال؛ در کنار نام «سعدی شیرازی» نام «پروین اعتصامی» نیز آمده است.

در گزینش تصاویر، تلاش شده تا افزون بر هدف اصلی که همان آموزش زبان عربی است، اهدافی ثانویه نیز وجود داشته باشد و آن افزایش معلومات عمومی دانش آموز و زیباسازی کتاب درسی است.

یکی از تصاویر درخت عجیبی را نشان می دهد که جمله «هذه الشَّجَرَةُ عَجِيبَةٌ»^۲، زیر آن نوشته شده است. این تصویر زیبا دانش آموز را وادار به اندیشیدن در نشانه های الهی می کند. از طرفی دانش آموزان با دیدن چنین تصاویری بیشتر به درس جذب می شوند؛ زیرا تصاویر دیدنی و کمی شگفت برایشان جالب تر است تا تصاویری عادی.

۱- آذر آندامی (۱۳۰۵ - ۱۳۶۳) پزشک و باکتری شناس ایرانی و از پژوهشگران انستیتو پاستور ایران بود. به سبب خدمات علمی و انسانی او، یکی از حفره های ستاره ناهید، به نام وی «اندامی» نام گذاری شده است.

وی در سال ۱۳۰۵ در محله «ساغری سازان» رشت زاده شد. فرزند چهارم و تنها دختر خانواده بود. در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و معلم شد. در سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی شد و بلافاصله به گذراندن دوره تخصصی زنان و زایمان اشتغال یافت. پس از پایان دوره به وزارت بهداشتی آن زمان منتقل شد و در نهایت به کار در انستیتو پاستور پرداخت. او پس از مدتی با استفاده از بورس تحصیلی انستیتو پاستور به پاریس رفت و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ گواهینامه باکتریولوژی گردید. در سال ۱۳۵۳ موفق به دریافت دانشنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی شد. در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد. چندین بار به کشورهای فرانسه و بلژیک سفر کرد و حاصل این سفرها مقالات علمی بود که در مجلات معتبر به چاپ رسید. پس از بازنشستگی چون خانه نشینی را نمی پسندید، به بیمارستان باهر رفت و ریاست آزمایشگاه تشخیص طبی آنجا را برعهده گرفت. پس از مدتی در مطب همسرش، به کار مداوای بیماری های زنان و زایمان مشغول شد. یک روز در مطب هنگام معاینه بیماری درگذشت. در سال ۱۹۹۲، اتحادیه بین المللی ستاره شناسی (IAU) حفره ای به قطر سی کیلومتر را در جنوب ستاره زهره به نام اندامی نام گذاری کرد. آذر اندامی تنها زن ایرانی بود که نامش به این شورا فرستاده شد. او بانویی فداکار و میهن دوست بود.

۲- واژه «عجیبه» در این جمله تلمیحی به این آیه مبارکه قرآن است :

﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَطْلَىٰ شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ (سوره هود، آیه ۷۲)

مروارید سبز ارسنجان از جاذبه های گردشگری شهر ارسنجان است. این تک درخت روئیده بر یک تخته سنگ بزرگ است که سنگ صبور نیز نام دارد. مروارید سبز در چهار کیلومتری شمال غرب ارسنجان است و به صورت درخت «بنه خودرو» روی صخره ای بزرگ با بلندی تقریبی شش متر قرار دارد. این درخت برای رساندن ریشه هایش به خاک میان صخره را در چندین جا شکافته و توانسته با گذر زمان خود را به زمین برساند. این درخت بیش از ۵۰ سال عمر دارد و مردم ارسنجان آن را تک درخت نیز می نامند. شهرداری ارسنجان قصد داشت که این شگفتی طبیعی را به مرکز شهر منتقل کند؛ اما به دلیل احتمال آسیب این تصمیم پذیرفته نشد.

این شیوه در همه جای کتاب اجرا شده است؛ یعنی واژگان کتاب بر مبنای پرکاربردترین کلمات زبان عربی است که در قرآن، ادعیه و ادبیات فارسی نیز کاربرد بسیار دارد.

تصویر دیگر نیز کوه «پدري» یا «جَم» در استان بوشهر است. «پدري» کوهی در ابتدای راه شهرستان «جَم» به «بندر سیراف» است. بلندای قلّه این کوه از سطح دریا ۱۰۴۰ متر است و شکل آن تنها از چشم‌انداز جنوبی، مخروطی به نظر می‌رسد. بلندای این کوه از برخی قلّه‌های همسایه آن پایین‌تر می‌باشد. کوه «پدري» زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد.

کلمه جبل از کلمات قرآنی است که شش بار در قرآن آمده است. در این قسمت به جنبه کاربردی قواعد می‌پردازد. دانش‌آموز کاربرد قواعد در ترجمه را فرا می‌گیرد؛ تا بتواند به مهارت بالاتر که درک و فهم است نائل گردد.

بخش «بدانیم» برای روخوانی در کلاس است و به گونه‌ای نوشته شده که نیازی به توضیح اضافی و ارائه جزوه نباشد. هرچه را دانش‌آموز نیاز دارد بداند، به او ارائه شده است.

حفظ مطالب این دو بخش الزامی نیست.

دانش‌آموز باید بتواند مطالب این دو قسمت را در ترجمه جمله‌ها به کار بگیرد. هدف تا پایان کتاب فقط این است که دانش‌آموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله‌ای را که معلم بر زبان می‌آورد درست بشنود و از آنجا که یکی از دو هدف آموزش درس عربی کمک به زبان و ادبیات فارسی است باید بتواند به املائی او نیز کمک کند.

ترجمه کلمه و جمله از فارسی به عربی از اهداف آموزشی کتاب نیست.

۵- تمرین‌ها: هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی تلاش شده است تا:

نخست: تمارین درس ساده باشد، تا دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد.

دوم: تعداد آنها کم باشد، تا معلم فرصتی برای تقویت دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد.

شایسته است دبیر ارجمند برگه‌ای برای قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار که یکی از دانش‌آموزان

عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بگذارد، تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود.

دانش‌افزایی برای دبیر

- ۱ جمع «بِنْت» می‌شود «بَنَات» که «جمع مؤنث سالم» است و در مبادئ العربية (جلد ۴، صفحه ۸۸) «مُلْحَقٌ به جمع مؤنث سالم» گرفته شده است.
- ۲ جمع «نَمْر» و «نَمْرَةٌ» ، «نِمَار» و جمع «نَمْرَةٌ» ، «نَمْرَات» نیز می‌باشد.
- ۳ جمع «شَجَر» ، «أَشْجَار» و جمع «شَجَرَةٌ» ، «شَجَرَات» است.
- ۴ «طَالِب» چند معنا دارد : خواستار، جوینده، دانش‌آموز دبیرستانی، دانشجو.
کلمه تَلْمِذ نیز به معنای دانش‌آموز است؛ اما در کتاب درسی سال اول نیامده است.
- ۵ همزة آغاز «امْرَأَة» همزة وصل است و زمانی که «ال» می‌گیرد واجب است حذف شود. «الْمَرْأَة» به صورتِ «الامْرَأَة» غلط است. این نکته درباره کلمه «امْرَأَة» نیز صدق می‌کند.
معادل «امْرَأَة» در گویش حجازی «حُرْمَة» و جمع آن «حَرِیم» است.
- ۶ «ناحِج» به معنای موفق، پیروز و قبول است. کسی که در امتحان قبول شده نیز نَاحِج نامیده می‌شود که در مقابل آن «راسِب» به معنای مردود قرار دارد.
- ۷ «وَلِدٌ» به معنای پسر و فرزند است. کلمه «ابْنٌ» با آن مترادف است.
- ۸ از آنجا که در عربی فصیح حرف «پ» وجود ندارد؛ نام پروین به صورت بروین نوشته می‌شود؛ اما گاهی نیز حرف «پ» تبدیل به «ف» می‌شود؛ مثال : پیل : فیل.
- ۹ در عربی فصیح چهار حرف «گ چ پ ژ» وجود ندارد؛ اما در عربی عامیانه سه حرف «گ چ ژ» وجود دارد.
حرف «سک» در کلماتی مانند «ذَلِکَ» و «تِلْکَ» بدون سرکش است؛ اما در زبان فارسی معمولاً چنین نیست.

۱- در گویش عامیانه اطراف خلیج فارس حرف قاف را گاف تلفظ می‌کنند؛ مثال :

فَمٌ : برخیز (گوئم) أَقُولُ لَكَ : به تو می‌گویم (أَكُلُ لَكَ ، أَكَلْتُ لَكَ)

لَا أَقْدِرُ : نمی‌توانم (مَا أَكْدِرُ) قَدْرٌ : دیگ (گیدز)

در عراق گاهی حرف «ک» را «ج» تلفظ می‌کنند؛ مثال :

«أَخْجِي» یعنی «صحبت کن» که در اصل «أَخْجِي» و معادل فصیح آن «تَكَلَّم» یا «كَلَّم» می‌باشد.

«وَيْنِ حِنِّ؟» یعنی «کجا بودی؟» که در اصل «أَيْنَ كُنْتَ؟» است.

در مصر حرف «ج» را «گ» تلفظ می‌کنند. جمله «قَلْبِي مَجْرُوحٌ.» در گویش مصری «أَلْبِي مَجْرُوحٌ.» گفته می‌شود.

در گویش شامی (سوری-لبنانی) حرف «ج» را «ژ» تلفظ می‌کنند؛ مثال :

جمله‌ای را که در گویش حجازی و عراقی «جِيبُ جَوَازِكُ.» تلفظ می‌کنند و به معنای «کدرنامه‌ات را بیاور.» می‌باشد در گویش

شامی «زَيْبُ زَوَازِكُ.» تلفظ می‌کنند.

معادل فصیح این جمله «أَخْضِرُ جَوَازِكُ.» می‌باشد.

۱۰ در قسمت نکته‌ها نام حروف الفبا درج شده تا دانش‌آموز بداند که نام حروف الفبا در فارسی و عربی اندکی متفاوت است.

۱۱ حرف «ی» در کلماتی مانند «فی» و «سعدی» دارای دو نقطه است و صدای «ی» دارد؛ اما «ی» در اسم‌هایی مانند مصطفی و موسی دو نقطه ندارد و صدای الف دارد؛ زیرا این اسم‌ها مقصورند؛ یعنی الف مقصوره دارند.

۱۲ حرف «ه» در «هَذَا» و «هَذِهِ» حرف تنبیه (آگاهی) است. (ه : حرف تنبیه + ذ : اسم اشاره)

بخش دوم

اهداف کلی

- ۱ آموختن ۲۲ کلمه جدید
- ۲ ترجمه سه حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و یک حکمت از حضرت علی (ع)
- ۳ آشنایی با اسم مثنی
- ۴ آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم‌های اشاره «هذان» و «هاتان»
- ۵ معنای هذان و هاتان را بگوید و تشخیص دهد که هذان برای مذکر و هاتان برای مؤنث است
- ۶ به هنگام ضرورت مانند نوشتن انشای فارسی به چهار سخن حکمت‌آمیز خوانده شده استشهاد کند.

تحلیل درس

یافتن احادیثی که فعل و ضمیر نداشته و کلماتش آسان باشد و واژه‌ای مثنی نیز در آن آمده باشد؛ کاری دشوار است. می‌توان گفت این پنج مورد ساده‌ترین سخنان حکمت‌آمیز می‌باشد که می‌شد یافت.

- ۱ نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الصَّحَّةُ وَالْأَمَانُ. پیامبر اسلام ﷺ
تندرستی و امنیت دو نعمت ناشناخته‌اند. دو نعمت مجهول‌اند: سلامتی و امنیت.
این حدیث به دو صورت از پیغمبر ﷺ وارد شده است:
نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ. (خِصَال، صفحه ۷۰، ترجمه آقای کمره‌ای)
نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الصَّحَّةُ وَالْأَمَانُ. (گنج حکمت یا احادیث منظوم، صفحه ۱۹۶)
نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ. (بحار الأنوار، جلد ۷۸، صفحه ۱۷۰)
 - ۲ رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. پیامبر اسلام ﷺ (رِضَا به صورت رِضَى نیز آمده است).
(رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ، جلد ۲، صفحه ۳۶۸)
- خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است. رضای خدا در رضای والدین است.

رضایت خدا در رضایت والدین است. خشنودی خدا در گرو خشنودی پدر و مادر است.
 رِضَا اللّٰهِ مَعَ رِضَا الْوَالِدَيْنِ وَسَخَطُ اللّٰهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ.

۲۷ الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. حضرت علی علیه السلام (کنزُ القوائد، جلد ۱، صفحه ۶۱)
 روزگار دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیان تو.

زمانه دو روز است: روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو است.
 الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ لَكَ فَلَا تَبْتَطِرْ وَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ فِكِلَاهُمَا عَنْكَ يَمْضِي.
 ۲۸ أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. (تشرُّ اللآلئ، جلد ۱، صفحه ۵۲)

ادب انسان بهتر از طلائی اوست. ادب مرد به ز دولت اوست. ادب آدمی بهتر از دارایی اوست.
 در تصویر اول و دوم می توان حدیث «التَّطَاةُ مِنَ الْإِيمَانِ.» را به دانش آموزان گوشزد کرد.

بدانیم

در این قسمت «هذان» و «هاتان» توضیح داده شده اند؛ اما از «هدین» و «هاتین» سخنی به عمل نیامده است؛ زیرا یاددهی و یادگیری را پیچیده و دشوار می سازد.

در ارزشیابی گذشته مرسوم بود که معلم مفرد کلمه «الطالبان» را از دانش آموز می خواست و بسیاری از دانش آموزان پاسخ می دادند «الطالب»؛ در حالی که پاسخ «الطالِبَة» است. این کار در ارزشیابی کنونی مورد نظر نیست؛ زیرا با هدف جدید آموزشی سازگار نیست. فراگیر باید معنای دو کلمه «الطالِبَة» و «الطالِبَانِ» را در جایگاه خودشان در جمله تشخیص دهد. او در سال اول باید قدرت فهم و تشخیص کلمات و عبارات ساده را بیابد و چنین مواردی مربوط به آغاز آموزش نیست. معلم این مورد را برای دانش آموز توضیح می دهد و حتی در پرسش های کلاسی نیز مطرح می کند؛ اما در امتحان اصلی بهتر است از طرح سؤال خودداری کند. بدیهی است که در مدارس خاص که معدّل بالا ثبت نام می شود، یا در تیزهوشان منعی نیست.

دانش آموز این گونه می آموزد: (گاهی «هذان» و «هاتان»، «این» ترجمه می شوند).
 در اینجا نیازی نیست که معلم وارد جزئیات شود. لازم است به همین اندازه بسنده کند. همین که دانش آموز ببیند در اشاره به دو نفر اسم اشاره نیز تبدیل به مثنی می شود کافی است.
 در درس انگلیسی نیز شبیه این مورد وجود دارد؛ مثال:

These boys are happy.

این پسران خوشحال اند.

ذکر نام علامت های فتحه، کسره، ضمه و تنوین برای یادآوری است و در درس قرآن دانش آموز قبلاً با این علائم آشنا شده است.

تمرین‌ها

در قرائت و حلّ تمرینات، دانش‌آموز نقش اصلی را دارد و نقیض معلّم، نقش مدیر آموزشی است که راهبری و راهنمایی می‌کند و اشکالات احتمالی را برطرف می‌کند. تمرینات این درس نیز مانند درس اول کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز بتواند با حلّ تمرین خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند.

تمرینات در حقیقت ادامه قرائت و ترجمه‌اند؛ اما به شکلی جدید و تحت پوشش تمرین. هدف در تمرین‌ها آشنایی با ترجمه جمله دارای اسم اشاره مثنی است. هدف، تقویت قدرت تشخیص است. در هیچ موردی ترجمه فارسی به عربی وجود ندارد. این امر باید در تدریس و ارزشیابی لحاظ شود.

دانش‌افزایی برای دبیر

۱ کلمه «إمْرِيٌّ» به معنای «مرد» یا «انسان» است و سه حالتِ اعرابی دارد: إِمْرِيٌّ (مرفوع)، إِمْرًا (منصوب)، إِمْرِيٍّ (مجرور). همزه آن وجوباً هنگام معرفه شدن حذف می‌شود و «الْمَرْءُ» می‌شود. از جنس خودش جمع ندارد. رجال به معنای مردان از جنس خودش نیست.

۲ «بَيْت» مترادف با «مَنْزِل» و «دَار» است. دانش‌آموزان واژه «دَار» را در این کتاب نمی‌خوانند؛ ولی واژه «مَنْزِل» به همین معنا در کتاب به کار رفته و در فارسی نیز کاربرد دارد.

۳ حرف «لِ» کاربردهای بسیاری دارد. آنچه دانش‌آموز باید بداند، دو مورد است: یکی اینکه «لِ» به معنای «برای» است و دیگری اینکه «لِ» برای بیان مالکیت است. در زبان عربی در ترجمه کلمه فارسی «دارم» گفته می‌شود: «عِنْدِي، لِي، لَدَيْي» و هر سه با «لَيْسَ» منفی می‌شوند؛ یعنی «ندارم» می‌شود: «لَيْسَ عِنْدِي، لَيْسَ لِي، لَيْسَ لَدَيْي» البته «مَا عِنْدِي» نیز درست است. «كَانَ لِي، كَانَ عِنْدِي، كَانَ لَدَيْي» نیز معادل «داشتم» در فارسی می‌شود.

۴ کلمه «يَوْم» ۵۹۰ بار در ۵۳۰ آیه شریفه به کار رفته است. بسیاری از واژگان کتاب درسی عربی اول همین گونه‌اند. کلمات کتاب درسی از پرکاربردترین کلمات در زبان عربی است.

۵ فرق «وَرْد» با «وَرْدَة» این است که «وَرْدَة» تاء وحدت دارد. «وَرْد» اسم جنس و واحد آن «وَرْدَة» است و تاء آخر آن تاء وحدت است. «وَرْدَة» یعنی «بُكْ كُلُّ». کلمه «وَرْد» می‌تواند به معنای «كُلُّهَا» نیز باشد. «شَجَر» نیز اسم جنس به معنای درخت و واحد آن «شَجَرَة» به معنای «بُكْ درخت» است. کلماتی مانند نَجْمَة، زَيْتُونَة، بُرْتُقَالَة، رُمَانَة و وَرَقَة نیز تاء وحدت دارند.

۶ «نَافِذَة» و «شُبَّانِك» هر دو به معنای «پنجره» و جمع شان «نَوَافِذ» و «شُبَّانِيك» است.

بخش سوم

درس اول

اهداف کلی

۱. آموختن معنای ۲۶ کلمه جدید از عربی به فارسی
۲. ترجمه سخنانی حکمت آمیز
۳. آشنایی با جمله‌های دارای اسم اشاره «هُؤُلَاءِ» و «أُولَئِكَ» و ترجمه آنها.
۴. اسم «جمع مذکر سالم»، «جمع مؤنث سالم» و «جمع مکسر» را تشخیص دهد.
۵. معنای «هُؤُلَاءِ» و «أُولَئِكَ» را بگوید و کاربرد دور و نزدیک آنها را تشخیص دهد.
۶. جمله‌های ساده دارای اسم اشاره به جمع سالم و مکسر را به فارسی ترجمه کند.
۷. «جمع مکسر» را از «جمع سالم» تشخیص دهد.
۸. جمع‌های مکسر را در حد کتاب درسی بیاموزد.
۹. به هنگام ضرورت به پنج حکمت خوانده شده استشهاد کند.

تحلیل درس

- «كُنْزُ الْكُنُوزِ» مجموعه پنج سخن زیبا و پر معناست.
۱. تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. (بحار الأنوار، جلد ۶۶، صفحه ۲۹۳) در جوامع حدیثی به جای «سبعین»، «ستین» نیز ذکر شده است.
- یک ساعت اندیشیدن از پرستش هفتاد سال بهتر است. ساعتی تفکر از هفتاد سال عبادت بهتر است.
۲. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (عُرُزُ الْحِكْمِ وَ دُرَرُ الْكَلِمِ، جلد ۱، صفحه ۶۱)
- دشمنی دانا از دوستی نادان بهتر است. دشمنی عاقل از دوستی جاهل بهتر است.
- دشمنی ورزیدن دانا از دوستی ورزیدن نادان بهتر است.

«عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.» یادآور این شعر فارسی است :

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست

دشمن دانا بلندت می کند بر زمینت می زند نادان دوست

۲ الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. (کنزالفوائد، جلد ۱، صفحه ۳۱۹)

دانش در خردسالی مانند نقش در سنگ است. علم در کودکی مانند کنده کاری در سنگ است.

۴ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

به صورت «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.» نیز به کار رفته است.

حدیث «خیر الأمور اوسطها» در منابع شیعه و اهل سنت با اسناد ضعیف، مرفوع و مجهول نقل شده است و

بر فرض صحت، بدین معناست که در مواردی که تردید یا تعارض وجود دارد به حد وسط بسنده شود.

حدیث در (بحار الأنوار، ۱۶/۲۹۲/۷۶) به امام موسی کاظم علیه السلام نیز نسبت داده شده است.

۵ الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. نادانی مرگ زندگان است. حکمت یا ضرب المثلی عربی است.

جمله های آغازین با نمایش صحنه هایی از دفاع مقدس، زینت بخش کتاب است.

در ادامه دو تصویر از دو تیم ورزشی آمده است. اهمیت ورزش نیز چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد.

کلمه «فائز» در ورزش معادل «ناجح» است و از ریشه «فاز - يفوز - فوزاً» است.

فاز بِالْأَمْرِ: در آن کار پیروز شد.

فاز مِنَ الْمَكْرُوهِ: از آن ناپسند رهایی یافت.

بدانیم

در اینجا دانش آموز با جمع سالم (مذکر و مؤنث) و نحوه به کارگیری اسم اشاره هؤلاء و أولئك در جمله آشنا می گردد.

هدف این است که دانش آموز بتواند این جمله ها را درست بخواند و درست به فارسی ترجمه کند و مذکر یا مؤنث بودن هریک را از دیگری تشخیص دهد؛ اما لازم نیست که از فارسی به عربی تولید جمله کند؛ مثلاً

چنین سؤالی مردود است: ترجمه «این دانش آموزان خردمندند.» برای جمع مؤنث چیست؟

مسئلاً چنین تمرینی موجب تثبیت یادگیری است؛ اما در آغاز سال، زمانی نامناسب برای این کار است.

در انگلیسی نیز شبیه همین نکته وجود دارد؛ مثال: Those girls are happy. آن دخترها خوشحال اند.

شایان ذکر است اصطلاح «جمع مذکر سالم» و «جمع سالم مذکر» هر دو درست است.

در النحو الوافی جلد اول صفحه ۱۳۷ اصطلاح «جمعُ المذکر السالم» به کار رفته است. از آنجا که هر دو

اصطلاح «جمعُ المذکر السالم» و «الجمعُ السالمُ للمذکر» درست است؛ در کتاب درسی همچون کتاب های











سال‌های گذشته اصطلاح رایج «جمع مذکر سالم» به کار رفته است. «جمع مؤنث سالم» نیز همین طور. آنچه دانش‌آموز در قاعدهٔ بخش سوم درس اول می‌خواند، در حقیقت همان است که در بخش دوم خوانده است و مطلب جدیدی نیست. شاید دانش‌آموزان بدون تذکر این نکته نیز قادر به ترجمهٔ آن باشند؛ زیرا فهم آن دشوار نیست؛ ولی اگر از آنها «ساختن» را بخواهیم، در ترجمهٔ چنین مواردی دچار اشکال می‌شوند.

تمرین‌ها

در قرائت و حلّ تمرینات دانش‌آموز نقش اصلی را دارد و نقش معلم نقش مدیر آموزشی است که راهبری و راهنمایی می‌کند و اشکالات احتمالی را برطرف می‌کند. در تمرینات مفاهیم آموزشی، در قالب ترجمهٔ عربی به فارسی تثبیت می‌شود. تشخیص انواع مفرد، مثنی و جمع تقویت می‌شود. اینکه در پرسش چند گزینه‌ای دانش‌آموز پاسخ را بنویسد یا پاسخ درست را علامت بزند به انتخاب معلم نهاده شده است.

در پایان سه بخش درس اول برای اینکه دانش‌آموز آموخته‌هایش را به صورت خلاصه مشاهده کند، دو جدول طراحی شده است. این جدول‌ها برای مطالعهٔ دانش‌آموز در منزل است.

اسم مفرد، مثنی و جمع

مثال	نشانه	عدد و جنس
مهندس	-----	مفرد مذکر 
مهندسه	ة	مفرد مؤنث 
مهندسان و مهندسی مهندستان و مهندستی	ان و -ین	مثنی  / 
مهندسون و مهندسین	ون و ین	جمع مذکر سالم   
مهندسات	ات	جمع مؤنث سالم   
کُتب	-----	جمع مکسر

اسم اشاره

هَذَا	مفرد مذکر نزدیک
هَذِهِ	مفرد مؤنث نزدیک
هَذَانِ	مثنی مذکر نزدیک
هَاتَانِ	مثنی مؤنث نزدیک
هَؤُلَاءِ	جمع (مذکر و مؤنث) نزدیک ♂♂♂ / ♀♀♀
ذَلِكَ	مفرد مذکر دور
تِلْكَ	مفرد مؤنث دور
أُولَئِكَ	جمع (مذکر و مؤنث) دور ♂♂♂ / ♀♀♀

دانش افزایی برای دبیر

- ۱ جمع حَجَرٌ می شود: أَحْجَرٌ، أَحْجَارٌ، حِجَارٌ و حِجَارَةٌ
- ۲ «خَيْرٌ» اسم تفضیل است که در اصل «أَخَيْرٌ» بوده و همزه آن افتاده است؛ مانند «شَرٌّ» که کوتاه شده «أَشَرٌّ» است.
جمع خَيْرٌ، خِيارٌ و أَخِيارٌ است.
- ۳ «سَنَةٌ» به معنای سال مترادف «عامٌ» است. جمع آن «سَنَوَاتٌ» و «سِنُونٌ، سِنِينٌ» است.
- ۴ «كُنْزٌ» برگرفته از واژه فارسی «گنج» است که از آن فعل «كُنْزٌ، يَكُنْزُ» و مشتقاتی دیگر ساخته شده است.
- ۵ واژه «مدینه» دو جمع مکسر دارد: مُدُنٌ و مَدَائِنٌ
- ۶ «مَعَ» به معنای «با» است و «بِ» نیز به همین معناست؛ پس برای اینکه اشتباه نشود بهتر است به دانش آموز این گونه بگوییم:
«مَعَ» یعنی «همراه با» و «بِ» یعنی «به وسیله»؛ مثال:
أَنَا أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقِي. أَنَا أَذْهَبُ بِسَيَّارَتِي.
- ۷ جمع «مکتبه»، «مکتبات» و «مکاتب» هر دو است.
«مکتب» به معنای «دفتر کار» است که جمعش «مکاتب» می باشد.

۸ «واقف : ایستاده» با «قائم : ایستاده» فرق دارد. «واقف» به معنای «توقف کننده» و «قائم» به معنای «برپاخیزنده» است.

۹ «بُستان» مُعَرَّب یعنی عربی شده کلمه فارسی «بوستان» است. از آنجا که در کلمه «بوستان» التقاء ساکینین شده؛ لذا حرف واو حذف شده است. «بُستان» جای پراز درخت است. در زبان فارسی ترکیب «بو + ستان» به معنای «جای پراز بوی خوش» و مترادف با «باغ» است.

۱۰ «مُدْرَس» و «مُعَلِّم» مترادف اند؛ اما امروزه واژه معلّم برای مدیر کاروان زیارتی نیز به کار می‌رود.

در سوریه واژه «معلّم» برای احترام نهادن نیز به افراد اطلاق می‌شود.

۱۱ جالس و قاعد به یک معنا هستند. در زبان گفتاری از قاعد استفاده می‌شود. (قاعد هم فصیح است هم عامیانه؛ اما جالس فقط فصیح است.)

بخش اول

درس دوم

اهداف کلی

- ۱ آموختن ۲۲ کلمه جدید
- ۲ ترجمه یک آیه شریفه، یک حدیث از پیامبر اسلام ﷺ، دو حدیث از حضرت علی علیه السلام و یک سخن حکیمانه عربی
- ۳ آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای حروف استفهام «هل» و «أ» و نحوه پاسخ‌دهی به آنها
- ۴ جمله‌های ساده دارای حرف استفهام «هل و أ» را به فارسی ترجمه کند.
- ۵ به هنگام ضرورت به پنج جمله آغازین درس استشهاد کند.

تحلیل درس

زینت بخش شروع درس چهارم جملاتی است که به نام «جواهر الکلام» مزین شده است.

۱ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿سورة الرحمن، آیه ۶۰﴾

آیا سزای نیکی جز نیکی است؟!

یا آیا پاداش خوبی کردن غیر از خوبی است؟!

۲ الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرُ الْعَمَلِ .

از پیامبر ﷺ است که از امام موسی کاظم علیه السلام نیز نقل شده است. (تُحْفُ الْعُقُولِ، صفحه ۳۹۷)

مؤمن، کم سخن و پرکار است.

إِذَا رَأَيْتُ الْمُؤْمِنَ صَمُوتًا فَادْنُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يَلْقَى الْحِكْمَةَ وَالْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ، كَثِيرُ الْعَمَلِ وَالْمُنَافِقُ كَثِيرُ الْكَلَامِ، قَلِيلُ الْعَمَلِ. اگر مؤمنی را ساکت و کم حرف دیدید، بدو نزدیک شوید که حکمت می افشاند. مؤمن

کم حرف و پرکار است و منافق پُر حرف و کم کار.

۳ سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. حضرت علی علیه السلام (نُورُ الْأَلْبَانِ، جلد ۱، صفحه ۷۴)

خاموشی زبان تندرستی انسان است.

یا سکوتِ زبان سلامتی انسان است.

۴ رَبِّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (عَزَّرُ الْحِكْمَ، جلد ۱، صفحه ۳۸۱)

چه بسا سخنی که پاسخش خاموشی باشد.

چه بسا حرفی که جوابش سکوت است.

۵ الْوَقْتُ مِنَ الذَّهَبِ. (الوقتُ مِنْ ذَهَبٍ.)، (الوقتُ مِنْ ذَهَبٍ إِنَّ لَمْ تُدْرِكْهُ ذَهَبٌ).

وقت طلاست. وقت از طلاست.

در درس دوم نیز همانند سه بخش درس اول، شروع درس را سخنانی زرین تشکیل می دهد؛ سپس با طرح جملات ساده‌ای هدف آموزشی درس طی جملاتی آموزش داده می شود.

پنج پرسش و پاسخ تنظیم شده است تا دانش آموز بتواند مهارت نسبی را در فهم جمله‌های پرسشی با هل و آ کسب کند. پاسخ دو جمله مثبت و سه تا منفی است.

بدانیم

با مطالعه مثال‌های ارائه شده عملاً آموزش دو حرف استفهام «هل» و «أ» انجام شده است. آموزش این دو حرف تحت عنوان «بدانیم» فقط رسمیت دادن به آموزش آن است؛ لذا به همان مثال‌ها بسنده شده است.

می توان از دانش آموز این گونه پرسید :

ترجمه این دو جمله تفاوت اندکی با هم دارند. آیا می توانید این تفاوت را توضیح دهید؟

هذا الولدُ، ناجِحٌ. این پسر، موفق است.

هذا، وُلْدٌ ناجِحٌ. این، پسری موفق است.

برای پاسخ به این سؤال، باید از روش اکتشافی استفاده کرد. دانش آموز درمی یابد که در ترجمه «هذا الولد» باید بگوید «این پسر» زیرا بعد از هذا اسم دارای ال آمده است؛ اما در جمله «هذا، وُلْدٌ ناجِحٌ». بعد از هذا اسم دارای ال نیامده است؛ لذا ترجمه اش این است : «این، پسری موفق است».

تمرین‌ها

در قرائت و حل تمرینات، دانش آموز نقش اصلی را دارد و نقش معلم نقش مدیر آموزشی است که راهبری و راهنمایی می کند و اشکالات احتمالی را برطرف می کند.

در تمرین اول، از دانش آموز خواسته شده است که در یک کلمه به جمله‌های پرسشی پاسخ دهد. اگر دانش آموز در آزمون‌های شفاهی و کتبی نیز به همین گونه جواب داد، نمره کامل می‌گیرد؛ اما می‌توان پاسخ کامل را نیز نوشت تا تمرین تقویت گردد.

تمرین دوم، تقویت مهارت قرائت و ترجمه است.

تمرین سوم، تقویت شناخت معنای کلمه در قالب جدول کلمات متقاطع است که دارای رمز «الصلاة عمود الدین» می‌باشد.^۱

کلمات آموخته شده برای یادآوری در این جدول مورد سؤال واقع شده‌اند.

دانش‌افزایی برای دبیر

۱ فرق «هَلْ» و «أَلَمْ» در کتاب تدریس نشده است؛ زیرا دانستن آن، ضرورت ندارد. فرق هَلْ با أَلَمْ :

الف) هَلْ در جمله دارای فعل منفی نمی‌آید.

مثلاً سؤال نمی‌شود: هَلْ لَا تَسْمَعُ؟ یا هَلْ مَا سَمِعْتَ؟

بلکه سؤال می‌شود: أَلَمْ تَسْمَعُ؟ یا أَمَا سَمِعْتَ؟

اما حرف استفهام «أَلَمْ» بر سر فعل مثبت و منفی هر دو می‌آید.

أَجَاءَ الْمَعْلَمُ؟ أَمَا جَاءَ الْمَعْلَمُ؟

۲ «جَاءَ» و «أَتَى» هر دو مترادف‌اند. (جَاءَ - يَجِيءُ - مَجِيئاً)؛ (أَتَى - يَأْتِي - إِيْتَاناً)

فعل امر از «جَاءَ يَجِيءُ» به صورت «جِئْ» کاربرد محاوره ندارد؛ بلکه «تَعَالَى» به معنای «بیای» می‌باشد.

ضمناً «جَاءَ بِ» و «أَتَى بِ» به معنای «آورد» است؛ مثال: جِئْ بِالْكِتَابِ. کتاب را بیاور.

۳ «جَزَاءً» از اضداد است دو معنای کيفر و پاداش هر دو را دارد.

۴ «جُلُوسٌ» مصدر ثلاثی مجرد از «جَلَسَ» است و در برابر آن «قَامَ» قرار دارد.

«فَعَدَ» و «جَلَسَ» مترادف‌اند.

۵ «جُنْدِيٌّ» برگرفته از واژه فارسی «گُندی» است.

۱- عن أبي جعفر عليه السلام قال :

أَلَصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا نَبَّتِ الْعَمُودُ نَبَتْ أَوْتَاذُ الْأَطْنَابِ، وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَبْثُ وَتَدَّ وَلَا طَنْبٌ.

امام باقر عليه السلام فرمود :

نماز ستون دین است، مثل آن همانند ستون خیمه است که وقتی استوار باشد میخ‌ها و طناب‌ها با برجاست، و هرگاه ستون آن کج

و شکسته شود، هیچ کدام از آنها استوار نمی‌مانند. (بحار الأنوار، جلد ۸۲، صفحه ۲۱۸)

- ۶ «رُمان» اسم جنس به معنای انار و واحد آن رُمانه و جمع آن رُمانات است. ضمناً رُمانه به معنای نارنجک نیز هست.
- ۷ «ساقی» راننده است که در عربستان سَوَاق نیز گفته می‌شود.
- ۸ همزه «امری» هنگام معرفه شدن به ال واجب است حذف شود. (المرء)
- ۹ «حقیبه» سه معنا دارد: کیف، ساک و چمدان. در گویش عامیانه عربی «سَنَطَه، سَنَنَه، جَنَطَه» گفته می‌شود که همان «جَنَته» در فارسی است. در کتاب‌های درسی پیشین کلمه «مَحْفَظَه» می‌آمد؛ ولی امروزه در عربی کاربرد حقیبه بیشتر است؛ مثلاً حقیبه الظُّهر: کوله پشتی، حقیبه مدرسیّه: کیف مدرسه، حَقَائِبُ الرُّؤارِ: چمدان‌های زائران؛ اَمَّا «مِحْفَظَه» کیف پول است که «جُرْدان» (جزء‌دان) نیز گفته می‌شود.
- ۱۰ «رُبّ» به معنای «چه‌سا» حرف جرّ است و فقط بر سر نکره می‌آید؛ اَمَّا اگر با «ما» بیاید و «رُبّما» شود؛ بر سر معرفه نیز می‌آید؛ مانند: «رُبّما میثم واقف.»
- و در آیه «رُبّما یؤدّ الذّین کفروا لو کانوا مُسلِمین» (سوره الحجر، آیه ۲) به تخفیف باء آمده است.
- ۱۱ «قریه» به معنای روستا جمع آن «قُری» و مترادف با «ریف» است که جمع آن «أریاف» می‌باشد.
- ۱۲ «لسان» دو معنا دارد: یکی «زبان» مانند «زبان عربی» و دیگری «زبان» یعنی همان «عضو گوشتی درون دهان».^۱
- ۱۳ این کلمات همه به معنای «بله» هستند: نَعَمْ، بَلَى، إِي، أَجَل. در گویش حجازی «أیوه» گفته می‌شود که مخفّف «إِي وَاللّهِ» است.

۱- امروزه به جای «اللِّسانُ الفارسیّ»، «اللُّغَةُ الفارسیَّة» گفته می‌شود. کلمه «لُغَه» از ریشه یونان logo گرفته شده است که در کلماتی

مانند مونولوگ و دیالوگ نیز به کار می‌رود. («مونو» یعنی «یک» و «دیا» یعنی «دو»)

کلمات فیلسوف، جغرافی، موسیقی نیز ریشه در زبان لاتین دارند. (فیلسوفیا، ژئوگرافی، موزیکا)

بخش دوم

اهداف کلی

- ۱ دانستن معنای ۲۱ واژهٔ جدید این درس از عربی به فارسی
- ۲ ترجمهٔ سه حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و دو حکمت از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ۳ آشنایی با ترجمهٔ جمله‌های دارای اسم استفهام «مَنْ» و نحوهٔ پاسخ‌گویی به آنها
- ۴ تشخیص مفهوم جمله‌های پرسشی دارای اسم استفهام «مَنْ»
- ۵ پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی مانند: «مَنْ هُوَ؟»، «مَنْ هِيَ؟»، «مَنْ أَنْتَ؟» و «مَنْ أَنْتِ؟»
- ۶ تشخیص معنای معنا و کاربرد «لِمَنْ»
- ۷ به‌هنگام ضرورت مانند نوشتن انشای فارسی استشهداد به حکمت‌های خوانده شده

تحلیل درس

پنج حدیث این درس «كُنُوزُ الْحِكْمِ» نامیده شده و به راستی که هر یک نوری از حکمت است.

۱ التَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ، وَالْإِيمَانُ وَصَاحِبُهُ فِي الْجَنَّةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (مستدرک الوسائل، جلد ۱۶، صفحه ۳۱۹)

پاکیزگی از ایمان است و ایمان و صاحب آن در بهشت‌اند.

کامل حدیث: تَحَلَّلُوا فَإِنَّهُ مِنَ التَّظَافَةِ وَ التَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ وَ صَاحِبُهُ فِي الْجَنَّةِ.

۲ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (مجموعهٔ وزام، جلد ۲، صفحه ۵۱)
تنهایی (تنها بودن) از همنشین بد بهتر است.

۳ إِنَّ حَسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (شهاب‌الأخبار، جلد ۱، صفحه ۳۵۶)
خوش‌بیمانی از ایمان است. خوش‌قولی نشانهٔ ایمان است.

۴ أَعْجَلَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (تُحْفُ الْعُقُولِ، جلد ۱، صفحه ۴۳)

شتابزدگی از شیطان است. عجله از شیطان است. شتابزدگی از اهریمن است.

۵ رَبِّ كَلَامِ كَالْحُسَامِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (عُرُو الْجَمِّ جلد ۴، صفحه ۶۴؛ میزان الحکم، ح ۱۷۸۳) چه بسا سخنی مانند شمشیر باشد. (است)

در ادامه جملات حکیمانه، چند جمله برای تفهیم قاعده اسم استفهام «مَنْ» و با استفاده از چهره بزرگان کشور آمده است.

این جملات دو منظوره می باشد. منظور اصلی بی تردید آموزش اسم استفهام است؛ اما در کنار آن، معرفی بزرگان و نام آوران موجب زیبایی دوچندان کتاب درسی می شود.

بدانیم

از آنجا که آموزش اسم استفهام عملاً با مثال های متنوعی انجام شده؛ لذا در این قسمت به صورت کوتاه و مختصر بدان اشاره شده است.

مثال های «لِمَنْ» موجب تکمیل بحث اسم استفهام «مَنْ؟» می شود.

کلمه پرسشی «مَنْ؟» در مکالمه نقش مهمی دارد.

بجاست که دبیر گرامی در این زمینه تمرینات شفاهی انجام دهد و از چند دانش آموز بپرسد:

«مَنْ أَنْتَ؟» یا «مَنْ أَنْتِ؟»

و از دو دانش آموز بخواهد که این دو جمله را با هم مکالمه کنند.

درباره «لِمَنْ» از آنجا که ضمائر متصل تدریس شده است، فرصت مناسبی برای این کار است و در جای

خود این تمرین شایسته می باشد.

تمرین ها

در قرائت و حل تمرینات دانش آموز نقش اصلی را دارد و نقش معلم، نقش مدیر آموزشی است که

راهبری و راهنمایی می کند و اشکالات احتمالی را برطرف می کند.

تمرین اول: برای تقویت تفهیم اسم استفهام «مَنْ» و در کنار تبلیغ فرهنگی معرفی بزرگان است.

برای سادگی کار سؤال دوگزینه‌ای طراحی شده است.^۱

تمرین دوم و سوم: ترجمه جملات دارای اسم استفهام از عربی به فارسی با همان هدفی که در تمرین نخست وجود دارد. دلیل تغییر شکل تمرین فقط رعایت تنوع است و گرنه هدف در هر دو تمرین یکی است.

تمرین سوم و چهارم: تقویت مهارت مکالمه و پاسخ‌گویی به سؤال‌های دارای کلمه پرسشی «من» است. در تمرین اول، سوم و چهارم نیز ترجمه عبارات لازم است. همچنین باید دلیل اینکه چرا گزینه اول یا دوم درست است ذکر شود. حجم تمرین کم است تا دیر فرصت لازم را برای بررسی داشته باشد.

دانش‌افزایی برای دبیر

۱- آخ: به معنای «برادر» است و به معنای «دوست» نیز می‌آید.

گاهی به معنای «همانند» است. «هذا أخو هذا.» یعنی «این همانند این است.»

جمع آن «إخوة و إخوان» است.

۱- یکی از تصاویر درباره نویسنده کتاب «دا» به نام «سیده زهرا حسینی» است. «دا» نام کتاب روایت خاطرات «سیده زهرا حسینی» است که درباره جنگ ایران و عراق و به کوشش «سیده اعظم حسینی» نوشته شده و انتشارات سوره مهر آن را به چاپ رسانده است. وی اهل روستای «بردی پهل» در استان ایلام است که خاطرات دوره جنگ را با بیانی زیبا به تصویر کشیده است. این کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر شد و تاکنون به سه زبان انگلیسی، اردو و ترکی استانبولی ترجمه شده است.

دا، در زبان کردی فهلوی (جنوبی) و لکی و لژی به معنای مادر است. زهرا حسینی با برگزیدن این نام تلاش کرده تا به موضوع پایداری مادران ایرانی در طول جنگ تحمیلی بپردازد. این کتاب با هفتاد چاپ در کمتر از شش ماه رکورد تازه‌ای را در زمینه نشر کتاب در ایران به ثبت رساند. همچنین در کمتر از شش ماه بیش از پنجاه هزار نسخه از کتاب به فروش رفت. در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران این کتاب به چاپ یکصد و سی و هفتم رسید.

کتاب، خاطرات دو شهر بصره و خرمشهر است و سال‌های محاصره خرمشهر توسط نیروهای عراقی بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. حسینی در آن زمان دختر هفده ساله‌ای بود و گوشه‌ای از تاریخ جنگ را بازگو می‌کند که غالباً به اشغال و فتح خرمشهر مربوط است. تصویر دیگر مربوط به «حکیم عمر ختام نیشابوری» است. او زاده ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ خورشیدی در نیشابور است. فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و رباعی‌سرای ایرانی در دوره سلجوقی است. آوازه وی بیشتر به دلیل نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. افزون بر آنکه رباعیات خیام را به اغلب زبان‌های زنده ترجمه کرده‌اند، ادوارد فیتزجرالد رباعیات او را به زبان انگلیسی ترجمه کرده که مایه نامداری بیشتر وی در مغرب‌زمین شده است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان اصلاح گاه‌شماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک که در دوره پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۲۶ - ۴۹۰ هجری قمری) بود، دانست. وی در ریاضیات، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود.

تصویر دیگر مربوط به مولوی شاعر گرانقدر ایرانی است. جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی زاده ۶۰۴، بلخ است. از نامدارترین سراینندگان ایرانی است که شهرت جهانی دارد و مثنوی او از پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان است. آرامگاه او در شهر قونیه در ترکیه است.

- ۲- أَنْتِ : تَلْفَظُ آن شبیه «أنتی» است که متأسفانه اغلب نادرست تَلْفَظُ می‌شود.
- ۳- جَوَالَ : به معنای تلفن همراه است. مَحْمُولٌ و خَلِیَوِیٌّ نیز گفته می‌شود. جمع آن جَوَالَاتٌ است.
- ۴- حُبٌّ : مصدر از فعل حَبَّبَ - یَحَبِّبُ. (دوست شد)
حَبَّهٌ : او را دوست داشت. یَحَبِّبُ کاربرد ندارد و یُحِبُّ به کار می‌رود.
- ۵- سَمَاءٌ : به معنای آسمان، مؤنث و جمع آن سَمَاوَاتٌ است.
گفته شده اگر به معنای «سقف» باشد؛ مذکر می‌شود.
در قرآن به دو صورت مذکر و مؤنث آمده است.
(السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ) مَرَّئِلٌ : ۱۸
(إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ) انفطار : ۱
نام دخترانه «سُمَّیَّة» مصغَّر «سَمَاء» و به معنای «آسمان کوچک» است.
- ۶- سَيِّدٌ : جمع آن «سَادَةٌ» و جمع الجمع آن «سَادَاتٌ» است؛ اَمَّا «سَيِّدَةٌ» به معنای «خانم» است و جمع آن «سَيِّدَاتٌ» می‌باشد.
- ۷- صَدِیقٌ : به معنای «دوست» است؛ اَمَّا «حَبِیبٌ» به معنای دوست از جنبه عاطفی است.
- ۸- لِمَنْ : معادل واژه whose در انگلیسی و برای پرسش از مالکیت است.
در محاوره کشور عربستان امروزه به جای آن «حَقِّ مِیْن» (با تَلْفَظُ حَكِّ مِیْن) و در عراق «إِلْ مَنْ» یا «مَالِ مَنْ» گفته می‌شود.
- ۹- مَنْ : اسم استفهام به معنای «چه کسی» یا «چه کسانی» است که گاهی اسم موصول و به معنای «کسی که» می‌آید یا از ادوات شرط می‌شود و به معنای «هر کس» می‌شود. اسم بعد از آن مفرد مذکر می‌آید؛ مثلاً هنگامی که کسی در می‌زند و نمی‌دانیم مذکر است یا مؤنث؛ سؤال می‌شود : «مَنْ هُوَ؟» یا «مَنْ یَطْرُقُ الْبَابَ؟» در گویش حجازی «مَنْ» را «مِین» تَلْفَظُ می‌کنند. مثلاً در مکالمه تلفنی آن کس که گوشی تلفن را برمی‌دارد خطاب به فرد پشت خط می‌گوید :
«مِیْنِ مَعَايَ؟» یعنی : «چه کسی با من است؟» (مَنْ یَتَكَلَّمُ مَعِی؟)
- ۱۰- «هُوَ» و «هِيَ» فقط برای انسان نیست و برای شیء نیز کاربرد دارد.
- ۱۱- «حَسَامٌ» در فارسی به کسر حاء و «حِسَامٌ» خوانده می‌شود و به معنای «شمشیر» است.
«سَیْفٌ، صَارِمٌ و صَمِصَامٌ» نیز معنای «شمشیر» دارند. البتَّه «سَیْفٌ» معروف‌تر از بقیه است.
- ۱۲- «أُسْتَاذٌ» مُعَرَّبٌ یعنی عربی شده «استاد» است.
برخی «استاد» را از ریشه «استاد» می‌دانند؛ زیرا در کلاس در برابر شاگردان می‌ایستد.
همان‌گونه که فارسی‌زبانان «اِسْتِوَاءٌ» را «اُسْتُوا» تَلْفَظُ کرده‌اند؛ «اِسْتَادٌ» را «اُسْتَاد» خوانده‌اند.
جمع «استاد» در فارسی «اساتید» و در عربی اغلب «اَسَاتِیْدَةٌ» است.

بخش سوم

اهداف کلی

- ۱ دانستن معنای ۲۱ کلمه جدید این درس از عربی به فارسی
- ۲ ترجمه دو حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و سه حکمت از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ۳ آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «ما» و نحوه پاسخ‌گویی به آنها
- ۴ پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی دارای «ما» و «ماذا»
- ۵ به هنگام ضرورت، استشهاد به احادیث خوانده شده.

تحلیل درس

- پنج حدیث گهربار این درس «كُنْزُ التَّصِيحَةِ» نامیده شده است.
- ۱ أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. رسول الله ﷺ (الْمُعْجَمُ الْأَوْسَطُ، جلد ۶، صفحه ۵۸)
به صورت خیر الناس أنفعهم للناس. نیز نقل شده و به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نسبت داده شده است.
بهترین مردم سودمندترین آنها برای مردم است.
برترین مردم پرمنفعت‌ترینشان برای مردم است.
 - ۲ الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَ فَاعِلُهُ قَلِيلٌ. رسول الله ﷺ (الْخِصَالُ، جلد ۲، صفحه ۳۰)
خیر بسیار است و انجام‌دهنده آن کم است.
خیر زیاد است و انجام‌دهنده‌اش اندک است.
 - ۳ الْإِنْسَانُ عَبْدٌ الْإِحْسَانِ. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (غُرُرُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، حدیث ۲۶۳)
انسان بنده نیکی کردن است.
 - ۴ بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي لِسَانِهِ^۱. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (غُرُرُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، جلد ۱، صفحه ۳۱۲)

۱- زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد بهوش باش که سر در سر زبان نکتی

زبان بریده به کنجی نشسته طمُّ بکم به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم (سعدی شیرازی)

بلای انسان در زبانش است. به صورت بلاء الإنسان في اللسان نیز حالت ضرب المثل یافته است.

۵ سلامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَةِ. حضرت علی عليه السلام (عُرِّزَ الْحِكْمُ، دُرَّرَ الْكَلِمُ، ۵۶۰۷)

سلامت زندگی در مدارا کردن است.

در ادامه «کنزالنصیحة» چهار جمله پرسشی دارای «ما» به صورت سؤال و جواب آمده است؛ تا دانش آموز با چگونگی پرسش و پاسخ در این زمینه آشنا شود. او باید بتواند این مهارت شفاهی را به دست آورد که درباره چستی شیء سؤال کند یا به سؤال از چستی شیء پاسخی کوتاه دهد.

اهمیت قوانین راهنمایی و رانندگی بر کسی پوشیده نیست؛ لذا در کتاب درسی در دو مورد به این موضوع پرداخته شده است. هر سال ده ها هزار نفر در راه های کشور کشته و زخمی می شوند. توجه دادن دانش آموز به این موضوع هر چند گذرا و کوتاه و وظیفه ای میهنی است. نویسندگان کتاب درسی مایل بودند متنی به این موضوع اختصاص دهند؛ اما در کتاب «عربی، زبان قرآن» پایه هفتم، نظر به اینکه دانش آموز در آغاز راه است و هنوز با بسیاری از ساختارهای زبانی و واژه ها آشنا نیست؛ لذا این کار انجام نشد و در همین حد بسنده شد. در پایه نهم یک درس به این موضوع پرداخته شده است.

شایسته و بایسته است که دبیر بداند تفسیر این دو علامت راهنمایی و رانندگی در زبان عربی در اصل

این گونه است :

مَمْنُوعٌ الدَّوْرَانُ إِلَى الْيَمِينِ. مَمْنُوعٌ الدَّوْرَانُ إِلَى الْبَسَارِ.

یعنی واژه «مَمْنُوعٌ» جلوتر می آید؛ اما در کتاب درسی به صورت مبتدا و خبر آمده است.

بدانیم

هر چند چهار مثال برای تفهیم کلمه پرسشی «ما» در ادامه کنزالنصیحة آمده؛ اما لازم است رسماً در این قسمت از درس درباره آن توضیح داده شود.

لازم نیست که معلم درباره «ماذا» موشکافی کند و وارد جزئیات گردد. همین که دانش آموز بفهمد معنای «ماذا» چیست؛ کافی است.

استعمال کلمات «هوَ» و «هی» در «ما هو» و «ما هی» ضرورت ندارد و کلمه پرسشی بدون وجود «هو» و «هی» نیز رساست. «ما هو» و «ماهی» بیشتر در عربی امروزی کاربرد دارد و فرقی بین «ما هو اسمُک؟» و «مَا اسْمُک؟» نیست؛ جز اینکه در اولی گونه ای تأکید وجود دارد. در کتاب درسی «ما هو» و «ما هی» برای ساده سازی آموزش در این درس تدریس نشده است.

تمرین‌ها

در قرائت و حلّ تمرینات دانش‌آموز نقش اصلی را دارد و نقش معلّم نقش مدیر آموزشی است که راهبری و راهنمایی می‌کند و اشکالات احتمالی را برطرف می‌کند.

در تمرین اول کاربرد کلمهٔ پرسشی «ما» در قالب چهار تمرین متنوع بررسی شده است. لازم نیست که حتماً پاسخ کامل داده شود. در پاسخ با «ما هذا؟» همین که دانش‌آموز جواب دهد «عمود» کافی است؛ هرچند پاسخ به صورت «ذَلِكَ عَمُودٌ.» نیز خوب و پسندیده است؛ اما حقیقت این است که در مکالمه پاسخ کوتاه مدّ نظر است.

در تمرین دوم دانش‌آموز با ترجمهٔ جمله‌های پرسشی و پاسخ آنها آشنا می‌شود. در تمرین سوم همهٔ واژه‌های متضادی را که تاکنون خوانده است یک‌جا می‌بیند. برای تسهیل آموزش، کلمات متضاد در تمرین آمده است و انتظار می‌رود که در امتحانات نیز همین روش انجام گیرد تا آموزش و ارزشیابی تسهیل شود و شیوه‌ای جز این پذیرفته نیست؛ یعنی شایسته نیست معلّم از دانش‌آموز بخواهد کلمهٔ متضاد را از حافظهٔ خودش استخراج کند؛ برای نمونه، چنین سؤالی پذیرفته نیست.

متضادّ این کلمات را بنویسید: (صَعْبٌ ≠ ...) (غَالِيَةٌ ≠ ...)

بدیهی است در مدارس خاصی مانند تیزهوشان متضاد کلمات را از حفظ از فراگیر می‌توان خواست. تمرین چهارم: هدف آموزشی، یافتن مؤنث چند کلمه است که این بار نیز مانند تمرین قبلی، پاسخ‌ها در برابر چشم دانش‌آموز است تا او در پاسخ دادن با مشکل روبه‌رو نشود. این تمرینات براساس آگاهی دانش‌آموزی متوسط تنظیم شده است و دانش‌آموز بسیار قوی مدّ نظر نیست. این تمرین در نوع خود، تمرین بسیار مناسبی برای یادگیری مذکّر و مؤنث است که در مناسب‌ترین جا از کتاب درسی نوشته شده است.

دانش‌افزایی برای دبیر

۱- أُمٌّ: به معنای مادر و جمع آن أُمَّهَاتٌ و أُمَّاتٌ است.

(وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ) (سورهٔ نجم، آیه ۳۲)

و آنگاه که شما جنین‌هایی در شکم‌های مادرانتان بودید.

گفته‌اند: «أُمَّاتٌ» برای حیوانات به کار می‌رود.

۲- دَوْرَانٌ: مصدر از فعل «دَارَ» به معنای «چرخید» یَدُوْرٌ، دَوْرًا و دَوْرَانًا است.

۳- عَبْدٌ: به معنای «بنده و برده» است. چند جمع مکسر دارد:

عِبَادٌ، عِبْدٌ، أَعْبُدُ؛ اَمَّا عِبَادٌ از همه معروف‌تر است.

- ۴- عَيْشُ : مصدر از فعل عَاشَ به معنای زندگی کرد، يَعِيشُ، عَيْشًا، مَعِيشَةً، مَعاشًا و عَيْشَةً است.
در گویش مصری به معنای نان («خُبْز») نیز می‌آید.
- ۵- مُدَارَاةٌ : در فارسی حرفه از انتهای آن حذف شده است؛ مانند «مُدَاوَاةٌ» که آن نیز مداوا شده است.
(دازی، بُداری، مُدَارَاةٌ)
- ۶- مِئْصَدَةٌ : امروزه واژه «طاولَة» نیز به جای آن به کار می‌رود که معرَب ایتالیایی است. جمع آن «مَنَاصِد» است.
- ۷- يَسَارٌ : با کلمه «شِمال» مترادف است. در قرآن کریم «أصحابِ يَمِينٍ» در برابر «أصحابِ شِمالٍ» آمده است. گاهی «أَيْسَرٌ» و «يُسْرِيٌّ» نیز به کار می‌رود.
- ۸- يَمِينٌ : به معنای «راست» است و به صورت «أَيْمَنُ» و «يُئْمِنِيٌّ» نیز به کار رفته است.
«بِئْیَامِينٍ» یک نام با ریشهٔ عبری است مرکب از «بِنِ : پسر + یامین : راست»؛ یعنی : پسری که دست راست خانواده است.
- ۹- «نِسَاءٌ» جمعی است که مفرد از جنس خودش ندارد.
«امْرَأَةٌ» نیز مفردی است که جمع از جنس خودش ندارد.
دو کلمه «نِسْوَةٌ و نِسْوَانٌ» نیز به معنای «زنان» هستند.
- ۱۰- «أَفْضَلُ» در صورتی که با «مِنْ» بیاید به معنای «بِهتر» است. أَنْتَ أَفْضَلُ مِنْهُ. تو از او بهتری.
اگر دو طرف مقایسه مؤنث باشند، باز هم وزن أَفْعَلُ به کار می‌رود نه فُعَلِيٌّ؛ مثال :
فَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنْ زَهْرَاءَ.

بخش چهارم

درس دوم

اهداف کلی

- ۱ دانستن معنای ۲۳ کلمه جدید از عربی به فارسی
- ۲ ترجمه چهار حکمت از پیامبر اسلام ﷺ و یک حکمت از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ۳ آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «أَيْنَ» و نحوه پاسخگویی به آنها
- ۴ آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «مِنْ أَيْنَ» و نحوه پاسخگویی به آنها
- ۵ پاسخ‌دهی مناسب به جمله‌های پرسشی دارای «أَيْنَ؟»
- ۶ پاسخ‌دهی مناسب به جمله‌های پرسشی دارای «مِنْ أَيْنَ؟»
- ۷ به هنگام ضرورت استشهاد به حدیث‌های خوانده شده

تحلیل درس

پنج حکمت این درس «الْحِكْمُ النَّافِعَةُ» نامیده شده و به راستی که هر یک حکمتی سودآور است.

۱ الْأَعْمَالُ بِالتَّيَاتِ. رسول الله ﷺ (بحار الأنوار، جلد ۶۷، صفحه ۲۱۱)

کارها به نیت هاست. اعمال به نیت است. کارها به نیت بستگی دارد.

(اصل این حدیث «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالتَّيَاتِ.» است. یعنی کارها فقط به نیت هاست).

۲ عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ.

بر تو لازم است که با مردم مدارا کنی. باید با مردم مدارا کنی.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیثی زیبا ضمن سفارش به مدارا با مردم به سخنی از پیامبر ﷺ استناد فرموده است.

عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ وَإِكْرَامِ الْعُلَمَاءِ وَالصَّفْحِ عَنِ زَلَاتِ الْإِخْوَانِ؛ فَقَدْ أَدَبَكَ سَيِّدُ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ يَقُولُهُ ﷺ:

أَغْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَصَلِّ مَنْ قَطَعَكَ وَأَعْظِ مَنْ حَرَمَكَ. (أعلام الدین، صفحه ۹۶)

۳ حُسْنُ الْخُلُقِ (الْخُلُقِ) يُضْفُ الدِّينَ. رسول الله ﷺ

(مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، جلد ۱، صفحه ۴۶۹)

خوش اخلاقی، نیمی از دین است.

۴ الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ. رسول الله ﷺ (مُسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ، جلد ۱۵، صفحه ۱۸۰)

بهشت زیر پای مادران است.

۵ يَدْ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)

دست خدا با جماعت است. دست خدا با گروه است.

(به صورت يَدْ اللَّهُ عَلَيَّ الْجَمَاعَةِ. نیز به کار رفته است.)

بعد از پنج جمله «الْحِكْمُ النَّافِعَةُ» نه جمله پرسشی در ارتباط با «أَيْنَ» آمده است که در پاسخ به هر کدام از آنها یکی از جهت‌ها به کار رفته است. در اینجا دانش‌آموز همانند ترجمه حکمت‌های آغاز درس عمل می‌کند باید بخواند و ترجمه کند. احادیث، ارزشی و دارای بار معنایی هستند؛ اما در بخش دوم جملات بار آموزشی دارند و هدف پرورش مهارت‌های چهارگانه زبانی خواندن، شنیدن، سخن گفتن و نوشتن است. در یکی از عبارات‌ها نام «خلیج فارس» به صورت «الْخَلِيجُ الْفَارِسِيُّ» آمده است تا دانش‌آموز با تلفظ عربی نام «خلیج فارس» آشنا شود. جمله‌های طَراحی شده در این قسمت از درس، دانش‌آموز را افزون بر آشنایی با کلمه پرسشی «أَيْنَ» با واژه‌هایی مانند: فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِی، عَلَيَّ، عَلَيَّ الْيَمِينِ، عَلَيَّ الْيَسَارِ، هُنَا وَهُنَا آشنا می‌سازد.

بدانیم

دانش‌آموز به کمک جمله‌های درس به اندازه کافی با کلمه پرسشی «أَيْنَ» و وابسته‌هایش آشنا شده است. در این قسمت از درس، به صورت کوتاه و مختصر اشاره‌ای به موضوع درس شده است. یادگیری این قسمت از درس تنها با قرائت و ترجمه عبارات و با تمرینات شفاهی امکان‌پذیر است.

اسم فعل «عَلَيْكَ بِ» در امثال و حکم و احادیث بسیار کاربرد دارد. در کتاب‌های عربی، زبان قرآن پایه‌های هفتم و هشتم هر جا فعل امر لازم باشد می‌توان از اصطلاح «عَلَيْكَ بِ» استفاده کرد؛ زیرا فعل امر از اهداف کتاب پایه نهم است و استفاده از فعل امر در متون و عبارات گریزناپذیر است. به کمک این «اسم فعل» مشکل حل می‌شود.

۱- ثُمَّ أَنْتُمْ نِيرَاؤُ التَّلَاسِ وَ مَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ وَصَرَبَ بِهِ تِيهَهُ. وَسَيَهْلِكُ فِی صِفَانٍ: مُجِبٌ مُفْرَطٌ يَدْهُبُ بِهِ الْخُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَتُبَيْضٌ مُفْرَطٌ يَدْهُبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَخَيْرُ التَّلَاسِ فِی حَالِ التَّمَطِّ الْأَوْسَطِ، فَالزَّمُوهُ، وَالزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدْ اللَّهُ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالفُرْقَةَ، فَإِنَّ السَّادَّ مِنَ التَّلَاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ السَّادَّ مِنَ الْقَنَمِ لِلدُّبِّ. أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا السَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ، وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ.

برای یادگیری مبحث «أین» نه مثال مصور آمده است تا دانش آموز به کمک آنها با پرسش و پاسخ بتواند از جای کسی یا چیزی سؤال کند و پاسخ دهد.
کتاب به گونه خودآموز طراحی شده است.
دبیر می تواند جهت تسریع در یادگیری توضیحاتی کوتاه در این مورد ارائه دهد.

تمرین ها

در قرائت و حلّ تمرینات، دانش آموز نقش اصلی را دارد و نقش معلم، نقش مدیر آموزشی است که راهبری و راهنمایی می کند و اشکالات احتمالی را برطرف می کند.
تمرین اول: این تمرین در حقیقت به گونه ای غیرمستقیم تمرینی برای تقویت مکالمه است.
تمرین دوم: هدف تقویت مهارت ترجمه از عربی به فارسی است.
تمرین سوم: دانش آموز به کمک تصویر بزرگ باید به دو سؤال پاسخ دهد. به تصویر توجه می کند و پاسخ سؤالات را می یابد. در تمرین شماره ۱ پاسخ می تواند متنوع باشد.
البقرة أمام الشجرة. یا البقرة تحت الشجرة. یا البقرة فی المزرعة.

دانش افزایی برای دبیر

- ۱- «زرافه» در فارسی با تشدید «ر» است، ولی در عربی تشدید ندارد.
در زبان پهلوی آن را «شترگاوپلنگ» گفته اند.^۱
- ۲- أَقْدَام: جمع «قَدَم» است و «قَدَم» گاهی به معنای «رِجْل» است.
در «كُرَّةُ الْقَدَم» به معنای «فوتبال» این کلمه وجود دارد.
قَدَم مذكر و مؤنث است.
- ۳- أَمَام: ۲ به معنای جلو، روبه رو، مقابل و از «اسماء دائم الاضافه» است.

۱- در پهلوی، زرافه را اشترگاوپلنگ می گفته اند. (بُدَهَش، صفحه ۷۹؛ مَکَنَزی) نام دیگر آن در فارسی، سنباه و زرافه است (قزوینی، صفحه ۴۱۶؛ تراغی، صفحه ۲۱۵). در نقاط مختلف قاره آفریقا، که محدوده پراکندگی این جانور هست، آن را با نام های زرات، زیوتا، زرافا و سُراف می شناسند که هر یک از آنها شاید ریشه نام این جانور باشد. درباره ریشه نام زرافه اختلاف نظر است؛ از یک سو زرافه نام عربی این جانور و برگرفته از ریشه سُراف، در مصر قدیم به معنای گردن بلند، دانسته شده است، از دیگر سو آن را معرب واژه فارسی زرنابه، سرنابا، زرنابا یا از ریشه هندی دانسته اند (جوهری، ذیل «زرف»؛ زَمَخْشَری، قسم ۱، صفحه ۴۵۳؛ نیز ← معلوف، صفحه ۱۱۵-۱۱۶). شاید ریشه نام گذاری زرافه، به معنای دیگر این کلمه در عربی، یعنی جمع یا جماعت، و این باور نادرست قدیمی برمی گردد که زرافه را چندرنگه از جمعی از جانوران وحشی می دانستند (جوهری، همانجا؛ ابن خَلکان، جلد ۴، صفحه ۴۰۰).
۲- در گویش های عربی به جای آن قَدَام به کار می رود. (رُخ قَدَام یعنی برو جلو.)

- مؤنث است و گاهی مذکر می آید.
 ضدّ آن «خَلْف» یا «وَرَاء» است.
- «أَمَامَك» کلمه تحذیر و تبصیر است به معنای «إِخْدَرُ»: برحذر باش.
- ۴- بَقَرَة: گاو ماده است؛ اما در اصل «بَقَر» اسم جنس به معنای «گاو» است و واحدش «بَقَرَة» است که به معنای «گاو ماده» کاربرد دارد. جمع «بَقَر»، أَبْقَار یا أَبْقَر است.
- «بَقَرَات» جمع بَقَرَة است. «تَوْر» گاو نر است.
- ۵- سَفِينَة: به معنای «کشتی» جمع آن «سُفُن و سَفَائِن» است. امروزه به آن «بَاخِرَة» نیز گفته میشود.
- «مَرَكَب، جَارِيَة و فُلُك» نیز به معنای «کشتی» به کار رفته است.^۱
- ۶- فَوْق: ظرف مکان و دائم الاضافه به معنای «بالای» است. با «عَلَى» فرق دارد.
- «عَلَى» آن است که مثلاً کتابی روی میزی و با آن مُماس باشد؛ ولی در «فَوْق» هم می تواند مُماس باشد و هم می تواند بر فراز آن چیز باشد.
- ۷- «وَرَاء» و «خَلْف» مترادف اند و با «أَمَام» متضادند.
- ۸- «هُنَاك» به معنای «آنجا» و «هُنَا» به معنای «اینجا» است.
- ۹- يَد: دست یا کف دست، واژه «يَد» مؤنث است.
- لام الفعل در کلمه «يَد» محذوف و در اصل «يَدِي» بوده است. مثنای آن «يَدَان» می باشد.
- جمع آن «أَيْدِي» و جمع الجمع آن «أَيَادِي» است. «الْأَيَادِي» بیشتر به معنای «نعمت‌ها» است.
- ۱۰- تَحْت: ظرف دائم الاضافه است و گاهی مضافٌ إليه آن حذف می شود. (جَاءَ مِنْ تَحْتُ). متضاد آن «فَوْق» است.

۱- أسطول (یونانی معرّب) نیز به معنای ناوگان است. أسطول حرّی: ناوگان جنگی

بخش پنجم

درس دوم

اهداف کلی

- ۱ آموختن معنای ۲۴ کلمه جدید از عربی به فارسی
- ۲ ترجمه سه حکمت از پیامبر اسلام ﷺ
- ۳ حفظ عددهای اصلی یک تا دوازده
- ۴ حفظ تک تک عددهای یک تا دوازده در پاسخ به پرسش از تعداد
- ۵ آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای اسم استفهام «کَمْ» و نحوه پاسخگویی به آنها
- ۶ پاسخ‌دهی کوتاه به جمله‌های پرسشی دارای «کَمْ؟»
- ۷ دانش آموز به هنگام ضرورت مانند نوشتن انشای فارسی به سخنان حکیمانه‌ای که در کتاب آموخته است، استناد کند.

تحلیل درس

سه حکمت این درس «الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ» نامیده شده و در هر یک به دلیل اینکه موضوع قاعده درس درباره عددهای اصلی می‌باشد، عددی آمده است. عددهای یک تا دوازده تدریس شده است. این عددها به صورت عام (مذکر) تدریس شده‌اند.

- | | | | | | | | | | | | |
|---|----------|---|-------------|---|-----------|----|------------|----|---------------|----|------------------|
| ۱ | وَاحِدٍ | ۲ | إِثْنَانٍ | ۳ | ثَلَاثَةٌ | ۴ | أَرْبَعَةٌ | ۵ | خَمْسَةٌ | ۶ | سِتَّةٌ |
| ۷ | سَبْعَةٌ | ۸ | ثَمَانِيَةٌ | ۹ | تِسْعَةٌ | ۱۰ | عَشْرَةٌ | ۱۱ | أَحَدَ عَشَرَ | ۱۲ | إِثْنَاءَ عَشَرَ |
- تدریس عددها فقط به همین شکل باید صورت بگیرد؛ مثلاً عدد «سه» به صورت «ثَلَاثَةٌ» آموزش داده می‌شود و نباید شکل «ثَلَاث» را توضیح داد.
- دانش آموز هیچ احتیاجی به دانستن فرق ثلاث و ثلاثة در سال نخست آموزش ندارد.

در تدریس یا ارزشیابی نباید کلماتی به کار برود که به استفاده از شکل ثلاث، أربع، خمس ... و عشر نیاز پیدا شود.

مشاهده شده که دانش‌آموزی عددها را از حفظ است؛ اما وقتی که می‌خواهد عدد سبعة را به عربی بگوید دچار مشکل می‌شود و از واحد شروع می‌کند تا به سبعة برسد؛ لذا دبیر عربی شایسته است به این موضوع توجه کند.

هرچند ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب نیست، ولی حفظ عددها از اهداف است. همچنین مبحث تطابق عدد و محدود از اهداف کتاب درسی نیست. نباید به ویژگی‌های معدودگونه اشاره‌ای بشود. اینکه ترجمه «سه مرد» می‌شود «ثلاثة رجال» و «سه زن» می‌شود «ثلاث نساء» از اهداف کتاب نیست. در حقیقت چنین بحثی از سخت‌ترین مباحثی است که دانشجوی رشته زبان عربی با آن روبه‌رو است و بدیهی است که دانستن این مطلب برای دانش‌آموز در آغاز راه مطلقاً لازم نیست. شاعری عرب گفته است:

فِي التَّحْوِ لَا يَفْهَرُنِي إِلَّا تَفَاصِيلُ الْعَدَدِ

بدانیم

شاید دبیری بخواهد اشاره‌ای کوتاه به حذف علامت «ة» از عددهای ثلاثة تا عشرة کند. اگر چنین کاری انجام داد، در این صورت نمی‌تواند در امتحانات یا پرسش‌های کلاسی که در کارنامه اثرگذار است از آن سؤال بدهد؛ زیرا این مطلب از اهداف کتاب نبوده است.

اگر دانش‌آموزی سؤال کرد، کافی است به او چنین پاسخ بدهیم:

ظاهر عددها گاهی تغییراتی دارد که دانستن علت آنها ضرورت ندارد.

گاهی حرف «ة» در ثلاثة تا عشرة حذف می‌شود. (ثلاث، أربع، خمس ...).

همین اندازه کافی است و لازم نیست از این مورد سؤال یا تمرینی طراحی گردد.

دانش‌آموزی که عددهای سه تا نه را از حفظ است؛ در حقیقت عددهای سیزده تا نوزده را نیز خود به‌خود می‌داند؛ زیرا ۱۳ تا ۱۹ همان ۳ تا ۹ است که در انتهای خود جزء «عشر» را اضافه دارد.

(ثلاثة عشر، أربعة عشر، خمسة عشر ... تسعة عشر)

توجه داشته باشیم که از عددهای ۱۳ تا ۱۹ هیچ تمرینی در کتاب وجود ندارد.

کلمه پرسشی «کم» برای پرسش از عدد و مقدار به کار می‌رود؛ مثال: كم رجلًا في الشارع؟ - عشرة رجال.

همین اندازه که دانش‌آموز معنای «کم» را می‌داند کافی است.

اعراب کلمه بعد از «کم» موردنظر نیست.

در انتهای بخش پنجم از درس دوم همه کلمات پریشی در یک جدول آمده است؛ تا دانش آموز دریابد هدف آموزشی اصلی این پنج درس چه مطالبی بود.

هدف از طراحی جدول تدریس مجدد نیست، هدف یادآوری گذرا نسبت به آموخته هاست. طبیعی است که در هر کلاسی دانش آموزان دیرآموز وجود دارند که درس ها را به خوبی یاد نمی گیرند. برخی از دبیران متأسفانه به تفاوت توانایی دانش آموزان با یکدیگر توجه ندارند و انتظار دارند همه دانش آموزان نمره بیست یا نزدیک به بیست بگیرند.

در تدریس این جدول یقیناً مشاهده خواهید کرد که هنوز برخی از دانش آموزان در فهم آموخته ها مشکل دارند. می توان با کار گروهی و تقسیم دانش آموزان به چند گروه بر کار آنها نظارت کرد، تا مشکلات این گروه حل شود. در تصویر سوم از سمت راست چنین سؤالی آمده است: کم غَوَاصاً فی هذه الصورة؟ توجه داشته باشیم اینها شهدای غَوَاص در جنگ تحمیلی اند. اشارهای کوتاه به فداکاری آنها در کلاس لازم است.

تمرین ها

- تمرین اول: آشنایی با جمله های پریشی دارای اسم استفهام «کم» و «عددهای اصلی» است.
- تمرین دوم: ترجمه جملاتی که در اجزای آن کلمه پریشی «کم» و نیز عدد به کار رفته است.
- «او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید».
- «بی گمان تعداد ماه ها نزد خدا دوازده ماه است».
- چند روز تو در سفری؟ تقریباً نه روز.

القرآنیات

۱. كَمْ عَدَدُ الْأَنْبِيَاءِ فِي الْقُرْآنِ؟ - سِنَّةٌ وَعِشْرُونَ نَبِيًّا.
- شمار (تعداد) پیامبران در قرآن چند تاست؟ بیست و شش پیامبر.
۲. كَمْ سُورَةٌ بِاسْمِ الْحَيَوَانَاتِ فِي الْقُرْآنِ؟ - خَمْسُ سُورٍ.
- چند سوره در قرآن به نام جانوران (حیوانات) است؟ پنج سوره.
۳. كَمْ عَدَدُ السَّجَدَاتِ الْوَأَجِبَةِ فِي آيَاتِ الْقُرْآنِ؟ - أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ.
- شمار (تعداد) سجده های واجب در آیات قرآن چند تاست؟ - چهار سجده.

یادآوری بخشی از قواعد عدد برای دبیر
(هدف از این بخش، مطلقاً دانش آموز نیست).

عددها به دو گروه اصلی و ترتیبی تقسیم می‌شوند.

۱) عدد اصلی :

همان عددهای یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، ... هستند.
اعداد (۱ و ۲)، (۳ تا ۱۰)، (۱۱ و ۱۲) و (۱۳ تا ۱۹) قواعد ویژه خود را دارند.

الف) عددهای ۱ و ۲ : عدد «یک» در زبان عربی به صورت «واحد» و «واحدة» و عدد «دو» به صورت «اثنان، اثنین، اثنان و اثنین» می‌باشد.

در زبان عربی نیازی به بیان عدد واحد و اثنان نیست؛ زیرا خود لفظ مفرد و مثنی بر ۱ و ۲ دلالت دارد؛ اما اگر بعد از اسمی از این دو عدد استفاده شود، برای تأکید می‌باشد و نقش آن، صفت است؛ پس در جنس و تعداد با اسم پیش از خود مطابقت دارد؛ مانند :

جاءَ وَكَلَّدَ وَاحِدٌ. جاءَتْ بِنْتُ وَاحِدَةٍ.
جاءَ وَكَلَّدَانِ اِثْنَانِ. جاءَتْ بِنْتَانِ اِثْنَانِ.

ب) عددهای ۳ تا ۱۰ : (ثلاثة، أربعة، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة)
معدود این عددها جمع و مجرور است و از نظر مذکر و مؤنث با معدودشان رابطه برعکس دارد.
(عدد مذکر با معدود مؤنث و عدد مؤنث با معدود مذکر)

اعراب این عددها به نقش آنها در جمله بستگی دارد؛ مانند :

جاءَ ثَلَاثَةٌ رِجَالٍ. (فاعل)
رَأَيْتُ ثَلَاثَةَ رِجَالٍ. (مفعول)
سَلَّمْتُ عَلَى ثَلَاثَةِ رِجَالٍ. (مجرور به حرف جر)

جاءَتْ ثَلَاثُ نِسَاءٍ. (فاعل)
رَأَيْتُ ثَلَاثَ نِسَاءٍ. (مفعول)
سَلَّمْتُ عَلَى ثَلَاثِ نِسَاءٍ. (مجرور به حرف جر)

ج) عددهای ۱۱ و ۱۲ : (أحد عشر، إحدى عشرة) و (اثنا عشر، اثني عشر، اثناعشر و اثنی عشر) می‌باشد.
حکم این دو عدد این است که معدودشان مفرد و منصوب است و از نظر مذکر و مؤنث با معدودشان مطابقت دارند.

هر دو جزء عدد ۱۱ مبنی بر فتح می‌باشد؛ اما در عدد ۱۲ جزء اول معرب به اعراب فرعی و جزء دوم مبنی بر فتح است؛ مانند :

(فاعل)	ذَهَبْتُ أَحَدَ عَشَرَ طَالِبًا.
(مفعول)	رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ طَالِبًا.
(مجرور به حرف جرّ)	سَلَّمْتُ عَلَيَّ أَحَدَ عَشَرَ طَالِبًا.
(فاعل)	ذَهَبْتُ اثْنَا عَشَرَ طَالِبًا.
(مفعول)	رَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ طَالِبًا.
(مجرور به حرف جرّ)	سَلَّمْتُ عَلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ طَالِبًا.
(فاعل)	ذَهَبْتُ اثْنَا عَشْرَةَ طَالِبَةً.
(مفعول)	رَأَيْتُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ طَالِبَةً.
(مجرور به حرف جرّ)	سَلَّمْتُ عَلَيَّ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ طَالِبَةً.

د) عددهای ۱۳ تا ۱۹ : معدود این عددها مفرد و منصوب است؛ اما از نظر مذکر و مؤنث، جزء اولشان با معدود رابطه برعکس دارد؛ جزء دوم با معدودش مطابقت دارد و هر دو جزء مبنی بر فتح است؛ مانند :

(فاعل محلاً مرفوع)	ذَهَبْتُ خَمْسَةَ عَشَرَ طَالِبًا.
(فاعل محلاً مرفوع)	ذَهَبْتُ خَمْسَ عَشْرَةَ طَالِبَةً.
(مفعول محلاً منصوب)	رَأَيْتُ خَمْسَةَ عَشَرَ طَالِبًا.
(مفعول محلاً منصوب)	رَأَيْتُ خَمْسَ عَشْرَةَ طَالِبَةً.
(مجرور محلاً)	سَلَّمْتُ عَلَيَّ خَمْسَةَ عَشَرَ طَالِبًا.
(مجرور محلاً)	سَلَّمْتُ عَلَيَّ خَمْسَ عَشْرَةَ طَالِبَةً.

۲) عدد ترتیبی :

بر مرتبه دلالت دارد و از نظر اعراب صفت برای اسم ماقبل خودش است.

عددهای ترتیبی عبارت‌اند از :

الأوّل، الثّانی، الثّالث، الرّابع، الخامس، السّادس، السّابع، الثّامن، التّاسع، العاشر، الحادى عشر، الثّانى عشر، الثّالث عشر، الرّابع عشر، الخامس عشر، السّادس عشر، السّابع عشر، الثّامن عشر، التّاسع عشر، العِشرون، الحادى والعِشرون، الثّانى والعِشرون، ...، الثّلاثون، الأربعون، الخمسون، الستون، السبعون، الثمانون، التسعون، المائة

مَوْثَبٌ الْأَوَّلُ می‌شود **الْأُولَى**؛ **أَمَّا مَوْثَبٌ بَقِيَّةَ** با افزودن «ة» ساخته می‌شود؛ مثال :

الثَّانِيَّةُ، الثَّلَاثَةُ، الرَّابِعَةُ، الْخَامِسَةُ، ...

مثال :

میدانِ سوم : السَّاحَةُ الثَّلَاثَةُ، الدَّوَارُ الثَّلَاثُ

دانش افزایی برای دبیر

۱ اَلَّذَى اسم موصول مفرد مذکر است.

(هذا الَّذِي، هذه التي، هذان اللذان، هذين اللذين، هاتان اللتان، هاتين اللتين، هؤلاء الذين، هؤلاء اللاتي)

جالب است که در گویش‌های محلی عربی به جای همهٔ اینها یک کلمهٔ «إلى» در همهٔ حالت‌های اعرابی،

همچنین در مذکر و مؤنث و در مفرد و مثنی و جمع یکسان به کار می‌رود.

۲ عدد یک و دو صفت برای معدود خود و تأکید به شمار می‌آیند.

در حقیقت نبودن آنها آسیبی به فهم معنا وارد نمی‌سازد.

جاءَ رَجُلٌ واحدٌ. جاءَتْ امرأةٌ واحدةٌ. جاءَ رَجُلَانِ اثنانٍ. جاءَتْ امرأتانِ اثنتانٍ.

۳ معدود عددهای سه تا ده جمع و مجرور است؛ مثال :

خَمْسَةُ أولادٍ. خَمْسُ بناتٍ. سِتَّةُ فلاحينَ. سِتُّ فلاحاتٍ.

۴ معدود ۱۱ تا ۹۹ مفرد و منصوب است.

(إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي ساجِدِينَ) (سورة يوسف،

آیه ۴)

برای یادگیری بهتر بحث عدد و معدود به کتاب «اعداد در زبان عربی» چاپ انتشارات مدرسهٔ بُرْهان

مراجعه کنید. در این کتاب دربارهٔ اعداد اصلی و ترتیبی و متعلقات آنها توضیحاتی مفصل آمده است.

۵ بَحْرٌ : دریا. جمع آن بَحَارٌ، أَبْحُرٌ و بُحُورٌ

۶ بَدَايَةُ : آغاز. متضاد آن «نِهَايَةُ» است. (بَدَايَةُ = ابتداء)

۷ مُصْحَفٌ : به معنای «کتاب» و منظور «قرآن کریم» است.

۸ نار : آتش. جمع آن نيران است.

۹ وَجَعٌ : درد. مترادف با «أَلَمٌ». جمع آن «أوجاع» است؛ مثال :

أوجاع مَفْصَلِيَّةٌ : درد مفاصل، دردهای مفصلی

در گویش‌های عربی به صورت وَجَعٌ يَوْجَعُ (درد گرفت) به کار می‌رود و معادل «تَأَلَّمَ» در فصیح است.

دو واژهٔ «الْوَجَعُ» و «وَجَعٌ» عربی فصیح است که در گویش‌های عربی نیز به همین گونه کاربرد دارد.

۱۰. وَجْه : صورت. جمع آن وُجوه و أَوْجُه است.
۱۱. سِرْوَال معرّب واژه فارسی «شروال» یا «شلوار» است.
۱۲. در عربی فصیح چهار کلمه در چهار جایگاه اعرابی برای دوازده وجود دارد :
 (اِثْنَا عَشَرَ، اِثْنَى عَشَرَ، اِثْنَا عَشْرَةَ، اِثْنَى عَشْرَةَ)
 در گویش محلی عربی فقط یک کلمه «اِثْنَعَش» وجود دارد.
 در مورد کلمه «بازده» نیز همین گونه است و فقط یک کلمه «دَعَش» (به لهجه عراقی) وجود دارد که
 به صورت «اِبْدَعَش»، «اِحْدَعَش» و «اِدَعَش» در دیگر لهجه ها به کار می رود.

اهداف کلی

- ۱ دانستن معنای هجده کلمه جدید از عربی به فارسی
- ۲ آموزش مکالمه (سلام، احوالپرسی و خدا حافظی)
- ۳ آشنایی یکجا با ضمیرهای منفصل و متصل
- ۴ آشنایی با ترجمه جمله‌های دارای ضمیر
- ۵ مقایسه ضمیرهای فارسی با ضمیرهای عربی و تشخیص تفاوت آنها
- ۶ بیان معنای جمله‌های ساده دارای ضمیر
- ۷ به کار بردن ضمیر مناسب با جمله

تحلیل درس

از درس سوم آموزش مکالمه عربی آغاز شده است. در بخش‌های سه‌گانه درس اول و بخش‌های پنج‌گانه درس دوم این کار امکان‌پذیر نبود؛ زیرا دانش‌آموز در آغاز راه است و واژگان چندانی از زبان عربی و ساختار آن نمی‌داند؛ اما از درس سوم به بعد کم‌کم دانش‌آموز با مکالمه عربی آشنا می‌شود. مکالمه از اهداف اصلی کتاب درسی نیست. هدفی ثانویه می‌باشد. مکالمه بستری زیبا و جذاب برای یادگیری درس عربی است.

- أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ . - خوش آمدید .
- صَبَاحَ الْخَيْرِ . - صبح به خیر .
- توضیح: صَبَاحُ الْخَيْرِ با رفع صبح نیز درست است .
- صَبَاحَ التَّوَرِ . - صبح به خیر . (به صورت صَبَاحُ الْخَيْرِ نیز درست است .)
- كَيْفَ حَالُكَ؟ - حال شما چطور است؟
- أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ - خوبم . شما چطور؟
- أَنَا بِخَيْرٍ . مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - خوبم . شما اهل کجایی؟

- أَنَا مِنْ إِيرَانَ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
 - أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ. هَلْ أَنْتَ مِنْ مَشْهَدٍ؟
 - لا؛ أَنَا مِنْ مَازَنْدَرَانَ.
 - وَ أَنَا مِنَ الْبَصْرَةِ.
 - مَا اسْمُكَ؟
 - اسْمِي سَمِيرٌ وَ مَا اسْمُكَ؟
 - اسْمِي حَمِيدٌ.
 - أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟
 - هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ. ذَلِكَ أَبِي وَ تِلْكَ أُمِّي.
 - ذَلِكَ جَدِّي وَ تِلْكَ جَدَّتِي.
 - أَيْنَ فُنْدُقُكُمْ؟ - فِي نَهَائِيَةِ هَذَا الشَّارِعِ.
 - كَمْ يَوْمًا أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟ - ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ.
 - مَنْ هَذَا الْوَلَدُ؟
 - هُوَ أَخِي.
 - مَا اسْمُهُ؟
 - اسْمُهُ جَعْفَرٌ.
 - فِي أَمَانِ اللَّهِ.
 - إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.
 در مکالمه بالا افزون بر مفاهیم جدید، آنچه را دانش آموز در هشت بخش درس اول و دوم و در بحث حروف و اسماء استفهام خوانده است در اینجا دوره می کند.
 سلام کردن، احوالپرسی، پرسش از اصلیت، نحوه آشنایی و پرسیدن نام، خداحافظی کردن و نگاهی به ضمیرهای آموخته شده در هشت بخش درس اول و دوم اهداف آموزشی این متن را تشکیل می دهد.
 در این مکالمه سعی بر این بوده است که به درازا نکشد.

بدانیم

هدف آموزشی درس سوم نگاهی یکجا به ضمیرهای منفصل و متصل است.
 تذکر مهم: شایسته است دبیر بداند بیشتر ضمیرها در هشت بخش درس اول و دوم آموزش داده شده اند و آنچه در انتهای درس سوم آمده است، مطلبی جدید نیست.

ضمیرهای منفصل و متصل در دو چینش بومی سازی و چینش صرف سنتی آموزش داده شده‌اند. پرسش: آیا حفظ ضمایر لازم است؟ پاسخ: حفظ این ضمایر به هر دو شکل بدون اشکال است. ورود به بحث ضمیر از راه آموخته‌های دانش آموز در درس فارسی امکان‌پذیر است. فراگیر ضمیرهای «من، تو، او، ما، شما و ایشان» را می‌شناسد؛ لذا مقایسه‌ای میان ضمیرهای فارسی و عربی صورت گرفته است؛ تا با دقت در آنها بتواند به آموخته‌های پراکنده‌اش نظم بدهد. این جدول موجب می‌شود تا نیاز به توضیحات کمتر شود. معلم آنچه را می‌خواهد توضیح دهد، جدول خود به خود آموزش می‌دهد و به اندازه کافی گویاست.

		عربی	فارسی
		أَنَا	من
	أَنْتِ	أَنْتِ	تو
	هِيَ	هِيَ	او
		نَحْنُ	ما
أَنْتُمْ / أَنْتُمَا	أَنْتُمْ	أَنْتُمْ	شما
هُمَا / هُمَا	هُنَّ	هُنَّ	ایشان

		عربی	فارسی
		سَي	مَ
	لِكِ	لِكِ	سَت
	جِهَآ	هَآ	سَش
		نَا	يَمَان
كُمَا / كُمَا	كُنَّ	كُم	يَتَان
هُمَا / هُمَا	هِنَّ	هُم	يَشَان

این جدول موجب می‌شود تا معلم کمتر توضیح بدهد. خود جدول کاملاً رسا و گویاست و دانش‌آموز با نگاه کردن، مطالعه و بررسی آن متوجه می‌شود ضمیرهای متصل در فارسی و عربی به چه صورت است. لازم است برای تفهیم مطالب جدول ضمائر، یک اسم را به این کلمات متصل کرد؛ مثال:

کتابم : کتابی / کتابت : کتابتک، کتابتک

ضمیر متصل عربی را در فارسی به هر دو صورت ضمیر منفصل یا متصل می‌توان معنا کرد؛ مانند:

(هذا أخی) یعنی «این برادرم است.» یا «این برادر من است.»

این سؤالی است که در ذهن دانش‌آموز پدید می‌آید و این بخش پاسخگوی سؤالی مقدر است.

گاهی ضمیرهای (هُ، هُما، هُمُ، هُنَّ) به صورت (هِ، هِما، هِمُ، هِنَّ) می‌آید.

همین اندازه دانش‌آموز بداند کافی است و تأکیدی نیست علت را بداند.

اما اگر فراگیر پرسید پاسخ می‌دهیم علت این است:

«هرگاه قبل از ضمائر (هُ، هُما، هُمُ، هُنَّ) کسره یا «(ئ) ساکن بیاید، این ضمائر به صورت (هِ، هِما، هِمُ، هِنَّ) می‌شوند؛ مانند: فیه، إلیه، علیهم، به، کتابیه.»

این ضمائر را متصل می‌نامند؛ زیرا به آخر کلمه می‌پیوندند؛ مثال: مِنْهُ، کِتَابُهُ، أَخُوهُ

خوب است پس از اینکه دانش‌آموز جدول را بررسی کرد، از او پرسیده شود:

«چرا برخی از ضمیرهای فارسی، چند معادل در عربی دارند؟»

پاسخ این است:

«در زبان عربی مذکر و مؤنث و مثنی وجود دارد که در زبان فارسی نیست؛ به همین دلیل مثلاً ضمیر

«شما» در فارسی سه معادل آتما، اتم و انتن دارد.»

همچنین سؤال شود:

«چرا برای دو ضمیر انا و نحن تصویر نیامده است؟»

پاسخ این است:

«زیرا انا و نحن مذکر و مؤنث ندارد و مانند فارسی است.»

برخی از دانش‌آموزان در پایه‌های بالاتر گمان می‌کنند هُو و هِی تنها برای انسان است؛ در حالی که دو

ضمیر «هُ» و «هِی» به معنای «او» برای غیر انسان نیز می‌تواند به کار برود.

در چنین حالتی این دو ضمیر به معنای «آن» می‌باشند؛ مثال:

ما هُو؟ - هُو کِتَابٌ. ما هِی؟ - هِی مَجَلَّةٌ.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت قدرت درک مطلب است. پاسخ‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: غ ص ص غ غ
تمرین دوم: هدف تقویت توان مکالمه با بهره‌گیری از قواعد اصلی درس، یعنی بازآموزی ضمائر است.

پاسخ‌های پیشنهادی:

۱- أَنَا بِخَيْرٍ. بِخَيْرٍ. أَنَا بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. ۲- أَنَا مِنْ إِيْرَانٍ. يَا أَنَا مِنْ طَهْرَانَ. يَا أَنَا إِيْرَانِيٌّ. يَا أَنَا طَهْرَانِيٌّ.
۳- إِسْمِي حَمِيْدٌ. يَا إِسْمِي حَمِيْدَةٌ. ۴- بَيْتِي فِي طَهْرَانَ. يَا بَيْتِي فِي شَارِعِ آزادی يَا . . .
ذکر حمید یا حمیده نیز درست است؛ اما برای تمرین بر ضمیر خوب است پاسخ کامل داده شود. هر چند در امتحان، پاسخ بلند یا کوتاه هر دو درست به شمار می‌آید.

بخش «القرآنیات»

این بخش برای پیوند میان درس عربی با درس قرآن است.

۱- سرور (بانوی) آیات قرآن چیست؟ آیه الکرسی است.

۲- کدام سوره به نام یکی از فلزات است؟ سوره حدید.

در «أَحَدُ الْفَلَزَاتِ» به شکل مفرد فلزات یعنی «فلز» توجه می‌شود که مذکر است؛ بنابراین، «أَحَدُ» به کار

می‌رود نه «إِحْدَى».

۳- سوره‌ای که به نام یک بانوست چیست؟ (کدام است؟) سوره مریم.

دانش‌افزایی برای دبیر

۱- «مریم» واژه‌ای به زبان عبری به معنای «دریای تلخ» است. «مَر: تلخ + یَم: دریا»

مریم در زبان‌های دیگر دگرگونی یافته است: مری، ماری، ماریا، ماریام.

۲- ضمیر در دستور زبان، کلمه‌ای است که به جای اسم قرار می‌گیرد و دلالت بر شخص یا شیء می‌کند.

«ضمیر» معنای «وجدان» و «باطن انسان» دارد؛ مثلاً:

«مَا عِنْدَكَ ضَمِيرٌ.»؛ یعنی «وجدان نداری».

۳- أَب: پدر. جمع آن «آباء» است.

گاهی به جای «یا اَبی» شکل «یا اَبْتِ» می‌آید.

«أَب» از اسماء خمسسه است که در حالت رفع «أَبُو» در حالت نصب «أَبَا» و در حالت جرّ «أَبِي» می‌گردد.

اصل این کلمه «أَبُو» است که «واو» آن بنابر تخفیف حذف شده است.

۴ أُسْرَةٌ : خانواده. با «عائلة» هم معناست. جمع آن «أُسْرٌ» است.

۵ جِوَارٌ : گفت و گو. جمع آن «جِوَارَاتٌ» است.

«جِوَارٌ» بر وزن «فِعَالٌ» مصدر دوم باب «مِفَاعَلَةٌ» می باشد.
(حَاوَرٌ، يُحَاوِرُ، مُحَاوَرَةٌ و جِوَاراً)

۶ «هُنَا» و «هُنَاكَ» در گویش محلی عراق «إِهْنَا» یا «إِهْنَانِ» و «إِهْنَاكَ» و در سوریه «هون» و «هونیكُ» و

در عربستان «هینا» و «هیناكُ» گفته می شود.

۷ «سَمِيرٌ» نامی پسرانه به معنای «افسانه گوی شب» است. «سَمِيرَةٌ» مؤنث است؛ اما «سَمِیرَا» بر خلاف

پنداشتِ برخی ربطی به «سَمِیرٌ» ندارد و مخفف «سَمِیرامیس» است.

برخی عقیده دارند که سمیرامیس شکل یونانی شده نام اکدی «شَمُور-آمات» است که معنای «هدیه دریا» دارد.

۸ پیامبر اکرم ﷺ آیه الكرسي را سید آیات قرآن کریم دانسته است.

اِثْمَةُ مَعْصُومِينَ ﷺ در روایات به طور گسترده و در زمان ها و جاهای گوناگون به تلاوت آن سفارش

کرده اند و آن را همواره مانند تابلویی زیبا فراروی آدمی نهاده اند.

همه سوره های قرآن کریم، دارای نام اند؛ مانند: بقره، یوسف، مائده؛ اما غالباً آیات سوره ها اسم خاصی

ندارند و تنها با شماره از آنها یاد می شود؛ مانند: آیه پنجم سوره رحمان.

برخی از آیه ها به دلیل نوع ویژگی، نام ویژه ای دارند؛ مانند: آیه نور، ملک، شهادت، دین و از آن جمله:

آیه ۲۵۵ سوره بقره که با نام آیه الكرسي خوانده می شود.

آیه الكرسي نام یک آیه است که با (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ) آغاز و با (هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ) پایان می یابد و دو

آیه پس از آن جزء آیه الكرسي نیست، هر چند در برخی از موارد به خواندن آنها همراه آیه الكرسي تأکید شده است.

در روایت چنین آمده که آیه الكرسي پنجاه کلمه و در هر کلمه پنجاه برکت است و در آیه نامبرده تا «العلیُّ

العظیم» پنجاه کلمه است. همچنین استفاده از نامگذاری آیه الكرسي به جای آیات الكرسي، نشان می دهد که

تنها یک آیه است و از سوی دیگر لفظ «الكرسي» نیز تنها در آیه نخست آمده است، ضمناً در مواردی که

منظور، خواندن هر سه آیه بوده است، گفته اند:

«آیه الكرسي و دو آیه بعد از آن را بخوانید.»

بنابراین، آیه الكرسي تنها یک آیه است و در میان آیات، نام مخصوص به خود دارد.

۹ كَيْفٌ : چطور، چگونه.

برای استفهام حقیقی به کار می رود؛ مثال: كَيْفَ ناصِرٌ؟

و برای استفهام غیرحقیقی به کار می رود. (كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ)

هرگاه بعد از كَيْفَ اسم باشد، آن اسم خبر و مرفوع است؛ مثال: كَيْفَ حامِدٌ؟

و اگر بعد از آن فعل باشد؛ حال است؛ مثال: كَيْفَ جاءَ قاسِمٌ؟

اهداف کلی

- ۱ دانستن معنای ۲۸ کلمه جدید از عربی به فارسی
- ۲ آموزش معادل عربی دو جمله اول شخص مفرد «من انجام دادم» و دوم شخص مفرد «تو انجام دادی»
- ۳ ترجمه جمله‌های ساده دارای فعل ماضی «متکلم وحده» و «مفرد مذکر مخاطب» و «مفرد مؤنث مخاطب» از عربی به فارسی
- ۴ آشنایی با فعل ماضی صیغه‌های فَعَلْتُ، فَعَلْتَ و فَعَلْتِ
- ۵ مقایسه و تشخیص فرق دو فعل فَعَلْتُ و فَعَلْتِ
- ۶ آموزش ساده مکالمه در حد کاربرد حروف و اسماء استفهام «هَلْ، أ، ماذا و لِماذا»

تحلیل درس

- فی السُّوقِ : در بازار
- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟ کجا رفتی، ای مادر حمید.
- توضیح: یا اُمّ حمید می‌تواند در ابتدا و در انتهای جمله بیاید. شاهد مثال:
- (أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ)
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجَفِ. به بازار نجف رفتم.
- هَلِ اسْتَرَيْتَ شَيْئًا؟ آیا چیزی خریدی؟
- نَعَمْ. اسْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً. بله؛ لباس‌های زنانه خریدم.
- توضیح: الْمَلَابِسُ الرَّجَالِيَّةُ، الْمَلَابِسُ الْبِنَاتِيَّةُ (الْمَلَابِسُ لِلْبَنَاتِ)، الْمَلَابِسُ الْوِلَادِيَّةُ (الْمَلَابِسُ لِلْأَوْلَادِ)، الْمَلَابِسُ السُّتُوْبِيَّةُ، الْمَلَابِسُ لِلْأَطْفَالِ، الْمَلَابِسُ لِلصِّبْيَانِ الصَّغَارِ
- أَذَهَبْتَ وَحَدِّكَ؟ آیا به تنهایی رفتی؟
- لا. ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي. نه همراه دوستانم رفتم.

- كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؟ رَحِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟ قیمتِ لباس‌ها چطور بود؟ ارزان یا گران؟
توضیح: «غالی» در حالت رفع و جر «غالی» و در حالت نصب «غالیاً» می‌شود؛ اما شرح این قاعده در پایه هفتم درست نیست.

- مثل ایران. لا فَرْقَ. لَكِنْ اشْتَرَيْتُ. مانند ایران. هیچ فرقی نیست. (فرقی نیست). ولی خریدم.

- فَمَاذَا اشْتَرَيْتَ؟! پس چرا خریدی؟!

- اشْتَرَيْتُ لِلْهُدْيَةِ. برای هدیه خریدم.

- ماذا اشْتَرَيْتَ؟ چه (چه چیزی؟ چه چیزهایی) خریدی؟

- فُسْتَانًا وَعَبَاءَةً. پیراهنی و چادری. (پیراهنی زنانه و چادری/ یک پیراهن و یک چادر/ پیراهن و چادر)

- مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ. فی أَمَانِ اللَّهِ. لباس‌هایی زیباست. (لباس‌های زیبایی است). خداحافظ (در پناه خدا/

در امان خدا/ در پناه خدا باشید! / در امان خدا باشید!)

- شُكْرًا جَزِيلًا. مَعَ السَّلَامَةِ. بسیار سپاسگزارم. (خیلی ممنون/ بسیار متشکرم) به سلامت.

متن دوم نیز همان ترجمه را با تفاوتی اندک دارد.

...

- قَمِيصًا وَسِرْوَالًا. پیراهنی و شلواری (یک پیراهن و یک شلوار/ یک پیراهن مردانه و یک شلوار/

پیراهن و شلوار/ پیراهن مردانه و شلوار)

بدانیم

هدف، آموزش معادل دو جمله فارسی است که در جدول زیر آمده است.

من انجام دادم	أَنَا فَعَلْتُ
تو انجام دادی	أَنْتَ فَعَلْتَ أَنْتِ فَعَلْتِ

همین که دانش آموز بتواند جمله‌های دارای صیغه‌های بالا را از عربی به فارسی ترجمه کند؛ هدف آموزشی درس برآورده شده است. مثال‌های مصور آغاز درس، این وظیفه را به خوبی انجام می‌دهند. لازم است همواره در ارزشیابی بدانیم که تعریب (ترجمه از فارسی به عربی) هدف آموزشی نیست. سؤال ترجمه در ارزشیابی، تنها از عربی به فارسی است.

دانش‌آموزان گاهی می‌پندارند آوردن ضمیر به همراه فعل الزامی است. علت این گمان نادرست این است که در کتاب درسی همواره ضمیر و فعل ماضی را در یک صیغه کنار هم می‌بینند. لازم است حال که در

آغاز راه هستند؛ این نکته به آنان تذکر داده شود. گاهی نیز می‌بندارند هماهنگی ضمیر متصل با فعل از نظر شخص و عدد، لازم است، در حالی که چنین نیست؛ مثال: **أَنَا ذَهَبْتُ إِلَى بَيْتِكَ**. اگر دانش‌آموزی فرق اسم دارای ال و بی‌ال را پرسید، کافی است که دانش‌آموز مختصر و مفید بداند: «**قَلَمٌ**» ناشناس است؛ یعنی «یک خودکار»، «یک خودکاری» یا «خودکاری» ولی «**القَلَمُ**» شناخته شده است؛ یعنی «خودکار».

هدف ورود به مبحث معرفه و نکره نیست. دانش‌آموز پایه هفتم در درس انگلیسی نیز با چنین قاعده‌ای روبه‌رو می‌شود و در آنجا نیز با **a book** و **the book** آشنا می‌شود. فهم معنای «ال» همانند فهم معنای «the» در زبان انگلیسی است. هرگاه اسمی در متنی برای نخستین بار بیاید نکره است؛ اما بار دوم همان اسم معرفه است و از نکره بودن خارج می‌شود؛ مثال: **فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ كَانَ رَجُلٌ فِي غَايَةِ الرَّجُلِ كَانَ وَحِيداً فِي الْغَايَةِ...**

رَجَعَ جُنْدِيٌّ. سربازی برگشت.

رَجَعَ الْجُنْدِيُّ. سرباز برگشت. یا آن سرباز برگشت.

جَلَسْتُ بِأَيْمَةٍ. فروشنده‌ای نشست.

جَلَسْتُ الْبَائِعَةَ. فروشنده نشست. یا آن فروشنده نشست.

در صیغه «**فَعَلْتُ**» و «**فَعَلْتِ**» دانش‌آموز یاد می‌گیرد که فعلت برای مذکر و فعلتِ برای مؤنث است. لازم است به او یادآور شویم که در فعلتُ چنین چیزی نیست و فعلتُ مشترک میان مذکر و مؤنث است؛ اما در جایی که بعد از «أنا» اسم بیاید، فرق دارد؛ مثال:

(**قَالَ سَعِيدٌ: أَنَا حَاضِرٌ**). (**قَالَتْ سَعِيدَةُ: أَنَا حَاضِرَةٌ**).

متأسفانه اغلب تلفظ «**أنتِ**» و «**فعلتِ**» و ضمیر متصل «**كِ**» اشتباه بر زبان آورده می‌شود.

این سه کلمه **أنتِ** و **فعلتِ** و **كِ** نوشته می‌شوند؛ اما **أنتی** و **فعلتی** و **کی** تلفظ می‌شوند.

حتی بسیار دیده شده است که در کشورهای عربی به اشتباه نیز **أنتی** و **فعلتی** و **کی** می‌نویسند.

أنا كُتِبْتُ رسالةً لصديقي. من نامه‌ای به دوستم (برای دوستم) نوشتم.

أنا رفعتُ علمَ إيران. من پرچم ایران را برافراشتم. (برداشتم، بلند کردم، بالا بردم).

أنت أخذتَ كتاباً مفيداً.

تو کتابی سودمند برداشتی. تو کتاب سودمندی برداشتی. تو کتابی مفید گرفتی. تو کتاب مفیدی بُردی.

أنتِ قرأتِ كتاباً علمياً. تو کتابی علمی خواندی.

در تدریس این درس می‌توان این مطلب را افزود:

«**يا أيُّها**» برای مذکر و «**يا أيُّهاتها**» برای مؤنث و هر دو به معنای «ای» هستند و گاهی حرفِ «یا» در جمله

حذف می‌شود؛ مثال:

يا أيُّها الولدُ و يا أيُّهاتها البنتُ. أيُّها الولدُ و أيُّهاتها البنتُ.

تمرین‌ها

تمرین اول: تقویت مهارت ترجمه جمله‌های دارای فعل ماضی متکلم وحده و مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب با یادآوری پاره‌ای از مفاهیم درس‌های قبلی است.

این تمرین تلفیقی از اهداف آموزشی این درس و دروس پیشین است.

۱ آنها المسافر، أ ذهبَ إلى الفندق؟ - لا؛ ذهبْتُ إلى السوق.

ای مسافر، آیا به هتل رفتی؟ - نه؛ به بازار رفتم.

۲ من أين أخذت قميصك؟ - أخذته من هناك. از کجا پیراهنت را گرفتی؟ آن را از آنجا گرفتم.

۳ ماذا غسلت؟ غسلت وجهي ویدی للوضوء. چه چیزی را شستی؟ صورت و دستم را برای وضو شستم.

۴ ماذا اشتريت؟ اشتريت فستاناً و عباءة.

چه چیزی (چه) خریدی؟ پیراهنی و چادری خریدم. (پیراهنی زنانه و چادری خریدم).

فعل‌ها عبارت‌اند از:

ذهبْتُ، ذهبٌ، أخذتُ، أخذتَ، غسلتُ، غسلتَ، اشتريتُ، اشتريتَ

تمرین دوم: هدف تقویت شناخت فعل ماضی متکلم وحده و مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب است.

۱ كم تفاحه أكلت؟ أكلت تفاحتين. چند سیب خوردی؟ دو سیب خوردم. (توضیح اینکه تفاح مطلق

سیب در معنای عمومی است؛ أما تفاحه یک سیب است و حرف «ة» در انتهایش تاء وحدت به معنای یک

است. مثنی و جمع آن تفاحتین و تفاحات است. هر چند مطابق قاعده باید جمع آن «تفاحیح» باشد.

۲ أ أنت أخذت هديتك؟ آیا تو هدیه‌ات را گرفتی؟ (بردی؟ برداشتی)

۳ أنت ذكرت صديقك. تو دوستت را یاد کردی.

۴ أ أنت رفعت العلم؟ آیا تو پرچم را بالا بردی؟

۵ أنا غسلت ملابسی. من لباس‌هایم را شستم.

أربعینات (گفت‌وگوهای اربعینی)

جواراتُ فی مسیرة الأربعین الحسینی عند الشُّرطی

گفت‌وگوهایی در راهپیمایی اربعین حسینی نزد پلیس

- أین جوازك؟ - هذا جوازی.

- هل عندك تأشيرة (فيزا)؟ - نعم؛ عندی.

- كم يوماً بقیت هنا فی الكاظمیة؟ - يوماً واحداً.

توضیح: ایرانیان شهر «كاظمیة» را «كاظمین» می‌نامند. كاظمین یا كاظمیه (به زبان عربی: الكاظمیة) از

محلّه‌های شمالی شهر بغداد در غرب رود دجله است.

مسجد و آرامگاه امام موسی کاظم علیه السلام امام هفتم و امام محمدتقی علیه السلام امام نهم در این محلّه می‌باشد و ریشه نام‌گذاری این منطقه به کاظمیه همین است.

- کم عددکم؟
- نحن اثناعشر زائراً.
- تعداد شما چقدر است؟
- ما دوازده زائریم.

دانش‌آموزان می‌توانند در گروه‌های دو نفره این مکالمه را در کلاس اجرا کنند. حفظ عین عبارت‌ها لازم نیست.

دانش‌آموزان می‌توانند متن مکالمه را کم یا زیاد کنند.

دانش‌آموزان می‌توانند متن مکالمه را در فایل ضبط کنند و در گروه مجازی مدرسه، مانند شبکه «شاد» ارسال کنند.

ارسال از راه شبکه آموزشی «شاد» موجب صرفه‌جویی در زمان کلاس است. بدیهی است که زمان محدود کلاس، به دبیر اجازه نمی‌دهد که همه دانش‌آموزان فعالیت خود را در کلاس به نمایش بگذارند.

دانش‌افزایی برای دبیر

- ۱ «ذَهَبٌ» و «رَاحٌ» مترادف‌اند.^۱
- ۲ «أَخَذَ» سه معنا دارد: گرفت، برداشت و بُرد؛ مثال:
خُذْنِي مَعَكَ : مرا با خودت ببر.
خُذْ بِيَدِي : دستم را بگیر.
خُذْ حَقِيْبَتَكَ : کیفیت را بردار.
- فعل امر «خُذْ» در گویش‌های محلی حوزه خلیج فارس «أُخِذْ» و «إِخِذْ» گفته می‌شود.
- ۳ «إِسْتَرَى : خرید» در مقابل «بَاعَ : فروخت» است.
مصدر آن «إِسْتِرَاءٌ» است که اغلب «شِرَاءٌ» جایگزینش می‌شود.
- ۴ «سِرْوَالٌ» معرّب واژه فارسی «سَلْوَارٌ» یا «شِرْوَالٌ» است.

۱- خوب است بدانیم که در محاورات عامیانه عراق و عربستان «راح» به کار می‌رود؛ مثال: أَيْنَ تَذْهَبُ؟ = وَهَيْنَ تُرَوِّحُ؟

در برخی کشورها مانند امارات متّحده عربی «ساز» به کار می‌برند؛ مثال: أَيْنَ تَذْهَبُ؟ = وَهَيْنَ تُسَيِّرُ؟

«بِطُلُون» نیز به معنای «شلوار» است که معرب واژه ایتالیایی آن می‌باشد؛ اما از آنجا که «سِرْوَال» ریشه قرآنی دارد؛ ترجیح داده شد در کتاب درسی واژه «سِرْوَال» بیاید.

البته در قرآن «سَرايِل» آمده که جمع «سِرْبَال» است.

(سَرايِلُهُمْ مِنْ قَطْرانٍ وَتَعَسَىٰ وُجُوهُهُمْ النَّارُ) (سورة ابراهيم : آیه ۵۰)

جامه‌هایشان از قطران (روغن تند بدبوی قابل آتش گرفتن) است و آتش، چهره‌هایشان را فرو پوشانده است.

۵ جمع «سوق»، «أسواق» است؛ اما «سوق» به معنای «راندن» و «رانندگی کردن» است.

کلمه سَووقِ سوق به معنای بازار را برخی اشتباهاً سَووقِ sawq تلفظ می‌کنند. سوق در عامیانه اطراف خلیج فارس سوگ گفته می‌شود.

۶ کلمه «عَبَاءة» در محاورات روزمره «عَبَاية» تلفظ می‌شود.

۷ «عَلَم» و «رَايَة» مترادف‌اند.

۸ جمع «فُستَان»، «فَسَاتين» است و معرب فارسی است.

۹ جمع «قَميص»، «قُمُصَان» یا «أَقْمِصَة» است.

۱۰ «مَلابِيس»، «ثياب» جمع «تَوْب» و «أَزْياء» جمع «زِي» مترادف‌اند.

«مَلابِيس» جمع «مَلْبِيس» است. کلمه ملابیس اغلب در حالت جمع مکتور کاربرد دارد.

۱۱ «شُرطِي» مأمور پلیس و «شُرطَة» مرکز پلیس است.

«شُرطِي» اسم منسوب به «شَرِيط» به معنای «نوار» است.

در روزگار خلیفه «عبدالملک مروان» بالای دست مأمور امنیتی نواری نهاده می‌شد، تا آنها را از بقیه مردم متمایز کند. نام «شُرطِي» از این ریشه آمده است.

۱۲ «لِمَذا» در گویش محلی عراق و عربستان «لِيش» (ل + اَی + شَیء) گفته می‌شود.

۱۳ «بِقِي» به معنای «جا ماند» نیز می‌باشد.

۱۴ «شُكرًا» در محاورات به صورت «مَشْکُور» نیز به کار می‌رود.

در گویش عراقی «مَمْنونَكْ» کاربرد دارد که هرچند «مَمْنون» واژه‌ای عربی است؛ اما به نظر می‌آید تحت تأثیر زائران ایرانی این واژه در عراق به کار می‌رود.

۱۵ واژه «عِنْدًا» سه معنا می‌تواند داشته باشد :

زَد، هنگام داشتن؛ مثلاً «عِنْدَكَ جِواز؟» یعنی «آیا گذرنامه داری؟»

۱۶ «ذَكَرًا» یعنی «یاد کرد» برخی اشتباهاً نام «زَکریا» را به گمان اینکه از این ریشه می‌باشد «ذَکریا» نوشته‌اند؛ در حالی که «زَکریا» عبری است. یعنی «زَکَرِ يَهُوه» (خدا او را یاد کرد)

اهداف کلی

- ۱ دانستن معنای ۲۷ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ یادگیری معادل عربی جمله «او انجام داد» در دو حالت مذکر و مؤنث
- ۳ آشنایی با فعل ماضی صیغه‌های «فَعَلَ» و «فَعَلَتْ»
- ۴ انجام مکالمه‌ای ساده در فضای راهپیمایی اربعین

تحلیل درس

اکنون به نسبت متن دروس قبلی متن‌های طولانی‌تری زینت‌بخش کتاب می‌شوند. متن درس مکالمه است که علاوه بر مهارت «سخن گفتن» اهداف آموزشی درس را نیز پشتیبانی می‌کند.

لَعِبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ. رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ. هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ. سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ؛ ثُمَّ ذَهَبَتْ وَفَتَحَتِ الْبَابَ وَسَأَلَتْهُ:

ياسر همراه دوستانش در مدرسه بازی کرد. ياسر بعد از ظهر به خانه برگشت. او به در خانه زد. (در خانه را کوبید). مادرش صدای در را شنید؛ سپس رفت و در را باز کرد و از او پرسید:

الْأُمُّ: «كَيْفَ حَالُكَ؟» الْوَلَدُ: «أَنَا بِخَيْرٍ».

مادر: حالت چطور است؟ پسر: من خوبم.

الْأُمُّ: «مَا وَاجِبَاتُكَ؟»

مادر: تکالیفت چیست؟

يَاسِرٌ: «حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الذَّهَبِيَّةِ».

ياسر: حفظ این جمله‌های طلائی. (از بر کردن این جمله‌های زرین)

«إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ».

هرگاه فرومایگان فرمان‌روا شدند (شوند)؛ شایستگان (برترها) هلاک شدند (می‌شوند)

«مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ».

هرکس دشمنی کاشت (بکار داد)؛ زیان درو کرد. (درو می کند، برداشت کرد، برداشت می کند)
«التَّجْرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ».

تجربه برتر از علم است. تجربه برتر از دانش است. تجربه بر فراز علم است. تجربه از علم بالاتر است.
ترجمه تحت اللفظ این است: تجربه بالای علم است.

«خَيْرُ النَّاسِ أَتْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ».

بهترین مردم سودمندترین آنها برای مردم است.

«الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ».

مسلمان کسی است که مردم از زبانش و دستش سالم بمانند. (در امان باشند).

«لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ».

زبان مقصر کوتاه است.

تذکر: هر پنج جمله روی شمش طلا طراحی شده است.

پیش از شروع قواعد «بدانیم» دو جمله مصور طراحی شده اند، تا با توجه به آنها قاعده درس آموزش داده شود.

تذکر: در باورقی، قاعده «التقاء ساکتین» بیان شده است. ذکر این قاعده برای شناخت فعل ماضی مفرد

مؤنث غایب است و نیاز نیست که در ارزشیابی چنین سؤالی طرح شود:

أَلْبِنْتُ كَتَبْتُ + الدَّرْسُ = ؟

بلکه هدف این است که اگر به جمله «أَلْبِنْتُ كَتَبْتُ الدَّرْسُ» برخورد کرد، بداند که «كَتَبْتُ» در اصل

«كَتَبْتُ» بوده است و حرکت کسره عارضی می باشد.

ذکر صیغه به صورت «سوم شخص مفرد» یا «مفرد مذکر غایب» و «مفرد مؤنث غایب» برای فهم بهتر

معنای فعل های «فَعَلَ» و «فَعَلَتْ» است؛ اما دیده شده که برخی دبیران، فرع را اصل کرده اند و بیشتر همت

خود را در آموزش بر سر یادگیری صیغه صرف کرده اند. به همین دلیل در کتاب های عربی سال های ۱۳۹۲ تا

۱۴۰۰ صیغه ذکر نشد، تا به تدریج این شیوه کنار نهاده شود. یکی از مشکلات آموزش درس عربی این است

که برخی مایل اند درس عربی را همانند درس ریاضی تدریس کنند.

فعلی را که دبیر عربی در کلاس باید کار کند «فعل ماضی ثلاثی مجزّد صحیح و سالم» است و در این میان

فعل هایی مانند اِشْتَرَى، اَعْطَى، رَأَى^۱، قَالَ و كَانَ از اهداف آموزشی نیستند.

صرف فعل های صحیح و سالم از اهداف آموزشی است و صرف فعل های معتلّ، مضاعف و مهموز از

اهداف کتاب درسی نیست.

۱- فعل هایی مانند اِشْتَرَى، اَعْطَى و رَأَى به صورت اِشْتَرَى، اَعْطَى و رَأَى نیز نوشته می شود؛ اما مصلحت آموزش عربی به غیر عرب زبان

آن بود که به صورت الف مقصوره نوشته شود.

کتاب «صحیح و معتل» چاپ انتشارات مدرسه برهان، پاسخگوی دبیران عربی در زمینه سؤالات مختلف دربارهٔ افعال است.

در این کتاب راجع به نَحْت، اِبْدَال، قَلْب، اَعْلَال و بسیاری از ویژگی‌های خاص افعال بحث شده است. هر کدام از دو جملهٔ زیر را به دو صورت می‌توان ترجمه کرد و هر دو هم درست است.

❶ إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ؛ هَلَكَ الْأَفْضَلُ. الف) هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند؛ برترها هلاک می‌شوند.

ب) هرگاه فرومایگان فرمانروا شدند؛ برترها هلاک شدند.

❷ مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. الف) هرکس دشمنی بکارد؛ زبان درو می‌کند.

ب) هرکس دشمنی کاشت؛ زبان درو کرد.

هرچند بهتر است که فعل ماضی را مضارع معنا کرد؛ اما ترجمهٔ ماضی نیز در برخی جمله‌ها گاهی غلط نیست.

از طرفی دانش‌آموز در سال نخست آموزش قرار دارد و پرداختن به ظرایف زبانی در این مرحله لازم نیست.

همین اندازه که فراگیر بداند هر دو ترجمه درست است و داوری را در گزینش ترجمهٔ بهتر بر عهدهٔ او بگذاریم کافی است.

در اینجا ورود به بحث ادوات شرط، مطلقاً از اهداف کتاب نیست.

در پایهٔ هشتم به ویژه و در پایه‌های بعدی بازآموزی فعل ماضی در کنار فعل مضارع قرار خواهد گرفت، تا دانش‌آموز به تدریج آنها را حفظ شود.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف تقویت مهارت شناخت واژگان با استفاده از تمرین مترادف و متضاد است.

در یادگیری هر زبانی یکی از شیوه‌ها شناخت مترادف‌ها و متضادهاست.

عُدْوَانٌ ≠ صَدَاقَةٌ	جَاهِلٌ ≠ عَالِمٌ	أَرَادِلٌ ≠ أَفْضَلٌ	أَفْضَلٌ = خَيْرٌ
بَدَايَةٌ ≠ نِهَائِيَّةٌ	رَخِيصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ	عُدْوَانٌ = عَدَاوَةٌ	خَلْفٌ = وَرَاءٌ

تمرین دوم:

همانند تمرین اول، هدف تقویت مهارت شناخت واژگان است.

تشخیص کلمهٔ ناهماهنگ موجب می‌شود دانش‌آموز بتواند بهتر معنای کلمات را بیاموزد و این روش

یکی از بهترین روش‌های یادگیری و جایگزین مناسبی برای حفظ طوطی‌وار است.

عَلِمَ ✓ أَخْتُ أَخٌ أُمٌّ	يَدُ مَاءٍ ✓ وَجْهٌ لِسَانٌ	قَمِيصٌ فُسْتَانٌ جَوَالٌ ✓ سِرْوَالٌ
قَصِيرٌ ✓ نَافِذَةٌ بَابٌ عُرْفَةٌ	خَرَجَ دَخَلَ هَلَكَ تَحَتَّ ✓	تَمَّ ✓ أَنَا هِيَ هُوَ

تمرین سوم :

هدف، تقویت مهارت ترجمهٔ جملاتی است که در آنها قاعدهٔ این درس و درس قبلی به کار رفته است.
(الحمد لله الذي خلق السماوات والأرض)

ستایش خدایی را که (برای خدایی که) آسمان‌ها و زمین را آفرید. (خلق کرد)
هو بحث عن الكتب.

او کتاب‌ها را جست‌وجو کرد. او دنبال کتاب‌ها گشت. تصویر خواجه نصیرالدین توسی بالای جمله قرار دارد. توضیح: وی «رصدخانهٔ مراغه» را بنیان نهاد و در کنارش کتابخانه‌ای پدید آورد که نزدیک به چهل هزار جلد کتاب در آن بود. او با پرورش شاگردانی مانند «قطب‌الدین شیرازی» و گردآوری دانشمندان ایرانی عامل انتقال تمدن و دانش ایران پیش از مغول به آیندگان شد.

هي وصلت إلى بيتها. او به خانه‌اش رسید

أنا قريبٌ من القرية. من به روستا (ده) نزدیک شدم.

أنا سألتُ مدرّسي. من از معلم سؤال کردم. (پرسیدم).

دانش‌افزایی برای دبیر

۱- املاي شهر «توس» در اصل با «ت» است که تحت تأثیر عربي با «ط» نوشته شده است.

در زبان عربي بسیاری نام‌های غير عربي داراي «ت» را با «ط» نوشته‌اند و دليلی ندارد که ما هم در فارسی چنین کنیم؛ مثال: طاجیکستان، إيطاليا، طوكيو، طهران

نام «توسی» در خواجه نصیرالدین توسی با «ت» درست است؛ اما در عربي به صورت «طوسی» معرّب شده است. حرف «ط» ویژهٔ کلمات داراي ریشهٔ عربي است^۱ و نام شهر توس، نامی فارسی است. در فرهنگستان هر دو املاي کلماتی مانند توس پذیرفته است.

۱- نوشتن واژه‌هایی مانند: تهران، توس، استهبان، تيش، اتاق، بليت، تپانچه، تاپر، تهماسب، تهمورث و... با «ط» درست نیست. تاپر انگلیسی، بليت فرانسه و اتاق ترکی است و سایر کلمات فارسی‌اند و هیچ یک ریشهٔ عربي ندارند؛ لذا نباید با «ط» نوشته شوند. در فرهنگستان هر دو املاي چنین کلماتی پذیرفته است.

نوشتهٔ زیر، دربارهٔ ریشهٔ کلمات است و تا اندازه‌ای شمارا در فهم ریشهٔ واژگان یاری می‌کند.

همهٔ زبان‌های جهان با هم داد و ستد واژگانی داشته‌اند، دارند و خواهند داشت. حتی زبان‌های مرده نیز داد و ستد واژگانی داشته‌اند. تشخیص ریشهٔ عربي یا فارسی کلمات هرچند برای کسی که به دو زبان چیره نیست کار دشواری است، ولی راه‌های ساده‌ای هم وجود دارد که دانستن آنها جالب است.

از میان ۳۲ حرف الفبای فارسی برخی حروف تنها ویژهٔ واژه‌های عربي‌اند.

حرف (ث): هر واژه‌ای که داراي «ث» است بی‌گمان عربي است و ریشهٔ فارسی ندارد؛ جز (کیومرث: مرد دانا یا گاو مرد)، (تَهمورث: دارندهٔ سگ نز قوی) و واژگان لاتین مانند بلوتوث یا نام‌هایی مانند ادوارد تورندایک و... که بسی آشکار است نام‌های لاتین هستند نه عربي یا فارسی.

حرف (ح): هر واژه‌ای که دارای حرف «ح» است بی‌گمان عربی است و ریشه فارسی ندارد؛ غیر از کلمه حوله که درست آن هوله است و به گمان نزدیک به یقین ریشه ترکی دارد و به معنای (پُرزدار) است. (خاو یا هو: پُرز + له یا لی یا لو: پسوند اِصْطاف). عرب به هوله (حوله) می‌گوید: مِشْنَفَه در سعودی، خاولی یا خاولیه و بَشْکِر در عراق؛ بَشْکِر یا فوطه در سوریه.

حرف (ذ): هر چند در فارسی کهن تلفظ این حرف مانند تلفظ عربی آن وجود داشته؛ اما امروزه ایرانیان این حرف را ذال (th) تلفظ نمی‌کنند بلکه زاء تلفظ می‌کنند. بیش از ۹۵ درصد واژه‌های دارای ذال ریشه عربی دارند؛ مگر واژه‌هایی مانند گذر، گذراندن، گذشتن، پذیرش، پذیرفتن، آذین، گنبد (امروزه گنبد خوانده می‌شود). «ذانستن» که امروزه «دانستن» تلفظ می‌شود؛ اما گردها، لک‌ها، تالشی‌ها و برخی دیگر از اقوام ایرانی «ذانستن» را هنوز «زانستن» تلفظ می‌کنند.

ترجمه فعل «می‌دانم» به چند زبان ایرانی:

تالشی: (زُنْمَ zonom) کردی: (آزایم، زایم یا ذزایم) لکی: (مَترایم)

حرف (ص): هر کلمه‌ای که صاد دارد بی‌شک عربی است؛ مگر عدد «شصت» و عدد «صد» که عمداً غلط نوشته شده‌اند؛ تا با انگشت «شست» و «سد» روی رودخانه اشتباه نشوند.

صندلی نیز بی‌جهت با صاد نوشته شده و البته عربی شده چندان است. عرب به صندلی می‌گوید «کُرسی، مَقْعَد» و در گویش محلی عراق و سوریه «اسکملی».

«صابون» هم در اصل واژه‌ای فارسی است و درست آن «سابون» است و این واژه از فارسی به بیشتر زبان‌های جهان رفته مثلاً Soap در انگلیسی همان سابون است. ما سابون را به صورت معرب صابون با صاد می‌نویسیم. اصفهان نیز معرب یعنی عربی شده اسپدانه، اسپهان یا سپاهان است.

حروف (ض، ظ، ع): بدون استثنا تنها ویژه واژه‌های دارای ریشه عربی است و در فارسی چنین مخارجی از حروف وجود ندارد. به‌ویژه ضاد تا جایی که عرب‌ها به «الناطقین بالضاد» معروف‌اند؛ زیرا این مخرج ویژه عرب است نه دیگر مردمان نژاد سامی.

حرف (ط): جنجالی‌ترین حرف در املائی کلمات است. مخرج طاء تنها ویژه واژه‌های عربی است و در فارسی ط نداریم و واژه‌هایی که با ط نوشته می‌شوند، یا عربی‌اند، یا اگر عربی نیستند غلط املائی رایج‌اند.

حرف (ق): در مرتبه دوم حروف جنجالی است. حرف قاف اغلب ویژه واژه‌های عربی است. واژه‌های عربی، دارای ریشه اغلب سه حرفی و گاهی چهار حرفی و دارای وزن و هم‌خانواده‌اند؛ مانند: قاسم، تقسیم، مقسیم، انقسام، قَسَم، قسمت، اقسام، مقسوم، قسَم، منقسم و تشخیص واژه عربی الاصل دارای قاف کار ساده‌ای است؛ اما دیگر کلمات قاف‌دار یا ترکی‌اند، یا مغولی؛ مثال:

قره قُروت: کنسک سیاه، قره قویونلو: صاحبان گوسفند سیاه، قره گوزلو: دارنده چشم سیاه یا درشت، قِرْل آلا: ماهی طلایی

کلماتی مانند قُلْدُر نیز مغولی‌اند. کلمه قوری نیز روسی است. قوری، کتری، سماور، استکان همه واژه‌های روسی‌اند و در زمان قاجاریه وارد ایران شده‌اند. کلماتی مانند «قند، قهرمان و قباد» معرب «کند، کهرمان و کواذ» هستند. کلمه کندو با کند (قند) هم‌ریشه است. شهر کرمانشاه یا کرمانشاه را در گذشته عرب قیرماسان یا قَرَمَسین تلفظ می‌کرده است. امروزه ما کرمانشاه (کرمانشان) را قیرماسان یا قَرَمَسین تلفظ نمی‌کنیم؛ اما کواذ را قباد می‌گوییم و این تأثیر زبان عربی بر فارسی است.

حروف چهارگانه (گ، ج، پ، ز) نیز در عربی فصیح یعنی نوشتاری وجود ندارد و هر کلمه‌ای که یکی از این چهار حرف دارد؛ حتماً عربی نیست و به احتمال بسیار ریشه فارسی دارد؛ مانند منیزه، مزگان، ژاله، پروین، برنده، گیو، گودرز، منوچهر، پریچهر و ... گاهی نیز امکان دارد از دیگر زبان‌ها باشد؛ مانند: بینگ پونگ که چینی است یا چاخان و خیل که مغولی‌اند.

پارٹی party کلمه‌ای انگلیسی است و آپارتمان واژه‌ای فرانسوی است.

شاید این سؤال به ذهن متبادر شود که سایر حروف مانند الف ب ت ج د ر ز س ش ف ک ل م ن و ه ی چگونه‌اند؟

پاسخ این است که اینها حروف مشترک در سراسر زبان‌های جهان‌اند. هر چند برخی اقوام بعضی حروف را ندارند و به گونه دیگر ادا می‌کنند. مانند حرف «ر» که در فرانسه «آر» گفته می‌شود.

۲ «سَأَلَ» فقط به معنای «سؤال کرد» نیست؛ بلکه به معنای «درخواست کرد» نیز می‌باشد. گاهی اشتباهاً در ترجمه فارسی به عربی حرف جرّ مِنْ می‌آورند؛ مثلاً «از تو می‌پرسم» را «أَسَأَلَ مِنْكَ» ترجمه می‌کنند؛ در حالی که «أَسَأَلْتُكَ» درست است و حرف جرّ مِنْ زائد است.

در انگلیسی نیز چنین است؛ مثلاً: I ask you. یعنی: از تو می‌پرسم. یا از تو درخواست می‌کنم.

۳ در «یا أَيُّهَا» منادا «أَيُّ» است.

۴ «إِذَا» هرگاه، اگر

در قرآن «إِذَا» به معنای «هرگاه» است؛ ولی در گفت‌وگوهای روزمره عربی «إِذَا» به معنای «اگر» است.

۵ بَحَثَ عَنْ ... «... را جست‌وجو کرد»، «دنبال ... گشت»

حرف جرّ «عَنْ» در ترجمه فارسی حذف می‌شود.

۶ «حَصَدَ» درو کرد

مضارع آن به دو صورت صحیح است: يَحْصِدُ و يَحْصُدُ. مصدر آن نیز حَصَاد، حَصَاد و حَصْد است.

۷ «قَرُبَ مِنْ» نزدیک شد به

در این فعل حرف جرّ «مِنْ» ترجمه نمی‌شود. «قَرُبْتُ مِنْهُ» یعنی: به او نزدیک شدم.

۸ «هَلَكَ» و «مَاتَ» هر دو به معنای «مرد» هستند؛ اما یک فرق دارند؛ هَلَكَ یعنی: مَاتَ مَيَّتَةً سَوْءًا.

۹ «يُوجَدُ» یعنی «وجود دارد» و مجهول «يُجَدُّ» است. معنای تحت‌اللفظی آن می‌شود: «یافته می‌شود.»

۱۰ «رَجَعَ» و «عَادَ» مترادف‌اند.

۱۱ دانش‌آموز تحت تأثیر فارسی، فعلِ صَعِدَ را امکان دارد با حرف جرّ مِنْ بشناسد؛ اما این‌گونه نیست.

صَعِدَ الْجَبَلُ / صَعِدَ إِلَى الْجَبَلِ / صَعِدَ عَلَى الْجَبَلِ / صَعِدَ فِي الْجَبَلِ : ارتقی، علا من أسفل إلى أعلى.

۱۲ «سَاعَدَكُمْ اللَّهُ» یعنی «خدا قوت» و به این صورت‌ها نیز می‌آید: اللَّهُ يُسَاعِدُكُمْ، اللَّهُ يُقَوِّكُمْ!

۱۳ واژه «وَأَجِبَات» را اغلب جمع «وَأَجِب» می‌دانند؛ اما «وَأَجِبَات» در اصل جمع «وَأَجِب» نیست؛ بلکه جمع

«وَأَجِبَة» است؛ البته این یک بحث ریشه‌یابی و ازگانی است و این چیزی نیست که در صرف و نحو گفته شود.

دلیل:

می‌خواهیم برای «کوه» صفت بیاوریم؛ می‌گوییم «الْجَبَلُ الشَّاهِقُ» یا «الْجَبَلُ الرَّاسِي».

اگر برای جمع آنها صفت بیاوریم می‌گوییم:

«الْجِبَالُ الشَّاهِقَةُ» یا «الْجِبَالُ الرَّاسِيَّةُ» یا «الشَّاهِقَاتُ» و «الرَّاسِيَّاتُ».

البته می‌دانید مفرد جبال، جبل و غیرعاقل است.

ولی با گذر زمان این صفت را - که جمع است و موصوف مذکرش را از دست داده - به تنهایی به عنوان

کنایه از موصوف به کار برده‌ایم و می‌گوییم: «أَنْظُرُ إِلَى الرَّاسِيَّاتِ.» یا «أَنْظُرُ إِلَى الشَّاهِقَاتِ.» و منظورمان

یقیناً از «الشاهقات» و «الراسیات» کوه‌ها می‌باشد.

اکنون آیا می‌توانیم بگوییم راسیات جمع راسی است، به این دلیل که مفرد جبال جبل و مذکر است؟! بنا بر توضیح بالا، مفرد راسیات و شاهقات راسیه یا شاهقه است نه راسی و شاهق؛ ولی چون موصوفش را از دست داده، به نظر می‌رسد جمع راسی و شاهق است.

مثل کلمه الماشیه به معنای چارپایان.

ماشیه مفرد و صفتِ جانشینِ موصوف است؛ «الماشیه» یعنی «الأنعام الماشیه» سپس «الأنعام» حذف شده و صفت جانشین موصوف شده است.

یا مانند «الْمَارَّة» به معنای «رهگذران» که در اصل «الناس المارة» بوده است؛ سپس «الناس» حذف شد و «المارة» تنها ماند.

ولی با نگاه نخست به ذهن این گونه خطور می‌کند که این کلمات جمع‌اند؛ در حالی که مفردند و صفت جانشین موصوف‌اند.

الأربعینات

جوارات فی مسیره الأربعین الحسینی. گفت و گوهایی در راهپیمایی اربعین حسینی
طریق کربلاء. راه کربلا.

أهلاً وسهلاً بکم. خوش آمدید.

مرحباً بکم با أهلاً وسهلاً بکم مترادف است. البتّه مرحباً به معنای «سلام» نیز هست.
در گویش محلی عراق «هله» و «هله بیکم» کاربرد دارد.

شکراً جزیلاً. ساعدکم الله! بسیار سپاسگزارم. خدا قوت!

در گویش عراقی «هوايه ممنونك» کاربرد دارد. «هوايه» یا «هوايه، وايد» کلمه‌ای عامیانه است.

أی طریق أقرب إلی کربلاء؟ کدام راه به کربلا نزدیک‌تر است؟

در گویش عراقی به جای «أی طریق» می‌گویند: «یا طریق؟»

ذلك الطريق أقرب. آن راه نزدیک‌تر است.

در گویش عراقی به جای «ذَلِكَ» می‌گویند: «ذاك؟»

هل يوجد موكب قريب من هنا؟ آیا موبکی نزدیک به اینجا هست؟

در گویش عراقی به جای «هل يوجد» می‌گویند: «أکو؟» منفي «أکو» نیز «ماکو» است.

أکو: هست ماکو: نیست.

نعم؛ يوجد. هُنَاكَ موكب. بله؛ هست. آنجا یک موبک هست.

جمله بالا در گویش محلی عراق می‌شود: إِي؛ أَكُو. إِهْنَاكُ مَوِكِبِ.
در گویش محلی عراق و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس اغلب حرف قاف را گاف تلفظ می‌کنند؛

مثال:

قُمْ: بِرَخِيْز (گوم) أَقُولُ لَكَ: به تو می‌گویم (أَكُلُ لَكَ، أَكِلُ لَكَ) أَقْعُدُ: بنشین (أُكْعِدُ، إِكْعِدُ)
در گویش‌های محلی، اغلب اعراب کلمات از بین می‌رود و انتهای کلمات ساکن است؛ همچنین علامت
جمع مذکر اغلب «ین» است؛ مثال:
الرَّوَّازُ جَالِسُونَ (قاعدون) فِي الْمَوِكِبِ. = الرَّوَّازُ جَاعِدِينَ بِالْمَوِكِبِ.

اهداف کلی

- ۱ دانستن معنای ۲۶ کلمه جدید از عربی به فارسی
- ۲ شناخت فعل ماضی صیغۀ «فَعَلْنَا»
- ۳ یادگیری ساده مکالمه از طریق ارائه متنی دارای افعال ماضی متکلم مع الغیر
- ۴ آموزش معادل عربی جمله «ما انجام دادیم»
- ۵ آشنایی با چگونگی منفی ساختن فعل ماضی با حرف «ما».

تحلیل درس

آغاز درس مکالمه‌ای تلفنی در مرز مهران در استان ایلام است.^۱ هدف آموزشی این متن، تقویت مهارت سخن گفتن است.

فی الحدود لِلْحُضُورِ فِي الْمَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيِّ

در مرز برای حاضر شدن (حضور) در راهپیمایی اربعین حسینی

الْجَدَّةُ : أَلُو. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَزِيزِي. مُحْسِنٌ : عَلَيْكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتِ؟

مادر بزرگ : الو. سلام بر تو ای عزیزم. محسن : سلام بر شما. شما کیستی؟

توضیح اینکه به خاطر احترام در فارسی به جای «تو» ضمیر «شما» را به کار می‌بریم. در زبان عربی چنین نیست؛ برای احترام به جای «مَنْ أَنْتِ؟» می‌گویند «مَنْ حَضَرْتِكْ؟»

- كَيْفَ مَا عَرَفْتُ جَدَّتَكَ؟ - عَفْوًا؛ مَا عَرَفْتُ صَوْتَكَ. كَيْفَ حَالُكَ؟

چطور مادر بزرگت را شناختی؟! ببخشید؛ صدایت را شناختم. حالت چطور است؟

- أَنَا بِخَيْرٍ وَكَيْفَ حَالِكُمْ؟ - كُلُّنَا بِخَيْرٍ.

۱- خوب است بدانید برای سفر به کربلا چند مسیر وجود دارد :

سَلْمَنْجَه و جَدَّاه در استان خوزستان، مرز مهران در استان ایلام و مرز خُسروی در استان کرمانشاه. این گفت‌وگو در مرز مهران است.

من خوبم و حال شما چطور است؟ همه ما خوبیم.
 - أَيْنَ أَنْتُمْ الْآنَ؟ - وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مِهْرَانَ فِي الْحُدُودِ.
 حالا شما کجا هستید؟ به شهر مهران در مرز رسیدیم.
 (الْحُدُودُ به معنای مرز یا مرزهاست و ترکیبِ الْحُدُودِ الْإِيرَانِيَّةِ یک ترکیب وصفی است؛ اما در ترجمه به فارسی باید ترکیب اضافی ترجمه شود.)
 : أَيْنَ الْوَالِدِ وَالْوَالِدَةُ؟ : هُمَا جَالِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ.
 - پدر و مادر کجا هستند؟ - آنها روی صندلی نشسته‌اند.
 (توضیح: واژه «مَقْعَدٌ» نیز به معنای «صندلی» است و اغلب منظور صندلی ثابت در هواپیما، کشتی و اتوبوس و مانند آنهاست. جمع «کُرْسِيٌّ» نیز «کُرَاسِيٌّ» است.)
 : هَلْ هُمَا بِخَيْرٍ؟ : نَعَمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ.
 - آیا آنها خوب‌اند؟ - بله؛ خدا را سپاس.
 (الحمد لله را می‌توان ترجمه نکرد؛ چون در فارسی به همین صورت بسیار رایج است.)
 : كَيْفَ الْجَوُّ هُنَاكَ؟ : الْجَوُّ بَارِدٌ قَلِيلاً.
 - آنجا هوا چطور است؟ - هوا کمی سرد است.
 : ماذا لَبِسْتَ يَا عَزِيزِي؟
 : ماذا لَبِسَ أَبُوكَ وَلَبِسْتَ أَنتُكَ؟ : لَبِسْنَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.
 - چه پوشیده‌ای ای عزیزم؟ پدرت چه پوشیده و مادرت چه پوشیده است؟
 - لباس‌های مناسبی پوشیده‌ایم.
 : حَفِظْكُمْ اللَّهُ. مَعَ السَّلَامَةِ. : شُكْرًا جَزِيلاً. إِلَى اللَّقَاءِ.
 - خدا شما را حفظ کند! (خدا شما را نگاه دارد!) - بسیار سپاسگزارم. به امید دیدار.
 در اینجا فعل ماضی «حَفِظَ» معنای دعا دارد.

بدانیم

هدف، آموزش صیغه متکلم مع الغیر «فَعَلْنَا» است. دانش‌آموز باید یاد بگیرد که در صیغه «فَعَلْنَا» مثنی و جمع و مذکر و مؤنث یکسان است.

دیده شده است که در برخی مسابقات علمی، معنای فعل‌هایی مانند «عَرَفْنَا» و «صَرَفْنَا» از دانش‌آموز خواسته می‌شود و اغلب دانش‌آموزان دچار خطا می‌شوند و به حرکتِ حرفِ «ف» در «عَرَفْنَا» توجه نمی‌کنند و آن را با «عَرَفْنَا» اشتباه می‌گیرند. در صورت صلاح‌دید، دبیر می‌تواند این مورد را برای دانش‌آموزان

شرح دهد. بدیهی است طرح چنین سؤالی در مدارس عادی در امتحان کار درستی نیست؛ چون موجب می‌شود بیشتر دانش‌آموزان دچار خطا شوند.

منفی کردن فعل ماضی با حرف «ما» انجام می‌شود.

فهم این مطلب برای دانش‌آموز دشوار نیست؛ زیرا هیچ تغییری در فعل ماضی پیش نمی‌آید. مانند بسیاری آموخته‌های دیگر در درس عربی، تکرار و تمرین است که یادگیری را تقویت و تثبیت می‌کند.

دانش‌آموزان احتمال دارد مای نفی را با مای استفهام اشتباه بگیرند. می‌توان به آنان گفت که راه تشخیص، توجه به قرارگیری کلمات در متن است و اگر جمله سؤالی باشد علامت سؤال دارد. پرهیز از طرح سؤال امتحانی در مدارس عادی در این زمینه در امتحانات اصلی توصیه می‌شود؛ مثال: ما ذَهَبَ. ما ذَهَبَ؟ البته شرح این نکته بدون اشکال است.

تمرین‌ها

تمرین اول:

ترجمه جمله‌های دارای فعل ماضی که سه جمله نخست آیات شریفه کلام الله مجید است. هدف آموزشی، ترجمه جمله‌های دارای فعل ماضی است.

- ۱ ﴿صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ (سوره الزوم، آیه ۵۸) در این قرآن از هر مثلی زده‌ایم. (آورده‌ایم)
- ۲ ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾ (سوره الأنبياء، آیه ۶۲) ای ابراهیم، آیا تو این کار را با خدا یانمان کردی؟
- ۳ ﴿صَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ﴾ (سوره یس، آیه ۷۸) برای ما مثالی زد و آفرینش خودش را فراموش کرد.
- ۴ قال الطفل: أنا ما حزنْتُ. کودک گفت: من اندوهگین نشدم. (ناراحت نشدم/ غصه نخوردم.)
- ۵ نحن ما عبرنا الحدود. ما از مرز (مرزها) عبور نکردیم.

تمرین دوم:

این تمرین برای بار نخست در کتاب طراحی شده است. تمرین جورکردنی همیشه مورد علاقه دانش‌آموزان بوده است؛ زیرا تمرینی ساده و لذتبخش است.

حل این تمرین باید همراه با ترجمه آن باشد؛ تا دبیر مطمئن شود حل آن تصادفی و بدون اندیشه نبوده است.

ب	الف
مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ	الْفُسْتَانُ
كَنْزٌ	الْعِلْمُ
مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ	الدُّنْيَا
أَفَةُ الْعِلْمِ	الصَّلَاةُ
مِفْتَاحُ الْعِلْمِ	النُّسْبَانُ
عَمُودُ الدِّينِ	السُّؤَالُ

الْفُسْتَانُ مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ. فستان (پیراهن) از لباس های بانوان است.

الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است.

الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ. جهان کشتزار آخرت است. یا دنیا مزرعه آخرت است.

الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ. نماز ستون دین است.

النُّسْبَانُ أَفَةُ الْعِلْمِ. فراموشی، آفت دانش است. فراموشی، آسیب علم است. فراموشی، آفت علم است.

السُّؤَالُ مِفْتَاحُ الْعِلْمِ. پرسیدن، کلید دانش است.

تمرین سوم :

دوره ای است بر آموخته های فعل ماضی و ضمیرها همراه با تکرار برخی واژگان پرکاربرد در جملات. هدف آموزشی این تمرین تقویت مهارت خواندن و شنیدن و ترجمه عربی به فارسی است. نقش تصویر در

این دو صفحه مهم است و برای تلطیف، تسهیل و تعمیق آموزش طراحی شده است.

أَنَا حَزِنْتُ قَلِيلًا. من کمی اندوهگین شدم.

أَنْتَ نَصْرْتَهُ؛ لِأَنَّكَ شَرِيفٌ. تو او را یاری کردی؛ زیرا تو شریف هستی.

هُوَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ. او روی زمین افتاد. «وَقَعَ» و «سَقَطَ» به معنای «افتاد» هستند.

أَنْتِ لَبِستِ عِبَاءَةً جَمِيلَةً. تو لباسی زیبا پوشیدی.

هِيَ نَبِيتٌ سَبِيًّا. او چیزی را فراموش کرد. (یادش رفت) «نَبِيتٌ» گاهی به معنای «جا گذاشت» نیز هست.

نَبِيتٌ حَقِيبَتِي بِالْحَافِلَةِ. به عامیانه: انا ناسی سنطتی بالباض. یعنی کیفم را در اتوبوس جا گذاشته ام.

توضیح اینکه تلفظ حرف سین در فعل «نَبِيتٌ» دَقَّتْ لازم دارد؛ برخی سین را مکسور تلفظ می کنند؛

چون زیر آن کسره می بینند؛ در حالی که تلفظ درست آن (nasito) است.

نَحْنُ شَعْرْنَا بِالْإِفْتِخَارِ. ما احساس افتخار کردیم. حرف جرّ «بِ» در «شَعْرْنَا» به فارسی ترجمه نمی شود.

«شَعور» به معنای «احساس» است که با معنای رایج فارسی آن فرق دارد. (شَعْرْنَا = أَحْسَسْ)

نَحْنُ وَقَفْنَا لِأَخْذِ الْجَوَارِي. ما برای گرفتن جایزه ها ایستادیم.

وَقَفَّ یعنی از حرکت ایستاد؛ اَمَّا قَامَ یعنی نشسته بود و از حالت نشستن برخاست و ایستاد و با هم فرق دارد.
 نَحْنُ عَبْرَتَا الْجَبَلِ. ما از کوه عبور کردیم. (گذر کردیم. گذشتیم. رد شدیم) عَبْرَ نِیَاز به حرف جَرِّ مِنْ ندارد.
 تَلَفَّظَ دَرَسَتْ (عَبْرَتَا الْجَبَلِ) چنین است: (عَبْرَتَا لَجَبَلِ)
 نَحْنُ فَرَحْنَا كَثِيراً. ما خیلی خوشحال شدیم. (شاد شدیم) فَرَحَ ≠ حَزَرَ
 نَحْنُ قَطَعْنَا الخَشَبَ. ما چوب را بُریدیم. (قطع کردیم)
 تَلَفَّظَ دَرَسَتْ (قَطَعْنَا الخَشَبَ) چنین است: (قَطَعْنَا لُخَشَبَ)

الْقُرْآنِيَات

- ۱ مَنْ أَوَّلَ نَبِيِّ عَمِلَ فِي مَرْكَزِ الْحُكُومَةِ؟ سَيِّدُنَا يُوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
 نخستین پیامبری که در مرکز حکومت کار کرد کیست؟ سرورِ ما (آقای ما) یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ.
- ۲ مَا هِيَ السُّورَةُ الَّتِي بِاسْمِ فَاكِهَةٍ؟ سُورَةُ التِّينِ. «ما هي؟» و «ما؟» به یک معنا هستند.
 سوره‌ای که به نام میوه‌ای است چیست؟ (کدام است؟) سورهٔ انجیر.
- ۳ لَقَبُ أَيِّ نَبِيِّ ذَبِيحُ اللَّهِ؟ نَبِيُّ اللَّهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. لَقَبُ كَدَامِ پیامبر ذبیح الله است؟ پیامبر خدا اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ.

دانش‌افزایی برای دبیر

- ۱ «جائِزةً» از ریشهٔ «جَارَ» است. «جَارَ الْمَكَانَ.» و «جَارَ بِالْمَكَانِ.» یعنی «از آن جا گذشت.»
 گفته شده است: یکی از فرماندهان سپاه اسلام در جنگی به رودخانه‌ای برخورد کرد که سربازانش باید از آن می‌گذشتند. او به سربازانش گفت: «مَنْ جَارَ النَّهْرَ فَلَهُ جَائِزَةٌ.» (جائِزةً اسم فاعل از فعل جَارَ است.)
 یعنی: «هرکس از رود بگذرد، پاداشِ گذشتن دارد.»
- ۲ «عبور» یعنی رد شدن از این طرف به آن طرف مانند اینکه از این طرف رود به آن طرف برویم؛ ولی «مُرور» یعنی در همان یک طرف رود به موازات ساحل حرکت کنیم.
- ۳ «یوسف» نامی عبری است به معنای «می‌افزاید» است. جوزف، جو در نام‌های غربی همان «یوسف» است. (Joseph/Jo/Joe)
- ۴ «إسماعیل» نامی عبری به معنای «خدا شنید» است. (إسماع + ئیل = إسماعیل: سَمِعَ اللَّهُ ساموئیل، سام، سَم در نام‌های غربی همان اسماعیل است. (Samouel/Sam/Samm/Sammy)
- ۵ «أَلِهَةٌ» جمع «إله» است. در رسم الخطِّ أَوَّلِيَّةُ قرآن حروف کشیدهٔ واو و الف و یاء (و-ا-ي) نمایش داده نمی‌شد. بعدها این سه حرف افزوده شد. برخی واژه‌ها به دلیل معروف بودن با همان رسم الخطِّ کهن نوشته می‌شوند و حرف الف در آنها نوشته نمی‌شود؛ مانند: هَذَا، رَحْمَنُ، إِلَهٌ، ذَلِكَ
- ۶ بَيْتِي: ماند. به معنای «جاماند» نیز می‌باشد.

أَحَدُ الْحُجَّاجِ بَقِيَ فِي أَحَدٍ. یکی از حاجی‌ها در اُحُد جا مانده است.

۷ «حُدود» جمع «حَدَّ» است. هر چند جمع است؛ ولی می‌شود آن را «مرز» ترجمه کرد.

۸ لَبَسَ، يَلْبَسُ، لَبَسًا الثَّوْبَ: جامه را پوشید. (امکان دارد با این فعل اشتباه شود: لَبَسَ، يَلْبَسُ، لَبَسًا عَلَيهِ الأَمْرُ: کار را بر او درهم و برهم و با مشتبه کردنش به چیز دیگری پوشانیده ساخت).

(لا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ) حق را با باطل درهم نیامیزد. (سوره بقره: ۴۲)

۹ «حَفِظَ» فعل ماضی به معنای «حفظ کرد» است. گاهی فعل ماضی و مضارع معنای دعا دارد؛ مثال: اللَّهُ يَحْفَظُكَ! حَفِظَكَ اللَّهُ! خدا شما را حفظ کند!

حرف نفی «ما» فقط بر سر ماضی نمی‌آید؛ بر سر مضارع نیز می‌آید؛ مثال: ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾

۱۰ از آنجا که زیر حرف سین در «نَسِي» کسره وجود دارد؛ برخی آن را اشتباه تلفظ می‌کنند. در «هَي» و

کلمات مشابه نیز گاهی چنین چیزی رخ می‌دهد. علت این اشتباه این است که در زبان فارسی اگر زیر حرفی کسره باشد و بعد از آن یاء کشیده بیاید؛ آن کسره، تلفظ می‌گردد ولی در عربی چنین نیست. ضمناً کلمه

«نَسِي» افزون بر معنای «فراموش کرد» به معنای «جا گذاشت» نیز می‌باشد؛ مثال:

نَسِيتُ حَقِيقَتِي فِي الطَّائِرَةِ. کیفم را در هوا پیمایا جا گذاشتم.

اهداف کلی

۱. آموختن معنای ۱۳ کلمه جدید از عربی به فارسی
۲. روان خوانی یک متن عربی
۳. آموزش معادل‌های سه‌گانه جمله «شما انجام دادید» در زبان عربی
۴. آشنایی با صیغه‌های «فَعَلْتُمْ»، «فَعَلْتُنَّ» و «فَعَلْتُمَا».

تحلیل درس

الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ : خانواده موفق

السَّيِّدُ زَارِعِي فَلَاحٌ وَرَوْجَتُهُ فَلَاحَةٌ. هُمَا سَاكِنَانِ مَعَ أَوْلَادِهِمَا فِي قَرْيَةٍ.

آقای زارعی کشاورز و همسرش [نیز] کشاورز است. آنها با فرزندان‌شان در روستایی ساکن‌اند.

عَارِفٌ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْوَيْنِ وَسُمِّيَهُ أَكْبَرَ مِنَ الْأَخْتَيْنِ. هُمُ أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ.

عارف از برادرها و سمیمه از خواهرها بزرگ‌تر است. آنها خانواده‌ای موفق‌اند.

بَيْتُهُمْ نَظِيفٌ وَبُسْتَانُهُمْ مَمْلُوءٌ بِأَشْجَارِ الْبُرْتُقَالِ وَالْعِنَبِ وَالرُّمَّانِ وَالتُّفَاحِ.

خانه‌شان پاکیزه و باغشان پر از درختان پرتقال، انگور، انار و سیب است.

نکته (۱): شاید برای برخی دانش‌آموزان در برخی مناطق کشور سؤال پیش بیاید که آیا امکان دارد

درختان پرتقال، انگور، انار و سیب یکجا باشند. پاسخ این است که آری امکان دارد.

نکته (۲): اولاد سه معنا دارد: فرزندان، بچه‌ها، پسران. در این متن به معنای فرزندان است.

نکته (۳): شاید برای دبیر سؤال پیش بیاید که چرا زارعی در «السَّيِّدُ زَارِعِي» بدون حرف تعریف «ال» است؟

پاسخ این است که «زارعی» اسم علم است و در اصل زبان همین‌طور بدون ال است و نمی‌توان به آن ال

داد، مگر اینکه در شناسنامه آن شخص واقعاً ال داشته باشد.

حِوَارُ بَيْنَ الْوَالِدِ وَالْأَوْلَادِ: گفت وگویی میان پدر و پسران
 الوالد: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا عَارِفُ؟ عارف: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ مَعَ صَادِقٍ وَحَامِدٍ.
 پدر: ای عارف کجا رفتی؟ عارف: به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه با صادق و حامد.
 الوالد: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا صَادِقُ وَيَا حَامِدُ؟ الْأَخْوَانِ: بِالسَّيَّارَةِ.
 پدر: ای صادق و حامد، چگونه بازگشتید؟ دو برادر: با خودرو.
 الوالد: لِمَاذَا ذَهَبْتُمْ أَيُّهَا الْأَوْلَادُ؟ الْإِخْوَةُ: لِمُسَاعَدَةِ جَدِّنَا.
 پدر: ای پسرها، چرا رفتید؟ برادرها: برای کمک به پدر بزرگمان.

حِوَارُ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَالْبَنَاتِ: گفت وگویی میان مادر و دختران.
 الوالدة: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا سُمَيَّةُ؟ سُمَيَّةُ: إِلَى بَيْتِ الْجَدَّةِ وَالْجَدَّةِ مَعَ شَيْمَاءَ وَنَوْجِسَ.
 مادر: ای سُمیّه، کجا رفتی؟ سُمیّه: به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه شیماء و نرگس.
 الوالدة: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا شَيْمَاءُ وَيَا نَوْجِسُ؟ الْأَخْتَانِ: بِالسَّيَّارَةِ.
 مادر: ای شیماء و نرگس، چگونه برگشتید؟ دو خواهر: با خودرو.
 الوالدة: لِمَاذَا ذَهَبْتُنَّ أَيُّهُنَّ الْبَنَاتُ؟ الْأَخَوَاتُ: لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِنَا.
 مادر: ای دخترها، چرا رفتید؟ خواهرها: برای کمک به مادر بزرگمان.

بدانیم

پیش از آغاز شرح قاعده فعل متکلم مع الغير، چهار جمله مصور برای فهم بهتر این فعل طرّاحی شده است. این چهار جمله را چهار دانش آموز با صدای رسا می خوانند و ترجمه می کنند؛ آنگاه دبیر دربار هُشان توضیح می دهد.

متن بخش «بدانیم» را نیز دانش آموز می خواند. در پایان، دبیر از دانش آموزان می پرسد که آیا سؤالی دارند؟ و به سؤال های احتمالی پاسخ می دهد.

توجه داشته باشیم که ارجاع دانش آموزان به تصاویر مهم است. دستی که در حال اشاره کردن است، حالت خطاب را بیان می کند. مفاهیمی مانند «جمع مذکر مخاطب» را با استفاده از تصویر و ترجمه فارسی به سادگی می توان توضیح داد.

پرسش: چرا ابتدا با صیغه «فَعَلْتُمْ» آغاز شده است؟

پاسخ: زیرا صیغه «فَعَلْتُمْ» اصل است و حالت عمومیت دارد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت مهارتِ درک مطلب است. پاسخ‌ها: غ غ ص غ ص

تمرین دوم: هدف تقویت مهارتِ روان خوانی و ترجمه و شناخت فعل ماضی است.

۱ یا بنّان، کَیْفَ قَرَأْتُمَا دَرَسْکُمَا؟ ای دخترها، چگونه درستان را خواندید؟ (قَرَأْتُمَا)

۲ یا أَسْتَاذُ، هَلْ سَمَحْتَ لِي بِالْكَلامِ؟ ای استاد، آیا به من اجازه سخن گفتن دادی؟ (سَمَحْتَ)

۳ أَيْتُهَا السَّيِّدَاتُ، أَسَمِعْتُنَّ صَوْتَ أَطْفَالِكُنَّ؟ ای خانم‌ها، آیا صدای کودکانان را شنیدید؟ (سَمِعْتُنَّ)

۴ أَيُّهَا الطُّلابُ، لِمَاذَا فَتَحْتُمُ أَبْوَابَ الصُّفُوفِ؟ - لِأَنَّ الْجَوَّ حَارٌّ. ای دانش‌آموزان «دانشجویان»، چرا

«برای چه» درهای کلاس‌ها را باز کردید؟ «گشودید» - برای اینکه (زیرا) هوا گرم است. (فَتَحْتُمُ)

تمرین سوم: هدف، تقویت شناخت و ترجمه ضمیر و فعل ماضی مثبت و منفی است.

تمرین چهارم: هدف تقویت شناخت فعل ماضی و ضمیر است. از آنجا که این درس اربعینات یا قرآنیات

ندارد؛ لذا تعداد تمرینات به چهار دسته رسیده است.

۱ أَلْمُعَلِّمَةُ (سَمَحَتْ) لِي بِالْخُرُوجِ مِنَ الصَّفِّ. معلّم به من اجازه بیرون رفتن (خروج) از کلاس را داد.

۲ أَنَا وَصَدِيقِي (نَجَحْنَا) فِي الْمُسَابَقَةِ
من و دوستم در مسابقه موفق شدیم.

۳ أَيُّهَا الْأَخْتَانِ، أَمَا شَعَرْتُمَا بِالِافْتِخَارِ؟
ای دوخواهر، (ای خواهرها)، آیا احساس افتخار نکردید؟

۴ هُوَ (فَرِحَ) مِنْ نَجَاحِ صَدِيقِهِ.
او از موفقیتِ دوستش خوشحال شد. (شاد شد)

۵ أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ، مَاذَا صَنَعْتُمْ؟
ای دوستان، چه چیزی را ساختید؟

۶ قَالَتْ أُمُّ حَمِيدٍ: أَنَا (مُنْتَظَرَةٌ).
مادر حمید گفت: من چشم به‌راهم. (منتظرم)

دانش‌افزایی برای دبیر

۱ «سَمِيَّة» مادر «عَمَّار بن بَاسِر» نخستین زن شهید صدر اسلام است.

نام «سمیه»، مصغّر «سَمَاء» به معنای «آسمان کوچک» است.

۲ «شیماء» در زبان فارسی «شیماء» هموزن با «سیماء» تلفظ می‌شود.

«شیماء» به معنای «دختر خالدار»، خواهر رضاعی پیامبر ﷺ دختر «حلیمه سعديه» است.

۳ بَدَأَ، بَدَأُ، بَدَأْتُ: آغاز کرد. بَدَأَ به معنای «آغاز شد» نیز است؛ ولی «بَدَأْتُ» یک معنا دارد: (آغاز شد)

۴ «جَمَعَ» یعنی «جمع کرد» ولی «اجْتَمَعَ» به معنای «جمع شد» است.

۵ فَلَاحٌ، زَارِعٌ وَ مُزَارِعٌ هر سه به معنای کشاورزند.

۶ فعل «سَمَحَ» کلمه‌ای پر کاربرد است.

إِسْمَخَ لِي: به من اجازه بده. مَسْمُوح: مُجَاز. لَوْ سَمَخْتَ: اگر اجازه می‌دادید.

۷ در متن درس با دو واژه «الْأَخَوَيْنِ» و «الْأُخْتَيْنِ» روبه‌رو شدید.

شاید گفته شود بهتر بود که این دو کلمه در درس به صورت «أَخَوِيَّة» و «أُخْتِيَّهَا» می‌آمد؛ اما از آنجا که حرف نون مثنی به دلیل مضاف واقع شدن از این دو کلمه حذف می‌شود؛ لذا این دو واژه به منظور تسهیل، در حالت غیرمضاف به کار رفته‌اند، تا از طرح سؤالاتی که پاسخ به آنها در حد نخستین پایه آموزش است، جلوگیری شود.

۸ «مَمْلُوء» به معنای «پُر» در فارسی به صورت «مَمْلُوء» به کار می‌رود.

در زبان عربی اغلب معادل واژه «پُر» واژه «مَلِيء» است.

۹ واژه «کیمیاء» در زبان عربی در اصل واژه‌ای فارسی و به قولی یونانی است که وارد عربی و بسیاری

از زبان‌های دیگر شده است. در انگلیسی «chemistry» و در فرانسوی «chimie» همان واژه «کیمیا» در فارسی است.

کیمیا در باور پیشینیان، ماده‌ای فرضی بود که به وسیله آن می‌شد هر فلز پست مانند «مس» را تبدیل به «طلا» کرد؛ اکسیر.

۱۰ درباره فرق فاکهه، نخل و رُمان در آیه ﴿فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمانٌ﴾ (سورة الرحمن، آیه ۶۸) چنین

گفته‌اند:

«فاکهه» به معنای میوه یا درخت میوه، عام است و خرما و انار را هم در بر می‌گیرد. اگر این دو، یا درخت

این دو را جداگانه ذکر کرده، به خاطر اهمیتی بوده که این دو داشته‌اند.

در اهمتشان گفته‌اند: «خرما هم میوه است و هم طعام. انار هم میوه است و هم دوا. بدین جهت این دو،

بر سایر میوه‌ها فضیلت و اهمت یافته و شایسته شده‌اند که جداگانه ذکر گردند.»

(إرشاد الأذهان، صفحه ۵۳۹، الاصفی، جلد ۲، صفحه ۱۲۴۸)

۱۱ «بَنَات» و «أَخَوَات» جمع مؤنث سالم به شمار می‌روند.

در اصطلاح گفته می‌شود بنات از مُلَحَقَات جمع مؤنث سالم است.

بهتر است از طرح چنین سؤالاتی که حتی میان کارشناسان اختلاف هست خودداری شود.

بنات جمع ابنة یا بنت است.

(ابن = مذکر / ابنة = مؤنث)، (ابنة + ات = ابنات ← بنات)

(أخو = مذکر / أخوة = مؤنث ← أخت)، (أخوة ← أخت)

اهداف کلی

- ۱ آموختن معنای بیست کلمه جدید از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی یک متن عربی
- ۳ آموزش معادله‌ای چهارگانه جمله «آنها انجام دادند» در زبان عربی
- ۴ آشنایی با صیغه‌های «فَعَلُوا»، «فَعَلْنَ»، «فَعَلَا» و «فَعَلْنَا»
- ۵ دانش‌آموز کاربرد حدیث «زینَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ» را در کنار پیام آموزشی درس، در زندگی تشخیص دهد و به این حدیث در جایگاه مناسب استشهاد کند.

تحلیل درس

در این درس به نسبت درس‌های پیشین، متن طولانی‌تر شده است. این کار در دروس نخستین امکان‌پذیر نبود؛ زیرا دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است و هنوز توانمندی زبانی چندانی ندارد. برای پایه هشتم آوردن متن نسبتاً طولانی آسان‌تر می‌شود؛ زیرا دانش‌آموز در پایه هشتم پیش‌زمینه‌های بسیاری دارد. او کلمات بسیاری را در ذخیره واژگانی خود از حفظ دارد و با ساختارهای بسیاری در پایه هفتم آشنا شده است.

داستان «زینة الباطن» با الهام از حدیث حضرت علی عليه السلام پیام ارزشمندی را به دانش‌آموز ابلاغ می‌نماید. داستان تخیلی «سنگ ماهی مهربان» در زندگی روزمره ما بارها روی می‌دهد. پیام درس ارزش بالایی دارد. افزون بر اینکه دانش‌آموز متنی را می‌خواند یک درس زندگی نیز می‌آموزد که زیور درون از زیور برون بهتر است و چه بسا افرادی که ظاهر و باطنشان با هم فرق دارد.

زینة الباطن (زینت باطن، آرایش درون، زیورِ باطن)

كَانَتْ فِي بَحْرِ كَبِيرٍ سَمَكَةٌ قَبِيحَةٌ اسْمُهَا السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ.

در دریایی بزرگ، ماهی زشتی وجود داشت که نامش سنگ‌ماهی بود.

با توجه به اینکه همزه وصل خوانده نمی‌شود، لذا خواندن این بخش از جمله بالا برای برخی دانش‌آموزان دشوار است.

(... قَبِيحَةٌ اسْمُهَا السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ)

خواندن درست به این گونه است :

(... قَبِيحَتُنْ سُمَةُ سَمَكَةٌ لِحَجْرِيَّةُ)

وَكَانَتْ الْأَسْمَاكُ خَائِفَاتٍ مِنْهَا. هِيَ ذَهَبَتْ إِلَى سَمَكَيْنِ. وَ مَاهِي هَا از او هراسان بودند. او به سوی دو ماهی رفت.

توضیح: از آنجا که آوردن فعلی مانند «كَانَتْ تَخَافُ» در پایه هفتم از نظر آموزشی با ساختار کتاب هماهنگ نیست؛ لذا به جایش «خائفات» آمده است.

السَّمَكَاتُ خَائِفَاتٌ وَهَرَبْنَا. آن دو ماهی (ماهی‌ها) ترسیدند و فرار کردند. (گریختند)
هِيَ كَانَتْ وَحِيدَةً دَائِمًا. او همیشه تنها بود.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، خَمْسَةَ مِنَ الصَّيَادِينَ جَاؤُوا فَقَدَفُوا شَبَكَةً كَبِيرَةً فِي الْبَحْرِ.

در روزی از روزها، پنج تن از ماهی‌گیرها (صیادها) آمدند و توری بزرگ (تورِ بزرگی) را در دریا انداختند.
الْأَسْمَاكُ وَقَعْنَ فِي الشَّبَكَةِ. ما جاء أَحَدٌ لِلْمُسَاعَدَةِ. ماهی‌ها در تور افتادند. کسی برای کمک نیامد.
السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ الْأَسْمَاكِ. سنگ‌ماهی صداهای ماهیان را شنید.

۱- توضیح اینکه برای الْأَسْمَاكُ دو فعل وَقَعْنَ و وَقَعَتْ هر دو درست است.

در کتاب به تقلید از کلیله و دمنه شکل وقعن به کار رفته است.

ما لِلْجَمَالِ مَشِيهَا وَتَبَدَا أَجْنَدَلَا يَحْمِلُنْ أُم حَدِيدَا

یعنی چه شده این شتران آرام راه می‌روند؟! آیا بارشان سنگ است یا آهن؟!

شاعر در آغاز گفت: «مشیها» سپس گفت: «یحملن».

این یک اسلوب عربی اصیل می‌باشد و در قرآن موجود است.

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَرُلُقًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ: ذَلِكَ ذِكْرُكَ لِلَّذِينَ يَدْعُونَكَ﴾ (سوره هود آیه ۱۱۴)

به کلمه «حسنات» دقت کنید که برایش فعل «یُدْهِبُنَ» آمده است.

هذا الرجز للزَّيَّاءِ، قالته لما نظرت إلى الجمال التي جاء بها قصير بن سعد صاحب جذيمة ...

ویری الکوفیون: أَنْ الْفَاعِلُ (مشیها) تقدم على عامله «وئیدا» ... و «وئیدا» وردت منصوبة، حال ..

ویری البصریون: أَنْ «مشیها» مبتدأ، حذف خبره، وبقي معمول الخبر، والتقدير:

مشیها يكون وئیدا، أو يوجد وئیدا ...



فَنظَرْتُ إِلَى الشَّبَكَةِ وَحَزِنْتُ فَدَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ . قَطَعْتُ شَبَكَةَ الصَّيَادِينَ بِسُرْعَةٍ . الْأَسْمَاكُ خَرَجْنَ وَهَرَبْنَ جَمِيعاً . پس (و) به تور نگاه کرد و غمگین شد و برای نجات (رهايي) ماهی ها رفت . به سرعت تور صیادها را برید . (قطع کرد) و ماهی ها خارج شدند و همگی فرار کردند .
فَوَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ وَالصَّيَادُونَ أَخَذُوهَا . كَانَتْ الْأَسْمَاكُ حَزِينَاتٍ ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ وَقَعَتْ فِي الشَّبَكَةِ لِنَجَاتِيهِنَّ .

پس (و) سنگ ماهی در تور افتاد و صیادها (ماهیگیرها) او را گرفتند . ماهی ها ناراحت (غمگین) بودند؛ زیرا سنگ ماهی برای نجات آنها در تور افتاد .
الْأَسْمَاكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَادِينَ . هُمْ أَخَذُوا السَّمَكَةَ وَلَكِنَّهُمْ قَدَفُوهَا فِي الْمَاءِ ؛ لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً جِدًّا فَخَافُوا مِنْهَا . الْأَسْمَاكُ فَرِحْنَ لِنَجَاتِيهَا وَنَظَرْنَ إِلَيْهَا بِاتِّسَامٍ وَعَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ جَمَالِ الظَّاهِرِ .
ماهی ها به کشتی صیادها (ماهی گیرها) نگاه کردند . آنها ماهی را گرفتند ولی در آب انداختند؛ زیرا خیلی زشت بود و از او ترسیدند . ماهی ها برای نجات او خوشحال شدند و دانستند (بی بردند) که زیبایی درون (باطن) برتر (بهتر) از زیبایی آشکار (ظاهر) است .

قال الإمام عليؑ : «زينة الباطن خيرٌ من زينة الظاهر» .

امام علیؑ گفته است : (فرموده است) زینت باطن بهتر از زینت ظاهر است . یا زیورِ درون برتر از زیورِ برون است . یا زینت درون بهتر از زینت آشکار است .

در پایان قرائت و ترجمه متن درس، می توان پیام درس را از دانش آموزان پرسید و از آنان خواست که اگر بیت یا ضرب المثلی درباره پیام درس به یاد دارند، بگویند یا تحقیق کنند و برای جلسه آینده بیاورند . این فعالیت را می توان در حد آوردن یک عبارت تعیین کرد .

ومنهم من قرأ «مشيها» بالجر، وأعربه بدل اشتغال من الجمال، ومنهم من قال :

مشيها مبتدأ . وثبتا : حال سدت مسد الخبر . [الهمع/ ١ / ١٥٩ ، والأسموني/ ٢ / ٤٦ ، وشرح أبيات مغني اللبيب/ ٧ /

﴿وَالطَّيْرُ مَحْشُورَةٌ كُلُّ لَهْ أَوَابٍ﴾ سورة ص، آیه ١٩

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَائِبَ وَيَقْبِضْنَ ؛ مَا يُنْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ؛ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ سورة الملك، آیه ١٩

«الطير محشورة» مفرد مؤنث می باشد؛ ولی در آیه دوم «صافات» و «يقبضن» جمع مؤنث است .

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا﴾ سورة طه، آیه ١٠٥

﴿فَقَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ؛ وَكُلًّا آتَيْنَاهَا حُكْمًا وَعِلْمًا ؛ وَسَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ وَالطَّيْرَ ؛ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ سورة الأنبياء، آیه ٧٩

در آیه اول، ضمير «الجبال» مفرد مؤنث و در آیه دوم جمع مؤنث است .

بدانیم

پیش از آغاز رسمی قاعده درس، چهار جمله مصور آمده است تا دانش آموز تحت نظر معلم با قرائت و ترجمه آنها بتواند موضوع درس را متوجه شود.

هدف این درس آموزش معادل های چهارگانه جمله «آنها انجام دادند» در زبان عربی یعنی صیغه های «فَعَلُوا»، «فَعَلْنَ»، «فَعَلْنَا» و «فَعَلْتُمْ» می باشد.

ارجاع به تصاویر مهم است. تصاویر برای زیبایی نیست. بی توجهی به آنها موجب نقص آموزش است. حروف قرمز صرفاً شناسه اند. منظور نمایش ضمائر متصل فاعلی نیست.

بدیهی است که در «فَعَلُوا» واو و در «فَعَلْنَا» الف ضمیر فاعلی اند؛ اما در «فَعَلُوا» واو و الف و در «فَعَلْنَا» تاء و الف رنگی شده اند.

تمرین ها

تمرین اول: با توجه به متن درس جمله های درست و نادرست را معلوم کنید.

- | | | |
|--|--|---|
| <input type="checkbox"/> نادرست | <input checked="" type="checkbox"/> درست | ۱. كَانَتْ تِلْكَ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ وَحِيدَةً. |
| <input type="checkbox"/> نادرست | <input checked="" type="checkbox"/> درست | ۲. السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِجَاةِ الْأَسْمَاكِ. |
| <input checked="" type="checkbox"/> نادرست | <input type="checkbox"/> درست | ۳. كَانَتْ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ صَغِيرَةً وَ جَمِيلَةً. |
| <input checked="" type="checkbox"/> نادرست | <input type="checkbox"/> درست | ۴. الصَّيَادُونَ مَا خَافُوا مِنَ السَّمَكَةِ الْحَجْرِيَّةِ. |

تمرین دوم: هدف این تمرین مانند تمرین اول، تقویت قدرت درک مطلب دانش آموز است. یک هدف مهم کتاب درسی چنین تمریناتی است و در سال های آینده سؤال های درک مطلب به همین شیوه طراحی می گردند. هدف این تمرین تقویت مهارت دانش آموز در متن خوانی و پاسخ به پرسش هاست. معلمان گرامی به پاسخ کوتاه بسنده کنند و در ارزشیابی شفاهی و کتبی به ویژه در شفاهی به همین گونه عمل کنند.

۱. كَمْ صَيَادًا كَانَ فِي السَّفِينَةِ؟

خَمْسَةَ. يَا خَمْسَةَ صَيَادِينَ.

۲. مَنْ قَذَفَ الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ؟

الصَّيَادُونَ. يَا الصَّيَادُونَ قَذَفُوا الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ.

۳. أَيْنَ وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ؟

فِي الشَّبَكَةِ. يَا وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ.

۴ هَلْ زَيْنَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زَيْنَةِ الْبَاطِنِ؟

لا. یا لا؛ لَيْسَتْ زَيْنَةُ الظَّاهِرِ خَيْرًا مِنْ زَيْنَةِ الْبَاطِنِ.

بدیهی است که دانش آموز دربارهٔ اعراب کلمات هیچ چیز نمی‌داند و نباید از او اعراب صحیح را خواست.

تمرین سوم: هدف، تقویتِ آموخته‌های دانش‌آموز در شناخت اسم، ضمیر و فعل ماضی مثبت و منفی است.

تمرین چهارم: هدف، تقویتِ آموخته‌های دانش‌آموز در شناخت اسم اشاره، ضمیر و فعل ماضی است.

در حقیقت هدف تمرین چهارم با تمرین سوم یکی است و صرفاً در طُرَاحی سؤال تنوع صورت گرفته است.

۱ هُوَ لَاءِ الصَّيَادُونَ (قَدْ فَوَا) شَبَكَةً فِي الْبَحْرِ.

این ماهی گیرها (این صیادها) توری در دریا انداختند.

۲ أَوْلَيْكَ الْبَنَاتُ (ذَهَبْنَ) لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِهِنَّ.

آن دختران (آن دخترها) برای کمک به مادر بزرگشان رفتند.

۳ هَذَا الْوَلَدَانِ (وَقَفَا) لِأَخْذِ الْهَدَايَا.

این پسرها (این دو پسر/ این بچه‌ها/ این دو بچه) برای گرفتن (برداشتن/ بُردن) هدیه‌ها (هدایا) ایستادند.

۴ هَاتَانِ الْمَرْأَتَانِ (رَفَعَتَا) عِلْمَ إِيْرَانِ.

این زنان (این دو زن) پرچم ایران را بالا بردند.

۵ كَانَتْ زَهْرَاءُ (ذَاهِبَةً) إِلَى صَفْهَاءَ.

زهرآ به کلاسش رفته بود.

ذاهب در اینجا یعنی رفته، رونده.

دانش‌آموز باید بداند وقتی اسمی دربارهٔ یک مؤنث است، علامت تأنیث «ة» می‌گیرد؛ مثلاً:

قَالَتْ زَهْرَاءُ: أَنَا إِيرَانِيَّةٌ.

یا یک دختر در معرفی خودش علامت تأنیث را باید بیاورد؛ مثال:

أَنَا طَالِبَةُ الصَّفِّ السَّابِعِ.

دانش‌افزایی برای دبیر

۱ سَمَكٌ: اسم جنس به معنای ماهی و واحد آن سَمَكَةٌ است. جمع سَمَكٌ أَسْمَاكٌ و جمع سَمَكَةٌ

سَمَكَاتٌ است. جمع سَمَكٌ به صورت سِمَاكٌ و سُمُوکٌ نیز درست است؛ اما أَسْمَاكٌ معروف‌تر و رایج است.

جمع سَمَكَةٌ، سَمَكَاتٌ است؛ مانند صَدَقَةٌ و حَسَنَةٌ که جمع آنها صَدَقَاتٌ و حَسَنَاتٌ است.

در کلیله و دمنه داستان «السمکات الثلاث» معروف است.

در گفتار معاصر عربی نیز «سَمَكَاتٌ» کاربرد دارد.

سَمَك اسم جنس جمعی به معنای ماهی‌ها نیز می‌باشد.

أَمَّا سَمَكَةٌ وَاحِدٌ سَمَكٌ اسْت.

جمع سَمَكٌ أَسْمَاكٌ است و خود واژه سَمَكٌ مفهوم جمع دارد تاء وحدت که بگیرد به معنای یک ماهی می‌شود.

برخی در معجم ذنبال «سمکات» می‌گردند و آن را نمی‌بینند و نمی‌دانند که جمع قیاسی در معجم معمولاً نمی‌آید.

۲ حرف نفی «ما» بر سر مضارع نیز می‌آید؛ مانند این آیات قرآن :

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ (سوره نجم، آیه ۳)

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ﴾ (سوره بس، آیه ۶۹)

﴿وَمَا نُزِيلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ (سوره انعام، آیه ۴۸)

۳ حرف «فَ» چند معنا دارد :

حرف عطف است برای ترتیب متصل : ﴿الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ (سوره الانفطار، آیه ۷)

کسی که تو را آفرید و راست و بی‌عیب کرد.

ترتیب ذکر است. ﴿وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي...﴾ (سوره هود، آیه ۴۵)

و نوح پروردگارش را ندا داد و گفت : پروردگارا، پسر من از خانواده‌ام است.

اهداف کلی

- ۱ آموختن معنای نوزده کلمه جدید از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی یک متن به زبان عربی
- ۳ دوره ای بر آموخته های پیشین
- ۴ استسهاد به حدیث نبوی (رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ.) در زندگی و عمل به آن
- ۵ فهمیدن پیام متن درس

تحلیل درس

داستان درس با الهام از سخن پیغمبر اسلام ﷺ پیام ارزشمندی را به دانش آموز انتقال می دهد.

كَانَ نَجَّارًا وَصَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقِينَ. نَجَّارِي وَصَاحِبِ كَارِخَانِهِ اَي [با هم] دوست بودند.

فِي يَوْمٍ مِّنَ الْاَيَّامِ قَالَ النَّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ : در روزی از روزها، نَجَّار به صاحب کارخانه گفت :

«أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى التَّقَاعُدِ.» من به بازنشستگی نیاز دارم.

أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ : «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَنَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.»

صاحب کارخانه جواب داد : ولی تو در کارت ماهری و ما به تو احتیاج داریم ای دوست من.

النَّجَّارُ مَا قَبِلَ. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِضْرَارَهُ؛ قَبِلَ تَقَاعُدَهُ وَ طَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتِ خَسْبِي كَأَخِيرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ.

نَجَّار نپذیرفت (قبول نکرد). وقتی که صاحب کارخانه پافشاری اش (اصرارش) را دید، بازنشستگی اش را پذیرفت. (قبول کرد) و از او خواست به عنوان آخرین کار در کارخانه خانه ای چوبی بسازد.

ذَهَبَ النَّجَّارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْخَسْبِيِّ الْجَدِيدِ.

نَجَّار برای خریدن وسایل برای ساختن خانه چوبی جدید به بازار رفت.

هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَغَيْرَ مُنَاسِبَةٍ. او وسایل ارزان و غیر مناسب خرید.

وَبَدَأَ بِالْعَمَلِ؛ لِكَيْتَهُ مَا كَانَ مُجِدًّا وَ مَا كَانَتْ أَحْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.
و آغاز به کار کرد ولی بپشتکار (پرتلاش، جدی) نبود و چوب‌های خانه مرغوب نبود.
بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ وَقَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي».
پس از دو ماه نزد صاحب کارخانه رفت و به او گفت: «این آخرین کار من است».
جَاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَأَعْطَاهُ مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا وَقَالَ لَهُ:
صاحب کارخانه آمد و کلیدی طلایی به او داد و به وی گفت:
«هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ. هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً».
این کلید خانه‌ات است. این خانه هدیه‌ای به تو است؛ زیرا تو سال‌های بسیاری نزد من کار کردی.
نَدِمَ التَّجَارُ مِنْ عَمَلِهِ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ: «بِالْيَتْنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جِدًّا!»
نجار از کارش پشیمان شد و با خودش گفت: ای کاش، این خانه را خوب می‌ساختم. (خوب ساخته
بودم). در اینجا نباید به نون و قایه در «بِالْيَتْنِي!» یا معنای خاص «صَنَعْتُ» که ماضی استمراری یا ماضی بعید
است، اشاره کرد. صرفاً باید به معنای آن در مُعْجَم بسنده کرد. «بِالْيَتْنِي صَنَعْتُ» را فقط به‌عنوان یک واژه
جدید باید دید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ!» فرستاده خدا ﷺ فرمود (گفت):
خدا انسانی را رحمت کند که کاری را انجام دهد و آن را درست و محکم انجام دهد.
... خدا انسانی را رحمت کند که کاری را انجام داد و آن را درست و محکم انجام داد.
... خدا انسانی را رحمت کند که کاری را که انجام می‌دهد، آن را درست و استوار انجام دهد.
در این درس نیز بخش «بدانیم» وجود ندارد؛ زیرا نزدیک پایان کتاب است و هدف این است که در هفته‌های
پایانی سال مبحث جدیدی تدریس نشود. هدف این درس، متن خوانی و دوره مباحث مهم کتاب است.

تمرین‌ها

تمرین اول: با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

- ۱ قِيلَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ تَقَاعَدَ التَّجَارُ؛ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا. نادرست
- ۲ كَانَ التَّجَارُ مُجِدًّا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْحَسْبِيِّ. نادرست
- ۳ كَانَ الْبَيْتُ الْحَسْبِيُّ هَدِيَّةً لِلتَّجَارِ. درست
- ۴ مَا نَدِمَ التَّجَارُ مِنْ عَمَلِهِ. نادرست
- ۵ كَانَ التَّجَارُ مَاهِرًا. درست

هدف آموزشی تمرین، تقویت درک مطلب است. پنج دانش آموز جمله‌ها را می‌خوانند؛ سپس ترجمه می‌کنند و در پایان درستی یا نادرستی آن را مشخص می‌کنند.

تمرین دوم: هدف آن و شیوه انجام کار، همانند تمرین اول است. فرقی این است که در تمرین اول، باید درستی یا نادرستی جمله را معلوم کرد؛ ولی در تمرین دوم در یک یا دو کلمه پاسخ داد. بدیهی است که پاسخ کامل برای تمرین بهتر است؛ اما در امتحان کتبی و شفاهی به ویژه در شفاهی باید پاسخ کوتاه را پذیرفت؛ زیرا پاسخ کوتاه نه تنها صحیح است، بلکه به واقعیت نزدیکتر است.

۱ بعد كم شهر ذهب التجار عند صاحب المصنع؟

دانش آموز می‌تواند در متن درس این جمله را به عنوان جواب بگوید: «بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ». یا پاسخ دهد: «بَعْدَ شَهْرَيْنِ» در اینجا معلّم می‌تواند به فراگیر بگوید در «بَعْدَ شَهْرَيْنِ» به معنای «دو ماه» نیازی به عدد «اثنین» نیست؛ زیرا خود کلمه «شهرین» به معنای «دو ماه» است.

۲ هل كان صاحب المصنع بحاجة إلى التجار؟

پاسخ «نعم» کافی است؛ اما می‌توان پاسخ بلند نیز نوشت:
نعم؛ كان صاحب المصنع بحاجة إلى التجار.

در اینجا باید به دانش آموز آموزش داد که کافی است کلمه «هل» را بردارد و به جایش «نعم» یا «لا» بگذارد و بقیه جمله را رونویسی کند.

۳ من أعطى المفتاح الذهبى إلى التجار؟

صاحب المصنع. همین پاسخ کوتاه، کافی است. یا صاحب المصنع أعطى المفتاح الذهبى إلى التجار. امکان دارد دانش آموز این جمله را از درون متن به عنوان پاسخ ارائه دهد:

جاء صاحب المصنع وأعطاه مفتاحاً ذهبياً. در این صورت این پاسخ نیز درست است.

۴ أين ذهب التجار ليشراء الوسائل؟ إلى السوق. یا ذهب التجار إلى السوق ليشراء الوسائل.

۵ ماذا اشترى التجار لصنع البيت؟

وسائل رخيصة وغير مناسبة. یا وسائل رخيصة. یا هو اشترى وسائل رخيصة وغير مناسبة.

۶ لمن كان المفتاح الذهبى للتجار. یا كان المفتاح الذهبى للتجار.

تمرین سوم: کلمه خواسته شده را در هر مجموعه مشخص کنید.

در پاسخگویی به سؤال‌های این تمرین باید دلیل را از دانش آموز بخواهیم، تا معلوم شود تصادفی به پاسخ نرسیده است. این تمرین راهی مناسب برای ممارست در یادگیری واژگان کتاب است.

۲ جمع مذکر: أخشاب صيادين وسائل تفاعل

جمع مکسر حشَب، جمع مذکر صياد، جمع مکسر وسيلَة، مفرد مذکر

- ۲ جمع مؤنث : أوقات أصوات حَزِينَات أَيْبَات
جمع وقت (جمع مکسر)، جمع صوت (جمع مکسر)، جمع حَزِينَة (جمع مؤنث)، جمع بَيْت (جمع مکسر)
- ۳ جمع مکسر : فُسْتَان حَدِيقَتَانِ حَقِيبَة أَوْلَاد
فُسْتَان مفرد مذکر، حَدِيقَتَانِ مثنای مؤنث، حَقِيبَة مفرد مؤنث، أَوْلَاد جمع مکسر وُلْد
- ۴ مفرد مذکر : بَيْت سَمَكَة صَدِيقَة سَفِينَة
بَيْت مفرد مذکر است و بقیه کلمات مفرد مؤنث اند.
- ۵ مفرد مؤنث : مَصْنَع مُجَدِّبِین مِفْتَاح هَدِیَة
مصنع مفرد مذکر، مُجَدِّبِین مثنای مؤنث، مِفْتَاح مفرد مذکر هستند؛ ولی هدیه مفرد مؤنث است.
- ۶ مثنی مذکر : خُسرَان بُسْتَان فَلَاحَانِ نِسیَان
فَلَاحَانِ مثنای فَلَاح است و با برداشتن نشانه مثنی که علامتی «ان» است به مفرد مذکر تبدیل می شود؛
درحالی که با سه کلمه دیگر نمی توان چنین کرد؛ زیرا الف و نون در آخر آنها نشانه مثنی نیست و با برداشتن
الف و نون تبدیل به خُسر، بُست و نِسی می شوند که بی معنا هستند.
- ۷ مثنی مؤنث : أُخْتِینِ لِسَان مَوَاعِظ یَمِین
أُخْتِینِ یعنی دو خواهر و نشانه مثنای «ین» در انتهای آن دارد. لِسَان و یَمِین هر دو مفرد مذکر و مَوَاعِظ
جمع مکسر مَوَاعِظَة است.

تمرین چهارم : جمله های زیر را به فارسی ترجمه کنید، سپس زیر فعل ها خط بکشید.

۱- أَأَنْتَ عَرَفْتَنِّ أَوْلِيَّكَ الْبَنَاتِ؟	آیا شما آن دختران را شناختید؟
۲- أَنَا فَرِحْتُ مِنْ نَجَاحِ أَصْدِقَائِي.	من از موفقیت (قبولی) دوستانم خوشحال شدم.
۳- هُنَّ نَظَرْنَ إِلَى اللَّوْحَةِ الْجَمِيلَةِ.	آنها (ایشان) به تابلو زیبا نگاه کردند.
۴- هِيَ مَا ذَهَبَتْ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِهَا.	او به خانه مادر بزرگش رفت.
۵- أَنْتُمْ صَنَعْتُمْ كُرْسِيِّنِ خَشَبِيَّينِ.	شما (شما دو نفر) دو صندلی چوبی ساختید.
۶- أَنْتِ قَذَفْتِ شَبَكَةً لِصَيْدِ الْأَسْمَاكِ.	تو برای صید ماهی ها (ماهیگیری، صید ماهی) توری را انداختی.
۷- أَلْجَوُّ بَارِدٌ، فَلَبِسْنَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.	هوا سرد است و (پس) لباس هایی مناسب (لباس های مناسبی) پوشیدیم.

دانش‌افزایی برای دبیر

- ۱ أَتَقَنَ : تکمیل کرد، محکم کرد، استوار نمود، استحکام بخشید.
- ۲ أَجَابَ : جواب داد (يُجِيبُ، إِجَابَةٌ) أَجَابَ سَوَالَهُ. عَنِ سَوَالِهِ وَإِلَى سَوَالِهِ : به پرسش او پاسخ گفت. در عامیانه «جواب» به همین معناست.
- ۳ «أَخْرَجَ» که مؤنثش «أَخْرَجَةٌ» است؛ یعنی «پایان» و در فارسی، اغلب «أَخْرَجَ» گفته می‌شود؛ اما واژه «أَخْرَجَ» که مؤنثش «أَخْرَجِي» است در عربی به معنای «دیگر» می‌باشد.
- ۴ أَعْطَى (داد، بخشید) يُعْطِي، إِعْطَاءٌ، فعل امر أَنْ أَعْطِ است. إِعْطَاءٌ، إِيْتَاءٌ، مَنَحٌ وَهِمَّةٌ مترادف‌اند. أَعْطَى در گویش‌های عامیانه و گاهی در فصیح به صورت أَنْطَى به کار می‌رود. (أَنْطَيْنَاكَ = أَعْطَيْنَاكَ) مثلاً در گویش عراقی «إِنْطِينِي» یعنی «أَعْطِنِي»
- ۵ سَنَةٌ و عام مترادف‌اند. جمع سَنَةٌ افزون بر سَنَوَاتٌ به صورت سِنِين (سِنُونٌ) نیز به کار می‌رود.
- ۶ لَمَّا، عِنْدَمَا و حَيْثَمَا مترادف‌اند.
- ۷ «جَيِّدًا» به معنای «خوب» است. در گویش عراقی «زَيْنٌ» و در حجازی «كُوَيْسٌ» و در شامی «مُنِيحٌ» معادل «جَيِّدًا» است.
- ۸ «رَأَى» و «شَاهَدَ» مترادف‌اند. فعل «رَأَى» که «رَأَى» نیز نوشته می‌شود به صورت «رَأَا» خوانده می‌شود. در گویش عراقی و حجازی «شَاف» به همین معناست. مضارع «رَأَى» می‌شود: «يَرَى». فعل امر آن یعنی «رَا» در صورتی کاربرد دارد که با هاء سَنَكْت «رَا» یا ضمیر متصل به کار برود که آن هم نادر است.
- ۹ «لَيْسَ» به معنای «نیست» مضارع ندارد. در گویش عراقی و حجازی «مو» معادل آن است. لَيْسَ مَوْجُودًا. ← مو موجود. در گویش شامی «مُس» به کار می‌رود؛ مثال: لَيْسَ مُمَكِّنًا : مُسٌ مُمَكِّنٌ.

اهداف کلی

- ۱ آشنایی با معنای عربی به فارسی ۲۳ واژه جدید
- ۲ روان خوانی یک متن کوتاه به زبان عربی
- ۳ آموزش نام روزهای هفته
- ۴ آموزش نام چهار فصل سال
- ۵ آموزش نام رنگ‌های معروف بر وزن أَفْعَل
- ۶ تکرار آموخته‌های پیشین

تحلیل درس

الْأَيَّامُ وَالْفُصُولُ وَالْأَلْوَانُ: روزها، فصل‌ها و رنگ‌ها

الْمُدْرَسُ: ما أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ؟

معلم: روزهای هفته چیست؟

توضیح: جمله «ما هي أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ؟» نیز درست است. جمع آن «أَسَابِيع» است.

الطَّالِبُ: يَوْمُ السَّبْتِ، الْأَحَدَ، الْإِثْنَيْنِ، الثَّلَاثَاءِ، الْأَرْبَعَاءِ، الْخَمِيسِ، الْجُمُعَةَ.

دانش‌آموز: روز شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه

توضیح: برای جمع روزهای هفته می‌توانیم در ابتدای آنها واژه «أَيَّامُ» بیاوریم؛ مانند: «أَيَّامُ الْإِثْنَيْنِ».

الْمُدْرَسُ: وَمَا فُصُولُ السَّنَةِ؟

معلم: و فصل‌های سال چیست؟ «وَمَا هي فُصُولُ السَّنَةِ؟» نیز درست است.

الطَّالِبُ: الرَّبِيعُ وَالصَّيْفُ وَالْحَرِيفُ وَالسَّاءُ.

دانش‌آموز: بهار، تابستان، پاییز و زمستان

توضیح: در زبان عربی به جای ویرگول حرف «و» می آید.

الْمُدْرَسُ : نَحْنُ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَفَصْلٍ؟

معلم: ما در کدام روز و فصل هستیم؟

الطَّالِبُ : الْيَوْمُ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ وَالْفَصْلُ فَصْلُ الرَّبِيعِ.

دانش آموز: امروز روز چهارشنبه است و فصل، فصل بهار می باشد.

الْمُدْرَسُ : كَيْفَ الْجَوُّ فِي كُلِّ فَصْلٍ؟

معلم: در هر فصل هوا چگونه است؟

الطَّالِبُ : الْجَوُّ فِي الرَّبِيعِ مُتَعَدِّلٌ. وَهُوَ فَصْلُ الْجَمَالِ وَالْحَيَاةِ الْجَدِيدَةِ.

وَالصَّيْفُ حَارٌّ وَفَصْلُ الْفَوَاكِهِ اللَّذِيذَةِ

وَالخَرِيفُ لَا حَارًّا وَلَا بَارِدًا وَفَصْلُ سُقُوطِ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ وَالسَّيْفِ بَارِدٌ.

دانش آموز: هوا در بهار میانه (معتدل) است و بهار فصل زیبایی و زندگی نوین (جدید) می باشد.

و تابستان گرم است و فصل میوه های خوشمزه (لذیذ) می باشد.

و پاییز نه گرم است و نه سرد و فصل افتادن (سقوط) برگ های درختان می باشد و زمستان سرد است.

الْمُدْرَسُ : مَا الْأَلْوَانُ؟

معلم: رنگ ها چیستند؟ (کدامند)

الطَّالِبُ : الْأَسْوَدُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ وَالْأَخْضَرُ وَالْأَزْرَقُ وَالْأَصْفَرُ.

دانش آموز: سیاه، سفید، سرخ، سبز، آبی و زرد

توضیح: برخی دبیران دوست دارند مؤنث کلمات (الْأَسْوَدُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ وَالْأَخْضَرُ وَالْأَزْرَقُ

وَالْأَصْفَرُ) را برای دانش آموز ذکر کنند و بگویند: السَّوَدَاءُ، الْبَيْضَاءُ، الْحَمَاءُ، الْخَضْرَاءُ، الزَّرْقَاءُ وَالصَّفْرَاءُ.

در این صورت نباید در امتحان آنها را از دانش آموز بخواهند؛ زیرا از اهداف کتاب نیست.

الْمُدْرَسُ : مَا الْمِثَالُ لِهَذِهِ الْأَلْوَانِ؟

معلم: مثال برای این رنگ ها چیست؟

الطَّالِبُ : الْغُرَابُ أَسْوَدٌ وَالسَّحَابُ أبيضٌ وَالثُّمَانُ أَحْمَرٌ وَالشَّجَرُ أَخْضَرٌ وَالْبَحْرُ أَزْرَقٌ وَالْمَوْزُ أَصْفَرٌ.

دانش آموز: کلاغ، سیاه است و ابر سفید و انار سرخ و درخت سبز و دریا آبی و موز زرد.

الْمُدْرَسُ : مَا أَلْوَانُ عِلْمِ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟

معلم: رنگ های پرچم جمهوری اسلامی ایران چیست؟

توضیح: دو واژه «عِلْمٌ» جمع آن «أَعْلَامٌ» و «رَايَةٌ» جمع آن «رَايَاتٌ» مترادف اند.

ترجمه «جمهوری اسلامی ایران» علاوه بر «الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ» به شکل «جُمْهُورِيَّةِ إِيْرَانِ

الْإِسْلَامِيَّةِ» نیز درست است.

الطَّالِبِ : الْأَخْضَرُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ. دانش آموز : سبز، سفید و سرخ

این درس قاعده جدیدی ندارد؛ اما فعل ماضی، ضمیر، اسم اشاره و اسم مثنی و جمع در تمریناتش تکرار شده است. در سال‌های آینده این تکرار همچنان ادامه دارد؛ زیرا از دیرباز گفته‌اند :
«الْدَّرْسُ حَرْفٌ، وَالتَّكْرَارُ أَلْفٌ».

برای یادگیری روزهای هفته و نام فصل‌ها و نام رنگ‌ها کلیپ‌هایی وجود دارد. رنگ‌های «أَسْوَدٌ، أَحْمَرٌ، أَرْزَقٌ، أَخْضَرٌ، أَبْيَضٌ وَ أَصْفَرٌ» مذکرند و شکل مؤنث آنها چنین است :
سَوْدَاءٌ، حَمْرَاءٌ، زَرْقَاءٌ، خَضْرَاءٌ، بَيْضَاءٌ وَ صَفْرَاءٌ.

دانستن علت این تغییر در کتاب عربی سال اول فعلاً ضرورت ندارد. نیازی نیست دانش آموز بداند کلمات بر وزن فعلاء مؤنث‌اند؛ اما اگر سؤال کرد، می‌توانید از این مثال‌ها برای تفهیم بهتر استفاده کنید :
هَذَا الْجَبَلُ الْأَخْضَرُ جَمِيلٌ. هَذِهِ الْجَزِيرَةُ خَضْرَاءٌ.

آن‌گاه توضیح دهید که جَبَلٌ مذکر است؛ زیرا نشانه «ة» ندارد و با اسم اشاره «هذا» به آن اشاره شده و صفتش «أَخْضَرٌ» است که شکل رنگ سبز می‌باشد.

اما «جزیره» مؤنث است؛ زیرا نشانه «ة» دارد و با اسم اشاره «هذه» به آن اشاره شده و صفتش «خضراء» است که شکل مؤنث رنگ سبز می‌باشد.

این تمرین برای این قاعده مناسب است :

اکنون شما جمله زیر را ترجمه کنید.

السَّمَاءُ الزَّرْقَاءُ وَالْقَرْيَةُ الْخَضْرَاءُ جَمِيلَتَانِ.

هدف آموزشی درس این است که دانش‌آموز بتواند نام روزهای هفته را به زبان عربی و به ترتیب از حفظ بگوید. همچنین نام چهار فصل سال و شش رنگ اصلی را مانند روزهای هفته از حفظ بیان کند؛ درست است که «ساختن» از اهداف کتاب نیست؛ اما این پاسخ را به معنای «ساختن» تلقی نکنید.

در مکالمه نیز می‌توان چنین سؤالاتی از دانش‌آموز پرسید :

ما لونُ السماء؟ ما لونُ الرَّمَان؟ ما لونُ البحر؟

هَلِ الْيَوْمُ أَرْبَعَاءُ؟ فِي أَيِّ يَوْمٍ نَحْنُ؟ مَا اسْمُ الْيَوْمِ الْأَوَّلِ فِي الْأَسْبُوعِ؟

أَيُّ فَصَلٍ بَارِدٌ؟ أَيُّ فَصَلٍ حَارٌّ؟

روان خوانی نیز مانند همیشه از اهداف اصلی همه درس‌های کتاب است.

تمرین‌ها

تمرین اول

۱. أَمْسِ كَانِ يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ. فَالْيَوْمِ يَوْمٌ
دیروز روز سه‌شنبه بود. پس، امروز روز چهارشنبه است.
۲. أَلْيَوْمِ يَوْمِ السَّبْتِ وَعَدَا يَوْمٌ
امروز روز شنبه و فردا روز یکشنبه است.
۳. أَوَّلُ الْفُصُولِ فَضْلٌ
اول فصل‌های سال، فصل بهار است.
۴. أَلْسَنَاءُ فَضْلٌ
زمستان فصلی سرد است. (زمستان فصل سردی است.)
- الْحَمِيسِ الأربَعاءِ
- الأحدِ الإثنينِ
- الرَّبِيعِ الخريفِ
- حارٌّ باردٌ

تمرین دوم

۱. لَوْنُ السَّحَابِ أَيْضٌ. رنگ ابر سفید است.
۲. لَوْنُ الْأَوْراقِ أَخْضَرٌ. رنگ برگ‌ها سبز است.
۳. لَوْنُ الْغُرَابِ أَسْوَدٌ. رنگ کلاغ سیاه است.
۴. لَوْنُ الرُّمَانِ أَحْمَرٌ. رنگ انار سرخ است.
۵. لَوْنُ السَّمَاءِ أَرْزَقٌ. رنگ آسمان آبی است.
۶. لَوْنُ المَوْزِ أَصْفَرٌ. رنگ موز زرد است.

تمرین سوم : ضمیر مناسب را برای موارد خواسته شده مشخص کنید.

۱. هُوَ لَاءِ الرِّجَالِ. = هُمْ «هُوَ لَاءِ الرِّجَالِ» جمع مذکر است؛ پس ضمیر «هُم» مناسب است.
۲. هَذَا الرِّجُلُ. = هُوَ «هَذَا الرِّجُلُ» مفرد مذکر است؛ پس ضمیر مناسب «هُوَ» می‌باشد.
۳. أَوْلِيكَ البَنَاتُ. = هُنَّ «أَوْلِيكَ البَنَاتُ» جمع مؤنث است؛ پس ضمیر مناسب «هُنَّ» می‌باشد.
۴. يَا وِلْدَانِ. = أَنْتُمْ «يَا وِلْدَانِ» مثنای مذکر در حالت خطاب است و حرف «یا» به معنای «ای» بر سر آن است؛ پس ضمیر مناسب «أَنْتُمْ» می‌باشد.
۵. أَيُّهَا النِّسَاءُ. = أَنْتُنَّ «أَيُّهَا النِّسَاءُ» جمع مؤنث در حالت خطاب است؛ پس ضمیر مناسب «أَنْتُنَّ» می‌باشد.
۶. يَا بَنَاتِ. = أَنْتُمْ «يَا بَنَاتِ» مثنای مؤنث در حالت خطاب همراه حرف ندای «یا» است؛ پس ضمیر مناسب «أَنْتُمْ» می‌باشد.

- ۷ تِلْكَ الْمَرَأَةُ = هي تِلْكَ الْمَرَأَةُ. مفرد مؤنث است؛ پس ضمیر مناسبش «هي» می باشد.
- ۸ يَا بِنْتُ. = أَنْتِ ضمیر مناسبش «أنتِ» می باشد.
- ۹ أَيُّهَا الرِّجَالُ. = أَنْتُمْ جمع مذکر درحالت خطاب همراه «أَيُّهَا» است؛ پس ضمیر مناسبش «أنتُمْ» می باشد.
- ۱۰ يَا وَالدُّ. = أَنْتَ مفرد مذکر درحالت خطاب همراه حرف ندای «يا» است؛ پس ضمیر مناسبش «أنت» می باشد.

تمرین چهارم : شناسه های مناسب در نقطه چین بگذارید. (ت، ت، ث، ث، ا، تا، وا، ن، ثما، ثم، تُن، نا)

- ۱ أَنْتِ صَنَعْتِ حَقِيْبَةً.
- ۲ أَنَا نَدِمْتُ مِنْ أَعْمَالِي.
- ۳ هِيَ سَلِمْتُ مِنَ الْخَطَرِ.
- ۴ هُمْ سَمَحُوا لِي بِالْكَلامِ.
- ۵ أَأَنْتُمْ كَتَبْتُمْهَا وَاجِبَاتِكُمْ؟
- ۶ نَحْنُ قَبِلْنَا هَدِيَّتَهُ أَمْسِ.
- ۷ أَأَنْتَ مَا حَصَدْتَ الْمَحْصُولَ؟
- ۸ هُنَّ بَحَثْنَ عَنِ اللّوْنِ الْأَصْفَرِ.
- ۹ أَنْتَنْ مَا رَجَعْتَنْ مِنَ الْبُسْتَانِ.
- ۱۰ أَنْتُمْ مَا صَعِدْتُمْ ذَلِكَ الْجَبَلَ الْأَخْضَرَ.
- ۱۱ هُذَانِ وَلدَانِ. هُمَا رَفَعَا الْعِلْمَ الْأَحْمَرَ.
- ۱۲ هَاتَانِ بِنْتَانِ. هُمَا ذَهَبَتَا عِنْدَ مُعَلِّمَتَيْهِمَا.

جدول خلاصه درس ۴ تا ۱۰

ضمیرهای منفصل و متصل و فعل های ماضی در دو چینش در انتهای کتاب «عربی، زبان قرآن» پایه هفتم نهاده شده است. جدول ها به اندازه کافی رسا و گویا هستند. این جدول ها برای مطالعه دانش آموزند. هدف این است که آنچه را دانش آموز تاکنون خوانده است، یکجا ببیند.

چینش اول فعل و ضمیر بر اساس روش بومی سازی است.

چینش دوم بر اساس روش موجود در کتب صرف است.

روش سومی نیز در چینش فعل و ضمیر وجود دارد؛ به این صورت :
هو و هی/ هُما و هُما/ هُم و هُنَّ/ أَنْتَ و أَنْتِ/ أَنْتُما و أَنْتُمَا/ أَنْتُمْ و أَنْتُنَّ/ أَنَا/ نَحْنُ
در روش سوم پس از مذکر، مؤنث ذکر می‌شود. به عبارت دیگر مذکر و مؤنث در کنار هم صرف می‌شوند.
کتاب‌های عربی دهه ۸۰ کشور براساس روش سوم بود.

حال سؤال این است کدام روش بهتر است؟
پاسخ این است که روشی بهتر است که دانش‌آموز ایرانی بهتر بیاموزد.

روش بومی‌سازی آموزش فعل و ضمیر موفق‌تر از روش مرسوم در کتب صرفی است؛ اما اشکالی ندارد
که در پایان سال، پس از یادگیری روش بومی‌سازی، روش مرسوم در کتب صرفی معرفی شود.
مهم این است که دانش‌آموز ساده‌تر و بهتر مطلب را بیاموزد.

دانش‌افزایی برای دبیر

۱ جمع «السَّبَبَت» دو واژه «السَّبَبَت» و «سُبُوت» است.

«أَيَّامُ السَّبَبَت» نیز به معنای «روزهای شنبه» یا «شنبه‌ها» می‌باشد.

واژه «سَبَبَت» در عربی و «شنبه» در فارسی هر دو از واژه «سَبَبَت» به معنای «استراحت» در زبان عبری
برگرفته شده است؛ زیرا شنبه روز استراحت و تعطیل نزد قوم یهود بوده است. «سَبَبَت» در گذر زمان نون
و قایه گرفته است؛ مانند تُبَاکو (Tobacco) که «تَبَاکو» شده است.

۲ جمع «أَحَد» دو واژه «أَحَاد» و «أُحُود» است؛ اما برخی بر این باورند که «الأحد : یکشنبه» جمع ندارد.

أَحَد : چند معنا دارد. یک، یکتا، یگانه یکی از، بی مانند.

«أَحَدُ النَّاسِ : یکی از مردم»

اصل آن «وَحَد» بوده که واو آن به همزه بدل شده است.

مؤنث «أَحَد» واژه «إِحْدِي» می‌باشد؛ اما «أَحَد» گاهی بر مؤنث نیز دلالت دارد؛ مثال :

(لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ) خطاب به زنان پیامبر اسلام ﷺ مانند کسی از زنان نیستید.

مؤنث «أَحَد» یعنی «إِحْدِي» در عدد نیز کاربرد دارد؛ مثال : إِحْدِي وَعِشْرُونَ، إِحْدِي عَشْرَةَ.

۳ «الْإِثْنَيْنِ» یعنی «دو» که همزه آن وصل است و «الْإِثْنَيْنِ» یعنی «دوشنبه» که همزه اش قطع است. جمع

مکسر آن «اثنان» می‌باشد و «اثناء» نیز به کار رفته است.

معمولاً مثنی و جمع آن به صورت «يَوْمَا الْإِثْنَيْنِ» و «أَيَّامُ الْإِثْنَيْنِ» کاربرد دارد.

۴ «الثَّلَاثَاء» مذکر و مؤنث است و جمع آن «الثَّلَاثَاوَات» و «الْأَثَالِث» می‌باشد.

۵ چهارشنبه سه تلفظ دارد: «الْأَرْبَعَاءُ وَالْأَرْبَعَاءُ وَالْأَرْبَعَاءُ».

مثائش به صورت «أَرْبَعَاوَانِ» و جمعش «أَرْبَعَاوَاتٍ» به کار رفته است. معمولاً جمع آن به صورت «أَيَّامُ الْأَرْبَعَاءِ» به کار می‌رود.

۶ جمع «الْخَمِيسِ» به چند صورت به کار رفته است: (أَخْمِيسَةٌ، خُمْسَانُ، أَخْمَاسُ، خُمْسٌ و أَخْمِيسَاءٌ) معمولاً جمع آن به صورت «أَيَّامُ الْخَمِيسِ» به کار می‌رود.

۷ «الْجُمُعَةُ» و «الْجُمُعَةُ» هر دو درست است. جمع آن «جُمُوعٌ» و «جُمُعاتٌ» می‌باشد که در کتاب به کار نرفته است. معمولاً جمع آن به صورت «أَيَّامُ الْجُمُعَةِ» به کار می‌رود. روز جمعه را در زبان پارسی «آدینه» می‌گویند.

۸ با نام دیگر رنگ‌ها آشنا شوید:

أَشْفَرُ (مَوْتٌ : شَفْرَاءُ) : بور / بُرْتَقَالِيّ : نارنجی / بَنْفَسَجِيّ : بنفش / حُمُصِيّ : کِرم (نخودی) / فَصِيّ : نقره‌ای / كُحْلِيّ : سُرْمه‌ای / بَيّْیّ : قهوه‌ای (در لهجه محلی عراق : جَوَزي) / وَرْدِيّ : زهری / صورتی (برخی بین وَرْدِيّ و زهری فرق می‌گذارند. / زَمَادِيّ : خاکستری / رِصَاصِيّ : نوک مدادی / أَحْمَر غامِق : زرشکی / لَازَوْرْدِيّ : لاجوردی / أَرْجَوَانِيّ : ارغوانی / كَسْتَنَائِيّ : بلوطی / فَسْتَقِيّ : مغزیسته‌ای / حَلِيبِيّ : شیری / تُرَابِيّ : خاکی / بَيْج : یز / ذَهَبِيّ : طلائی

لَوْن قَائِم، لَوْن غَامِق، رَنگ تیره، پَر رَنگ / لَوْن فَاتِح : رَنگ روشن

۹ «دبروز» به عربی فصیح می‌شود: «أَمْسِيسٌ» و به گویش محلی عربی می‌شود: «الْبَارِحَةَ» و «الْبَارِحَةَ بِاللَّيْلِ» یعنی «دیشب».

۱۰ ترجمه «فردا» به عربی فصیح «عَدَاءً» است؛ اما به گویش عراق «بَاجِر»^۲ و به گویش عربستان «بُكْرِيّ» و به گویش شامی «بَكْبِير» می‌شود.

۱۱ معادل «امروز» در عربی «الْيَوْم» است که به معنای «روز» نیز می‌تواند باشد و تشخیص معنای آن تنها در جمله امکان‌پذیر است. در گویش مصری «النَّهَارَدَه» به معنای «امروز» است. واژه «نَهَار» به معنای «روز هنگام» است و نباید کلمه «ناهار» به معنای «خوراک نیم‌روز» در فارسی را با «نَهَار» در عربی اشتباه کرد.

۱۲ «غُرَاب» چند جمع مکسر دارد: «غُرْبَان، غُرْب، غُرْبَان، أَعْرِبَةٌ» و جمع الجمع آن «غُرَابِين» است.

۱- الزَّهْرِيّ (بالإنجليزية : pink) اللَّوْنُ الزَّهْرِيُّ يَخْتَلِفُ عَنِ اللَّوْنِ الْوَرْدِيِّ، فَهُوَ عِبَارَةٌ عَنِ الْأَلْوَانِ الْمُنْحَصِرَةِ بَيْنَ الْأَحْمَرِ الْمَائِلِ لِلزَّرْقَةِ (الأرجواني) والأحمر ذو السطوح العالي والتشعب ما بين المنخفض والمعتدل.

۲- در گویش عراقی رنگ تیره یا پررنگ را «طُوخ» می‌گویند.

«طُوخ» را برای «جای پررنگ» نیز به کار می‌برند؛ مثال: «جای طُوخ».

۳- «بَاجِر» دگرگون شده «بَاکِر» است.

ابتسامات

یکی از راه‌های تقویت متن خوانی دانش‌آموزان، قرائت متون کوتاه است؛ متونی مانند :
 لطیفه، آیا می‌دانید که ... ، داستان کوتاه، شعر ساده، کاریکاتور
 گاهی زیباترین لطیفه را شخصی بیان می‌کند؛ اما لبخندی بر لبان کسی ظاهر نمی‌شود؛ زیرا لطیفه گفتن
 زمان و مکان مناسب می‌خواهد و گوینده آن نیز باید در آن لحظه خندان باشد.
 یافتن متون مناسب برای پایه هفتم بسیار دشوار است؛ هرچه پایه بالاتر برود کار ساده‌تر می‌شود.
 لطیفه از جذاب‌ترین متونی است که می‌توان در اختیار دانش‌آموز نهاد تا مهارت متن خوانی اش تقویت
 شود.

لطیفه اول : ۱

الأوّل : أَرَأَيْتَ تِلْكَ التَّمَلَّةَ فَوْقَ الْجَبَلِ؟
 الثّاني : لا؛ ما رَأَيْتُ. لَكِنِّي سَمِعْتُ صَوْتَ أَقْدَامِهَا.

لطیفه دوم : ۲

الوالدةُ : هَلْ عَسَلَتِ السَّمَكَةَ جَيِّدًا؟ الطّفلُ : لا؛ ما عَسَلْتُهَا.
 الوالدةُ : لِمَاذَا ما عَسَلْتُهَا؟! الطّفلُ : لِإِنَّ السَّمَكَةَ فِي الْمَاءِ كُلِّ عُمُرِهَا.

لطیفه سوم : ۳ (جوارٌ في المطبخ)

الطّفلُ : يا وَاَلِدِي، أَنَا رَأَيْتُ سَارِقًا فِي التَّلْفُزِيُونِ.
 الوالدةُ : ماذا فَعَلْتَ يا وَاَلِدِي؟
 الطّفلُ : ضَرَبْتُهُ بِالْحَسَبِ.

۱- اولی : آیا آن مورچه را بالای کوه دیدی؟

دومی : نه؛ ندیدم؛ ولی صدای پاهایش را شنیدم.

۲- مادر : آیا ماهی را خوب شستی؟ دختر کوچک : نه؛ نشستم.

مادر : چرا آن را نشستی؟ دختر کوچک : چون ماهی همه عمرش را در آب بوده است.

۳- گفت وگویی در آشپزخانه

کودک : بابا، من دزدی را در تلویزیون دیدم.

پدر : چه کار کردی ای پسرم؟

کودک : با چوب او را زدم.

لطیفه چهارم : ۱

الأخ الصغير: مَنْ هُوَ «كورش»؟ الأخ الكبير: هُوَ شاعِرٌ. الأم: لا؛ هُوَ مَلِكٌ.
 الأخ الصغير: أَيْنَ مَدِينَةُ «دزفول»؟ الأخ الكبير: إِنَّهَا فِي بوشهر. الأم: لا؛ إِنَّهَا فِي خوزستان.
 الأخ الصغير: كَمْ عَدَدُ مُدُنِ إِيْرَانِ؟ الأخ الكبير: تَقْرِيْباً سَبْعُونَ مَدِينَةً. الأم: لا؛ أَكْثَرُ مِنْ أَلْفِ مَدِينَةٍ.

الأخ الصغير: هَلِ السَّمَاءُ رَزَقَاءُ حَقِيْقَةً؟ الأخ الكبير: نَعَمْ. الأم: لا؛ لَيْسَتْ رَزَقَاءُ فِي الْحَقِيْقَةِ.
 الأخ الصغير: لِمَنْ هَذِهِ الصَّوْرَةُ؟ الأخ الكبير: هَذِهِ صَوْرَةُ فِرْدَوْسِيٍّ. الأم: لا؛ هَذِهِ صَوْرَةُ الرَّازِيٍّ.
 الأخ الصغير: مَاذَا فِي الْقَمَرِ؟ الأخ الكبير: فِيهِ (?)
 حَيْثُ قَطَعْتَ الْأُمَّ الْجَوَارِ بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ وَ طَلَبْتَ السُّكُوْتِ مِنَ الْوَلَدِ الصَّغِيْرِ.
 لِكَيْ الْوَلَدِ الْكَبِيْرِ قَالِ لَوَالِدَتِيهِ: «عَفْواً؛ يَا أُمِّي، دَعِيهِ يَسْأَلُنِي. لِكَيْ يَتَعَلَّمَ».

۱- پسر کوچک: «کورش کیست؟»

پسر بزرگ: او شاعر است.

مادر: نه؛ او پادشاه است.

پسر کوچک: شهر دزفول کجاست؟

پسر بزرگ: در بوشهر است.

مادر: نه؛ در خوزستان است.

پسر کوچک: تعداد شهرهای ایران چند تا است؟

پسر بزرگ: تقریباً هفتاد شهر.

مادر: نه؛ بیشتر از هزار شهر است.

پسر کوچک: آیا آسمان به راستی آبی است؟

پسر بزرگ: بله.

مادر: نه؛ به راستی آبی نیست.

پسر کوچک: این عکس کیست؟

پسر بزرگ: این عکس فردوسی است.

مادر: نه؛ این عکس رازی است.

پسر کوچک: در ماه چه چیزی وجود دارد؟

پسر بزرگ: در آن ...

مادر گفت و گوی بین دو برادر را قطع کرد و از پسر کوچک خواست که ساکت شود.

ولی پسر بزرگ {با تعجب} به مادرش گفت: «بیخشید؛ مادرم، به او اجازه بده از من سؤال کند تا یاد بگیرد».

اهداف کلی برنامه درسی عربی در حوزه عناصر و عرصه‌ها

عناصر/ عرصه‌ها	خود	خدا	خلق	خلقت
تعقل (تفکر)	تدبیر، پندآموزی، درست‌اندیشی، نیروی حل مسئله در مسائل واژگانی و زبانی و تقویت تفهیم و تفهیم	باور اینکه یکی از اسباب نزول قرآن به زبان عربی تعقل است. (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) ^۱	تقویت فهم متن و آثار مؤلفان کهن و امروزی و آثار ادبی مزین به واژگان، اصطلاحات و ترکیبات عربی	نگاه مسئولانه به طبیعت
ایمان	علاقه به زبان عربی و باور اینکه زبانی غنی است و درک بهتر قرآن و متون دینی و زبان و ادبیات فارسی در سایه یادگیری زبان عربی فراهم می‌شود.	دوست داشتن زبان عربی به عنوان زبان قرآن (وَأِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ) ^۲	ایجاد علاقه به زبان عربی به عنوان زبان نخست جهان اسلام و یکی از هفت زبان بین‌المللی و زبانی دارای ادبیات زیبا و ارزشمند	علاقه‌مندسازی فراگیران به آثار کهن ادبی ایرانی که به زبان عربی نوشته شده است.
علم	کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی از راه یادگیری زبان عربی و آگاهی از نقش مهم زبان عربی در زندگی یک شهروند ایرانی در انجام تکالیف دینی	یادگیری زبان عربی به منظور آشنایی بهتر با زبان وحی و درک عمیق قرآن و متون دینی، احادیث، ادعیه و روایات	آگاهی از جایگاه زبان عربی در ارتباط با سایر کشورهای مسلمان به ویژه اینکه زبان رسمی ۲۲ کشور مسلمان عربی است.	شناخت زیبایی و توانمندی زبان عربی به عنوان یکی از ساخته‌های شگفت‌انگیز خلقت
عمل	تقویت مهارت سخن گفتن در حد عبارات ساده، پرکاربرد و ضروری به ویژه در سفرهای زیارتی	تواناسازی مهارت روان‌خوانی قرآن، ادعیه، احادیث، روایات و متون اسلامی و متون فارسی مزین به کلمات، عبارات و مصطلحات عربی	تقویت مهارت زبانی شنیدن و سخن گفتن برای ایجاد ارتباط با مسلمانان و نیز در نقش زبان بین‌المللی	مشاهده آثار فرهنگ و تمدن اسلامی مانند مراقد و اماکن متبرکه و توانایی بهره‌بری بهینه زبانی
اخلاق	ارزش‌گذاری به عربی به‌عنوان زبان نخست جهان اسلام و زبانی که فارسی با آن درآمیخته است و ترویج حسنات با گزینش عبارات و متون مناسب عربی	تلاش در جهت انجام کارهایی که خشنودی خدا در آن است به وسیله گزینش عبارات و متون مناسب	ارزش نهادن به تواناسازی فرد در کسب مهارت‌های چهارگانه زبانی	باور اینکه فارسی زبانی توانمند است که با بهره‌گیری از واژگان عربی توانا تر شده و در سایر زبان‌ها از جمله عربی نیز پدیده‌واژه‌ستانی و واژه‌دهی وجود دارد.

۱- سوره یوسف آیه ۲

۲- سوره شعراء آیات ۱۹۲ تا ۱۹۵

شبکه مفهومی کتاب‌های عربی، زبان قرآن دوره اول متوسطه

پایه موضوع	هفتم	هشتم	نهم
<p>۱- واژه‌هایی مانند کاتب، مکتوب، مکتبه، مکتب و مکاتبه که یک مدخل واژگانی مشترک دارند؛ در شمارش واژگان چند واژه به شمار می‌آیند؛ حتی در صورتی که قواعد مربوط به آنها را دانش آموز فراگرفته باشد.</p> <p>۲- از آنجا که ترجمه فارسی به عربی مدنظر در تألیف و بارم‌بندی نیست؛ این تعداد واژه مناسب است.</p> <p>۳- تعداد کل واژگان سه پایه متوسطه اول نزدیک به ۸۲۰ واژه است.</p> <p>۴- واژگان مشترک دو زبان به‌عنوان واژگان جدید محسوب نمی‌شوند؛ مانند:</p> <p>کتاب، دفتر، قلم، مدرسه، معلم، مسجد، داخل، خارج و</p> <p>۵- واژگانی مانند عامل که در هر دو زبان به کار می‌رود؛ ولی معنای متفاوت از هم دارند و در کتاب درسی به معنای «کارگر» می‌آید واژگان جدید به‌شمار می‌آید.</p> <p>۶- در گزینش واژگان به پرسیامد بودن آن در قرآن، متون اسلامی و زبان و ادبیات فارسی توجه لازم می‌شود.</p> <p>۷- واژه‌های ساده‌ای مانند (و، ف، ل، ب، ی، فی، من، لا و ...) که پیش از این در دوره دبستان در کتاب‌هایی مانند قرآن خوانده شده‌اند؛ در شمارش واژگان محسوب می‌شوند.</p> <p>۸- در گزینش واژگان از به کارگیری واژگان کم کاربرد خودداری می‌شود.</p> <p>۹- واژه‌های استفاده‌شده به اندازه کافی در دروس مختلف یک پایه و نیز در پایه‌های بعد تکرار می‌شوند، تا ملکه ذهن دانش‌آموز شود.</p>			
قواعد	<ul style="list-style-type: none"> - اسم اشاره^۱ - اسم از نظر عدد و جنس^۲ - ادوات استفهام^۳ - ضمائر منفصل و متصل^۴ - فعل ماضی^۵ - اعداد اصلی یک تا دوازده^۶ 	<ul style="list-style-type: none"> - فعل مضارع و منفی آن^۷ - فعل مستقبل^۸ - وزن و ریشه^۹ - بقیه ادوات استفهام (لماذا، متى، کیف)^{۱۰} - اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم^{۱۱} - معادل داشتن (عدد) 	<ul style="list-style-type: none"> - وزن و حروف اصلی - فعل امر - فعل نهی^{۱۲} - معادل ماضی استمراری در عربی - ترکیب اضافی و وصفی^{۱۳} - ساعت خوانی
متون	<ul style="list-style-type: none"> - رنگ‌های اصلی، - روزهای هفته، - فصل‌ها - داستان کوتاه - آیات قرآن و احادیث - متون دینی 	<ul style="list-style-type: none"> - داستان کوتاه، - آیات قرآن و احادیث - متون دینی 	<ul style="list-style-type: none"> - شعر - داستان کوتاه - در سفر - آیات قرآن و احادیث - متون دینی

۱- اسم اشاره به نزدیک و دور همراه مشا'الیه تدریس می‌شود. اسم اشاره مثنای دور تدریس نمی‌شود.

۲- مفرد، مثنی و جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم، جمع مکسر (اوزان پرکاربرد) و در بحث جنس تنها به «تاء تأنیت» اشاره می‌شود.

۳- هل، این، من، ما (بقیه کلمات پرششی در پایه هشتم تدریس می‌شود).



-
-
- ۴- شناخت و تشخیص ضمائر کافی است. توانایی به کارگیری آنها هدف آموزشی نیست.
- ۵- هدف شناخت و تشخیص فعل ماضی است و ساخت آن مدّنظر نیست.
- ۶- آموزش اعداد اصلی و ترتیبی در قالب واژه‌های جدید بدون توجه به قواعد عدد و معدود است. ذکر ویژگی‌های معدود ۳ تا ۱۰ یا ۱۳ تا ۱۹ و عددهای اصلی فقط به صورت معروف (مذکر) در تمرین و به دنبال آن در ارزشیابی می‌آید.
- ۷- هدف شناخت و تشخیص فعل مضارع است و ساخت آن مدّنظر نیست.
- ۸- تشخیص معنای سد و سوف. آموزش تفاوت این دو حرف با هم از اهداف کتاب نیست.
- ۹- «ساخت» در بحث وزن، از اهداف آموزشی است؛ زیرا قاعده وزن ساده است و به‌ویژه در املاهای فارسی و دانستن معانی کلمات عربی نیز اهمیت دارد.
- ۱۰- کلمه پرسشی «کم» در پایه هفتم در کنار بحث اعداد یک تا دوازده تدریس شده است.
- ۱۱- اعداد ترتیبی با همان تأکید در اعداد اصلی تدریس می‌شود. آموزش آن بدون توجه به قواعد عدد و معدود و در حدّ واژگان جدید است.
- ۱۲- در آموزش فعل‌های امر و نهی فقط صیغه‌های مخاطب تدریس می‌شود.
- ۱۳- در حدّ فهم معنا و بدون رویکرد قاعده‌ای است. در ترکیب وصفی و اضافی ساخت این ترکیب‌ها مدّنظر نیست.

بارمبندی امتحانات کتبی و شفاهی نوبت اول و دوم

بارمبندی امتحان کتبی نوبت اول درس عربی، زبان قرآن - پایه هفتم
دوره اول متوسطه

نوبت اول (از درس اول تا پایان درس سوم)				
جمع	نمره	موضوع	شماره	مهارت‌های زبانی
نمره ۵	۴	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۱	مهارت ترجمه
	۰/۵	تکمیل ترجمه ناقص در یک یا دو جمله کوتاه (دو کلمه)	۲	
	۰/۵	برگزیدن ترجمه درست (پرسش چند گزینه‌ای)	۳	
نمره ۲	۰/۵	نوشتن نام هر تصویر به زبان عربی (دو تصویر)	۴	مهارت واژه‌شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (دو مورد)	۵	
	۰/۵	نوشتن معنای کلمه در جمله (دو مورد)	۶	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ در میان چهار کلمه (دو مورد)	۷	
نمره ۶/۵	۱/۵	شناخت و تشخیص اسم‌های مثنی، جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم و جمع مکثر	۸	مهارت کاربرد قواعد
	۱	شناخت و تشخیص اسم اشاره مفرد، مثنی و جمع	۹	
	۲	شناخت و تشخیص ضمیر منفصل و متصل	۱۰	
	۲	(بخش مکالمه) پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های دارای کلمه پرسشی. شامل چهار جمله پرسشی با «هَلْ یا أَمْ، أَيْنَ یا مِنْ أَيْنَ، مَنْ، ماذا و كَمْ»	۱۱	
نمره ۱/۵	۰/۵	پر کردن جاهای خالی با کلمات مناسب (پرسش چند گزینه‌ای)	۱۲	مهارت درک و فهم
	۰/۵	پرسش جورکردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن واژه‌های ستون اول به ستون دوم» یا ارائه سه واژه که یکی اضافه است و دو جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود.	۱۳	
	۰/۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی دو پرسش) یا ارائه دو جمله و تعیین درستی و نادرستی آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا تلفیقی از هر دو حالت	۱۴	
۱۵	۱۵	جمع نمره		

بارم‌بندی امتحان کتبی نوبت دوم درس «عربی، زبان قرآن» - پایه هفتم
دوره اول متوسطه

نوبت دوم (همه کتاب)				
جمع	نمره	موضوع	شماره	مهارت‌های زبانی
نمره ۵	۴	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۱	مهارت ترجمه
	۰/۵	تکمیل ترجمه ناقص در یک یا دو جمله کوتاه (دو کلمه)	۲	
	۰/۵	برگزیدن ترجمه درست (برسش دو گزینه‌ای)	۳	
نمره ۲	۰/۵	نوشتن نام هر تصویر به زبان عربی (دو تصویر)	۴	مهارت واژه‌شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (دو مورد)	۵	
	۰/۵	نوشتن معنای کلمه در جمله (دو مورد)	۶	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ در میان چهار کلمه (دو مورد)	۷	
نمره ۶/۵	۱/۵	ترجمه فعل ماضی در جمله	۸	مهارت کاربرد قواعد
	۱/۵	تشخیص فعل ماضی مناسب در جمله (برسش چهار گزینه‌ای)	۹	
	۱	ترجمه فعل ماضی (در جمله یا با توجه به فعلی که ترجمه‌اش ارائه شده است).	۱۰	
	۰/۵	شناخت و کاربرد ضمیر در جمله	۱۱	
	۰/۵	شناخت و کاربرد اسم اشاره در جمله	۱۲	
	۰/۵	شناخت و کاربرد اسم‌های مفرد، مثنی و جمع	۱۳	
	۱	(بخش مکالمه) پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های دارای حروف و اسماء استفهام، شامل: چهار جمله برسشی با «هَلْ یا أَمْ، أَيْنَ یا مِنْ أَيْنَ، مَنْ، ما، ماذا و کَمْ»	۱۴	
نمره ۱/۵	۰/۵	پرکردن جاهای خالی با کلمات مناسب (سؤال چندگزینه‌ای)	۱۵	مهارت درک و فهم
	۰/۵	برسش جور کردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» یا ارائه سه کلمه که یکی اضافه است و دو جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود.	۱۶	
	۰/۵	(درک مطلب) شامل: ارائه متن و طراحی دو پرسش یا ارائه دو جمله و تعیین درستی و نادرستی آنها بر اساس مفهوم یا تلفیقی از هر دو حالت	۱۷	
۱۵	۱۵	جمع نمره		

تذکرات مهم: (برای طرح سؤال در امتحان پایانی نوبت اول و دوم و میان نوبت)

- ۱ طراح مجاز است تا یک نمره در بارم‌بندی مصوّب در پایه هفتم تغییراتی انجام دهد.
- ۲ در بسیاری از موارد، پرسش‌های بخش‌های گوناگون با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، لازم است دانش‌آموز قواعد را بداند.
- ۳ در طراحی سؤال مترادف و متضاد در مدارس عادی نباید از دانش‌آموز خواست مترادف یا متضاد کلمه‌ای را از حفظ بنویسد؛ بلکه همانند تمرینات موجود در کتاب سؤال داده می‌شود.
- ۴ این فونت‌ها برای تایپ سؤالات امتحان مناسب‌اند :

KFGQPC Uthman Taha Naskh ، Simplified Arabic ، Traditional Arabic ، Adobe Arabic

- ۵ در بخش قواعد، از «ساختن» و «تبدیل کردن» خودداری شود؛ برای نمونه، طرح چنین سؤالی از اهداف آموزشی کتاب نیست: جمله «هَذَا الرَّجُلُ طَبِيبٌ.» را با «طَبِيبَات» بازنویسی کنید.
- یا جمله «ذَلِكَ الْوَلَدُ كَتَبَ دَرَسَةً.» ارائه گردد؛ سپس زیر «ذَلِكَ الْوَلَدُ كَتَبَ» نقطه چین داده شود و به جای دَرَسَةً، درسه‌ها داده شود تا دانش‌آموز جمله را بازنویسی کند و به پاسخ «تِلْكَ الْبِنْتُ كَتَبَتْ دَرَسَهَا.» برسد.
- ۶ در بخش قواعد سؤالات تعریفی مانند تعریف اسم اشاره یا فعل ماضی طرح نمی‌شود.
- ۷ بارم‌بندی امتحان پایان سال «خرداد، شهریور ...» مانند هم است.

۸ تعیین دقیق اینکه در امتحان پایان سال، چند نمره از مطالب نوبت اول بیاید، در درس عربی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مطالب کتاب در هر دو بخش واژگان و قواعد در هم تنیده است؛ با این وجود توصیه می‌شود حتی‌الامکان پنج نمره به محتوای نوبت اول (درس اول، دوم و سوم) و ده نمره به محتوای نوبت دوم (درس چهارم تا دهم) اختصاص داده شود.

۹ جمع نمره امتحان از پانزده است و در خود برگه امتحانی میزان کسب نمره شفاهی (روان‌خوانی و مکالمه) مشخص شود. اگر تعداد سؤالات امتحان شانزده مورد است؛ مورد هفدهم درج نمره روان‌خوانی و مورد هجدهم درج نمره مکالمه است. (در امتحان نهایی استانی یا کشوری مطابق قانون حوزه عمل می‌شود.)

۱۰ از طرح سؤال معماگونه، وجه اختلاف، شاذ و خارج از اهداف آموزشی در امتحان خودداری شود، مثال:

مفرد علماء، ملائكة، أحاديث چیست؟ پاسخ: علیم، ملائك یا ملك، أحداثة

بنات، أخوات، نيات، أمهات، سماوات و سبعین چه نوع جمعی هستند؟

مفرد «أمهات» چیست؟ و پاسخ مورد انتظار شما «أُمَّهَةٌ» باشد.

طرح سؤال از تطابق عدد و معدود.

اشاره به جمع غیر عاقل با هذو و تلک؛ مانند این سؤال: در جای خالی اسم اشاره مناسب بگذارید.

رَأَيْتُ الْأَشْجَارَ فِي الْحَدِيقَةِ. (تِلْكَ/ أُولَئِكَ/ هَاتَانِ)
دانش آموز در پاسخ به سؤال بالا به اشتباه گزینه «أُولَئِكَ» را برمی‌گزیند؛ زیرا قاعده‌اش را نخوانده است و این طرح سؤال غلط فاحش است.

بارم‌بندی امتحان شفاهی «عربی، زبان قرآن» - پایه هفتم

دوره اول متوسطه

نوبت اول و دوم				
مهارت‌ها	شماره	موضوع	نمره	جمع
مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن گفتن	۱	روان‌خوانی (خواندن بدون مکث و خطا و تلفظ درست)	۴	۵ نمره
	۲	مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی دارای ما، ماذا، مَنْ، لِمَنْ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، كَمْ، هَلْ، أ	۱	
جمع نمره			۵	

تذکرات

۱ تلفظ درست مخارج حروف ویژه زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) کاری دشوار است که از عهده بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ لذا درخواست می‌شود از سخت‌گیری در این زمینه خودداری شود و فقط از دانش‌آموزان خواسته شود که تلاش کنند حتی المقدور حروف خاص را درست بر زبان آورند.

۲ در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً در پاسخ سؤال «أَأنتَ مِنِ ایران؟» جواب «نعم»؛ درست است و پاسخ کامل «نعم؛ أنا مِنِ ایران.» ضروری نیست. در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد.

۳ یکی از موارد امتحان شفاهی می‌تواند این باشد که از دانش‌آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند. سؤالات بخش مکالمه باید بسیار ساده باشد. تنها جایی که از دانش‌آموز مهارت «ساختن» خواسته شده است همین بخش مکالمه است. پرسش‌های این بخش باید ساده باشند؛ زیرا فراگیر در آغاز راه یادگیری است. نمونه سؤالاتی که می‌توان پرسید عبارت‌اند از:

أَأنتَ من مصر؟ / أَأنتَ كاظم؟ / ما اسمك؟ / من أنت؟ / لِمَنْ هذه الحقیبة؟ / كم قلماً هنا؟ كيف حالك؟

نمونه سؤال استاندارد امتحان نوبت اول و نوبت دوم

کتاب «عربی، زبان قرآن» پایه هفتم

باسمه تعالی - امتحان نوبت اول «عربی، زبان قرآن» پایه هفتم از سه درس - تاریخ: .../.../... مدرسه: منطقه: کلاس: نام دبیر: وقت: ۷۰ دقیقه - نام و نام خانوادگی:

الف) مهارت ترجمه

۱) جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید. ۴

- ۱ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۵/۰)
- ۲ أَلْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ. (۲۵/۰ نمره)
- ۳ التَّطَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ، وَ الْإِيمَانُ وَ صَاحِبُهُ فِي الْجَنَّةِ. (۷۵/۰ نمره)
- ۴ هَاتَانِ الْبَيْتَانِ نَظِيفَتَانِ. (۵/۰)
- ۵ الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. (۵/۰)
- ۶ هُوَ لَاءِ الْأَعْيُونَ فَآيُونَ. (۵/۰)
- ۷ لِمَنْ هَذِهِ السَّيَّارَاتُ؟ (۵/۰)
- ۸ الدَّوْرَانُ إِلَى التَّسَارِ مَمْنُوعٌ. (۵/۰)

۲) ترجمه ناقص را کامل کنید. (۵/۰)

- ۱ هَذَا طَالِبٌ نَاجِحٌ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ. این دانش‌آموزی در کلاس اول است.
- ۱ هَذَانِ الزَّارِعَانِ، مُجْتَهِدَانِ. این تلاش‌گرند.

۳) ترجمه درست را انتخاب کنید. (۵/۰)

۱- أَيْ سُوْرَةٍ فِي الْقُرْآنِ بِاسْمِ امْرَأَةٍ	۲- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.
الف) یک سوره در قرآن به اسم زنی است. <input type="checkbox"/>	الف) داناترین مردم، مردم پرمنفعت‌اند. <input type="checkbox"/>
ب) کدام سوره در قرآن به نام زنی است؟ <input type="checkbox"/>	ب) برترین مردم سودمندترینشان برای مردم است. <input type="checkbox"/>

- ۱۰) جاهای خالی را با ضمیر مناسب (أنت، هو، أنتن، أنتم، هم، أنا، لها، هُما) کامل کنید. (۲)
- ۱ هَذَا فَلَاحَانٍ. هُنَاكَ مَرْعَةٌ اینها دو کشاورزند. آنجا کشتزارشان است.
 - ۲ الْأَوْلَادُ هُنَا. بَسْرَهَا اینجا هستند. آنها در انتظارتان هستند.
 - ۳ مِنْ أَيْنَ هَذَا الرَّجُلُ؟ من یزد. این مرد، اهل کجاست؟ او اهل یزد است.
 - ۴ يَا صَيْفِي، نُورٌ عَيْنِي. ای میهمانم، تو نور چشم منی. («مذکر»)
 - ۵ هِيَ مَرْيَمٌ وَ هَذِهِ أُخْتُ او مریم است و این خواهرش است.
 - ۶ وَأَقِفْ أَمَامَ صَدِيقِي. من روبه روی دوستم ایستاده‌ام.
 - ۷ وَأَقْفَاتٌ وَسَطَ الْحَدِيقَةِ. شما در باغ ایستاده‌اید.
 - ۸ يَا بِنْتَانِ، عَزِيزَتَانِ. ای دخترها، شما عزیزید.

۱۱) دو سؤال زیر از شماست؛ به آنها پاسخ کوتاه دهید. «پاسخ در یک یا دو کلمه» (۵/۰)

- ۱ أَأَنْتَ مِنْ بَاكِسْتَانٍ؟
- ۲ مَا اسْمُكَ؟

۱۲) با توجه به تصویر به هر سؤال پاسخ کوتاه دهید. «پاسخ در یک یا دو کلمه» (۵/۱)



ما شُغْلُهُ؟



كَمْ عَدَدُ الْحَقَائِبِ؟



أَيْنَ الرَّجُلُ؟

د) درک و فهم

۱۳) با توجه به معنا و مفهوم جمله در جاهای خالی کلمه مناسب قرار دهید. (۵/۰)

- ۱ عَدَدُ فُصُولِ السَّنَةِ ثَلَاثَةٌ أَرْبَعَةٌ
- ۲ إِنَّ مَكَانَ جُلُوسِ الطُّلَابِ. الصَّفِّ البَحْرِ

۱۴) هر کلمه از ستون «الف» را به کلمه مناسب آن در ستون «ب» وصل کنید. (یک کلمه اضافه است.) (۵/۰)

(الف)	عَدَدٌ بَعْدَ سَبْعَةٍ
(ب)	سِرْوَالٌ
	عَمُودُ الدِّينِ
	تَمَانِيَةٌ
	الصَّلَاةُ

۱۵) درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید. (۵/۰)

۱ الفُنْدُقُ مكانٌ لِاستِراحةِ المُسافِرِينَ.

۲ عَدَدُ شُهُورِ السَّنَةِ أَحَدٌ عَشَرَ شَهْرًا.

۱۶) روان خوانی (۴ نمره)

۱۷) مکالمه (۱ نمره)

آشنایی با چند شیوه دیگر در طرح سؤال

در بخش شناخت و تشخیص اسم مفرد، مثنی و جمع این گونه نیز می‌توان سؤال طرح کرد.
در جاهای خالی اسم مفرد، مثنی یا جمع مناسب قرار دهید.

هَاتانِ الْ..... كَبِيرَتانِ.

مِنْصَدَةٌ □ قَرِيَتانِ □ رِجال □ وَلدانِ □

إِنَّ هَؤُلَاءِ اللَّاعِبِينَ.....

مُنْتَظَرَةٌ □ مُنْتَظِرُونَ □ مُنْتَظِرانِ □ مُنْتَظِرَتانِ □

کدام گزینه «مفرد و جمع» است؟

بُشتان و بساتین □ مؤمِنٌ و مؤمِنَتانِ □ طالِبَةٌ و طالِبِينَ □

در بخش پاسخ یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی می‌توان این گونه سؤال طرح کرد.

در جای خالی کلمه پرسشی مناسب بنویسید. (هَلْ، مَنْ، لِمَنْ، ماذا، كَمْ، أَيْنَ)

..... هذا قَلَمُكَ؟ - لا. هذا قَلَمُ أَخِي.

..... تِلْكَ الصُّورَةُ؟ - تِلْكَ صُورَةُ عَالِمَةٍ إِيرانيَّةِ.

..... يَوْمًا فِي الأُسبُوعِ؟ - سَبْعَةُ أَيَّامٍ.

سؤال ضمیر را می توان این گونه نیز نوشت :

در جای خالی ضمیر منفصل مناسب بنویسید.

حمیدٌ و سعیدٌ وَ کَرِيمٌ طُلَابُ الصَّفِّ الْأَوَّلِ. مُؤَدَّبُونَ.

حمیده و سعیده وَ کَرِيمَةُ طَالِبَاتِ الصَّفِّ الْأَوَّلِ. مُؤَدَّبَاتٌ.

یا مصطفی، اَ طَالِبُ الصَّفِّ الثَّانِي؟

یا زینب، اَ طَالِيَةُ الصَّفِّ الثَّانِي؟

در بخش «عدد» می توان این گونه سؤال طرح کرد :

خَمْسَةَ + ثَلَاثَةٌ = ؟ عَشْرَةٌ - أَرْبَعَةٌ = ؟ ثَلَاثَةٌ × ثَلَاثَةٌ = ؟

در مدارسی مانند تیزهوشان می توان چنین سؤالاتی مطرح کرد :

۱. آين مَرَقَدُ بروين إعتصامي؟ (اگر دانش آموز نمی داند آرامگاه او در قم است، نمره کسر نمی شود و

از دانش آموزی دیگر می پرسیم.)

۲. مَا اسْمُ صَدِيقِكَ الَّذِي جَالَسَ عَلِيَّ بَمِينِكَ؟ (خَلْفَكَ / أَمَامَكَ)

۳. هَلْ سَعَدِيٌّ شَاعِرٌ مِنْ كِرْمَانشَاه؟

۴. مَا اسْمُ أَكْبَرِ جَبَلٍ فِي إِيرَانَ؟

۵. كَمْ صَفًّا فِي مَدْرَسَتِكَ؟

باسمه تعالی - امتحان نوبت دوم «عربی، زبان قرآن» پایه هفتم از سه درس - تاریخ: ... / ... / ... مدرسه: ...
منطقه: کلاس: نام دبیر: وقت: ۷۰ دقیقه - نام و نام خانوادگی:

الف) ترجمه

۱) جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.

- ۱ حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ. (۵/۵ نمره)
- ۲ حَفِظَكُمُ اللَّهُ، مَعَ السَّلَامَةِ. (۵/۵ نمره)
- ۳ يَدُ اللَّهِ، مَعَ الْجَمَاعَةِ. (۵/۵ نمره)
- ۴ لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ. (۵/۵ نمره)
- ۵ شُكْرًا جَزِيلًا، سَاعَدَكُمُ اللَّهُ! (۵/۵ نمره)
- ۶ هَلْ عِنْدَكَ تَأْسِيرَةٌ؟ (۵/۵ نمره)
- ۷ عَلَيْكُنَّ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ. (۵/۵ نمره)
- ۸ نَحْنُ زَفَعْنَا عِلْمَ إِيْرَانِ. (۵/۵ نمره)

۲) ترجمه ناقص را کامل کنید. (۵/۵)

- ۱ حِوَارَاتٌ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيِّ. در راه‌پیمایی اربعین حسینی.
- ۲ هَلْ يَوْجَدُ مَوْكِبٌ قَرِيبٌ مِنْ هُنَا؟ آیا موكبى به اینجا وجود دارد؟

۳) ترجمه درست را انتخاب کنید. (۵/۵ نمره)

۱ إذا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ، هَلَكَ الْأَفْاضِلُ.

الف) اگر پست‌ها مالک چیزی شوند، داناان محروم می‌شوند.

ب) هرگاه پست‌ترین‌ها فرمان‌روا شوند، برترین‌ها هلاک می‌شوند.

۲ نَحْنُ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ، وَفَصَلَ الرَّبِيعِ.

الف) ما در روز چهارشنبه و فصل بهاریم.

ب) ما در روز سه‌شنبه و فصل پاییزیم.

ب) واژه‌شناسی

۴) نام هر تصویر را به عربی زیر آن بنویسید. (دو کلمه اضافه است). (۵/۵)

«الْقَمِيصُ، التَّفَاحُ، النَّافِذَةُ، السَّفِينَةُ»



(۵) کلمات متضاد را کنار هم بنویسید. «دو کلمه اضافه است.» (۰/۵)
 (عَدَاً، أُبَيِّضُ، بَدَايَةَ، مَوْتٌ، أَسْوَدٌ، حَيَاةٌ)

..... ≠ ≠

(۶) معنای کلمه‌های مشخص شده را بنویسید. (۰/۵)

أَهْلًا وَسَهْلًا! كَمْ يَوْمًا بَقِيَتْ هُنَا فِي الْكَاطِمِيَّةِ؟

(۷) کلمه ناهماهنگ از نظر معنا را معلوم کنید. (۰/۵)

۱ □ ثَلَاثَةٌ □ أَرْبَعَةٌ □ خَمِيسٌ □ سِتَّةٌ □ سَبْعَةٌ □

۲ □ تَحْتَ □ سَلِمَ □ فَوْقَ □ حَلَفَ □ أَمَامَ □

(ج) کاربرد قواعد

(۸) فقط فعل‌های ماضی را در جمله‌های زیر ترجمه کنید. (۱/۵)

۱ □ اَلرُّؤَاةُ الْاِيرَانِيُونَ ذَهَبُوا اِلَى سَامَرَاءَ.

۲ □ اَلْفَلَّاحَانِ حَصَدَا مَحْصُولَ الْمَرْعَةِ.

۳ □ اَلْبُنْتَانِ بَحَثْنَا عَنْ فُسْتَانٍ مُنَاسِبٍ.

۴ □ يَا أُخْتِي، لِمَاذَا مَا أَكَلْتِ فَاكِهَةً؟

۵ □ اَللَّاعِبَاتُ رَجَعْنَ اِلَى الْمُسَابَقَةِ.

۶ □ اَيْهَا الرَّجُلُ، هَلْ نَسِيتَ شَيْئًا؟

(۹) در جای خالی فعل ماضی مناسب قرار دهید. (۱/۵)

۱ □ اِنَّ الْمُسَافِرِينَ اِلَى مَقْصَدِهِمْ.

□ وَصَلَا □ وَصَلُوا □ وَصَلْنَا □ وَصَلْنَ □

۲ □ يَا بَنَاتُ، اُ فِي الْمُسَابَقَةِ؟

□ نَجَحْنَ □ نَجَحْتُمَا □ نَجَحْتُمْ □ نَجَحْتُنَّ □

۳ □ تِلْكَ السَّمَكَةُ فِي الشَّبَكَةِ.

□ وَقَعَتْ □ وَقَعْنَا □ وَقَعَ □ وَقَعْتُ □

۴. أَنْتُمْ بِمُسَاعَدَةِ النَّاسِ.

بَدَأْتُمْ □ بَدَأْنَا □ بَدَأْتُمْ □ بَدَأْتُمْ □

۵. هَذَا الْجُنْدِيُّ النَّهْرَ.

عَبَّرَتْ □ عَبَّرَ □ عَبَّرَتْ □ عَبَّرَتْ □

۶. نَحْنُ جَبَلِ الْمُرْتَفَعِ.

صَعِدْنَا □ صَعِدْتُ □ صَعِدْنَا □ صَعِدْتُمْ □

۱۰. با توجه به مثال ترجمه کنید. (۱)

غَسَلَ : شست ← غَسَلُوا : وَجَدَ : پیدا کرد ← وَجَدْتِ :

زَرَعَ : کاشت ← زَرَعْتُ : رَفَعَ : بالا برد ← رَفَعْتُ :

۱۱. در جای خالی ضمیر مناسب قرار دهید. (۵/۰)

۱. عَبَّرَ الشَّارِعَ بِدِقَّةٍ. أَنْتُمْ □ هُمَا □

۲. هَذِهِ أُخْتِي. إِسْمُ خَدِيجَةٌ. هُ □ هَا □

۱۲. در جاهای خالی اسم اشاره مناسب قرار دهید. (۵/۰)

۱. الْجُنُودُ ذَهَبُوا إِلَى الْحُدُودِ. أَوْلَئِكَ □ هَذَا □ هَاتَانِ □

۲. اللَّاعِبِ الْفَائِزُ مِنْ صَفَّنَا. هَذِهِ □ ذَلِكَ □ هَذَانِ □

۱۳. کلمه جمع خواسته شده را معلوم کنید. (۵/۰)

۱. جمع مَكْتَبٍ : {رُجُوع، آلِهَةٌ، خُرُوج، مَوَكِب}

۲. جمع مَوْتٌ سَالِمٌ : {أَبْيَات، سَيَّارَتَيْنِ، حَيَّاطَات، أَوْقَات}

۱۴. با توجه به تصویر به هر پرسش، پاسخ کوتاه دهید. «در یک یا دو کلمه» (۱)

	
مَا هَذَا الشَّيْءُ؟	مَنْ هَذِهِ الشَّاعِرَةُ؟
.....
.....

	
مَا لَوْنُ الْغُرَابِ؟	كَمْ قَلَمًا هُنَا؟
.....

(د) درک و فهم

(۱۵) با توجه به معنا و مفهوم جمله در جای خالی کلمه مناسب قرار دهید. (۵/۰)

- ۱ لَوْنُ السَّمَاءِ أَصْفَرُ □ أَرْزُقُ □ أَخْضَرُ □
 ۲ عَدَدُ شُهُورِ السَّنَةِ شَهْرًا □ ثَمَانِيَةً □ إِثْنَا عَشَرَ □ أَحَدَ عَشَرَ □

(۱۶) هر کلمه از ستون «الف» را به کلمه مناسب آن در ستون «ب» وصل کنید. (دو کلمه اضافه است). (۵/۰)

ب	الف
الرِّمَانُ جَوَازُ السَّفَرِ الْحَجَرُ السُّكُوتُ	الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي هَذَا الشَّيْءِ. رُبَّ كَلَامٍ جَوَابُهُ هَذَا.

(۱۷) پس از خواندن این متن، درستی یا نادرستی عبارات‌های زیر آن را معلوم کنید. (۵/۰)

كَانَ نَجَّارًا وَصَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ قَالَ النَّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ: «أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى التَّقَاعِدِ.»
 أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ: «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَنَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.»
 النَّجَّارُ مَا قَبِلَ. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِضْرَارَهُ؛ قَبِلَ وَطَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتٍ حَشَبِيٍّ كَأَخْرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ.
 ذَهَبَ النَّجَّارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْحَشَبِيِّ الْجَدِيدِ.
 هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَغَيْرَ مُنَاسِبَةٍ. وَبَدَأَ بِالْعَمَلِ؛ لَكِنَّهُ مَا كَانَ مُجَدِّدًا وَ مَا كَانَتْ أَحْسَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.
 بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ وَقَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.»

جاءَ صَاحِبُ المَصْنَعِ وَ أَعْطَاهُ مِفْتَاحاً ذَهَبِيّاً وَ قَالَ لَهُ :
 «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ . هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً .»
 نَدِمَ التَّجَارُ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ : «بِالْبَيْتِ صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيْدًا»

۱ من كان بحاجة إلى التَّفَاعُدِ؟

۲ بَعْدَ كَمْ شَهْرٍ ذَهَبَ التَّجَارُ عِنْدَ صَاحِبِ المَصْنَعِ؟

(۱۸) روان خوانی : (۴)

(۱۹) مکالمه (۱)

چند نمونه سؤال دیگر برای طرح سؤال در امتحان پایان سال :

در جاهای خالی کلمه های مناسب بنویسید.

السَّبْتُ - الأَحَدُ - - الثَّلَاثَاءُ - الأَرْبَعَاءُ الرِّبْعُ - الصَّيْفُ - الحَرِيفُ -

در جاهای خالی فعل مناسب قرار دهید.

- ۱ هَاتَانِ البُنْتَانِ ، هَدِيَّتَيْنِ .
 ۲ نَحْنُ مُعَلِّمَنَا حَوْلَ التَّمْرَيْنِ .
 ۳ هَلْ دُرُوسِكُمْ؟
 ۴ أَيُّهَا الفَلَاحُ ، هَلْ فِي المَرْزَعَةِ؟ زَرَعْتَ زَرَعْتَ
 ۵ أَنَا مَلَاسِي . غَسَلْتُ غَسَلْتُ

در جاهای خالی کلمه پریشی مناسب بنویسید . (مَنْ ، مَا ، كَمْ ، هَلْ ، أَيْنَ)

۱ يَوْمًا فِي الأُسْبُوعِ؟ - سَبْعَةُ أَيَّامٍ .

۲ اسْمُكَ يَا أُخِي؟ - إِسْمِي عِيسَى .

پس از خواندن متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را مشخص کنید.

كَانَتْ فِي بَحْرِ كَبِيرٍ سَمَكَةٌ كَبِيرَةٌ قَبِيحَةٌ إِسْمُهَا السَّمَكَةُ الحَجْرِيَّةُ وَ الأَسْمَاكُ خَائِفَاتٌ مِنْهَا . هِيَ كَانَتْ وَحِيدَةً دَائِمًا . فِي يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ ، جَمَعَ مِنَ الصَّيَادِينِ جَاوُوا وَ قَدَفُوا شَبِكَةً كَبِيرَةً فِي البَحْرِ . وَقَعَتِ الأَسْمَاكُ فِي الشَّبِكَةِ . مَا جَاءَ أَحَدٌ لِمُسَاعَدَةِ الأَسْمَاكِ . هِيَ سَمِعَتْ أَصْوَاتِ الأَسْمَاكِ . «التَّجْدَةُ .» نَظَرَتْ السَّمَكَةُ الحَجْرِيَّةُ إِلَى الشَّبِكَةِ . هِيَ حَزِنَتْ . فَدَهَبَتْ لِنَجَاةِ الأَسْمَاكِ . كَانَ الوَقْتُ قَلِيلًا . فَدَهَبَتْ بِسُرْعَةٍ وَ قَطَعَتِ الشَّبِكَةَ بِاسْتِمْرَارٍ وَ الأَسْمَاكُ حَزِنَتْ . وَ هَرَبْنَ جَمِيعًا . فَوَقَعَتِ السَّمَكَةُ الحَجْرِيَّةُ فِي الشَّبِكَةِ وَ الصَّيَادُونَ أَخَذُوهَا . كَانَتْ

الأسماك حزيناتٍ. لِأَنَّ السَّمَكَةَ الحَجْرِيَّةَ كَانَتْ رَحِيمَةً. الأَسْمَاكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَادِينَ. هُمْ أَخَذُوا السَّمَكَةَ الحَجْرِيَّةَ. وَلَكِنَّهُمْ قَدَفُوهَا فِي المَاءِ لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً جِدًّا فَخَافُوا مِنْهَا. الأَسْمَاكُ فَرِحْنَ لِنِجَاةِ السَّمَكَةِ الحَجْرِيَّةِ وَفَهِمْنَ بِأَنَّهَا صَدِيقَةٌ رَحِيمَةٌ وَعَلِمْنَ بِأَنَّ الظَّاهِرَ لَيْسَ مُهِمًّا. بَلِ البَاطِنُ مُهِمٌّ.

١ قَدَفَ صَيَادٌ شَبَكَتَهُ فِي المَاءِ.

٢ كَانَتِ السَّمَكَةُ الحَجْرِيَّةُ وَحِيدَةً.

٣ السَّمَكَةُ الحَجْرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنِجَاةِ الأَسْمَاكِ.

٤ كَانَتِ السَّمَكَةُ الحَجْرِيَّةُ صَغِيرَةً وَجَمِيلَةً.

طرح درس روزانه - کتاب «عربی، زبان قرآن» پایه هفتم				تاریخ: ... / ... / ...
نام دبیرستان:	موضوع درس: مذکر و مؤنث و اسم اشاره	صفحه: ۹ تا ۱۵	مدت: ۸۰ دقیقه	دبیر: ...
الف) بخش نظری: اهداف				
۱	مطالب	۱- کلمات جدید ۲- قاعده اسم مذکر و مؤنث ۳- اسم اشاره		
۲	هدف‌های کلی	در حوزه شناخت	۱- دانستن معنای ۲۳ کلمه ۲- شناخت اسم مذکر و مؤنث ۳- آشنایی با اسم‌های اشاره	
		در حوزه باور و گرایش	۱- ایجاد علاقه به زبان عربی به عنوان زبان قرآن ۲- نشان دادن جایگاه والای دانش و دانشمند	
		در حوزه رفتار	۱- تلاش برای علم‌آموزی ۲- احترام به دانش و دانشمندان ۳- روان‌خوانی	
۳	هدف‌های درس	دانش‌آموز در فرایند آموزش باید به اهداف زیر برسد:		
		<p>۱- ۲۳ واژه درس را از عربی به فارسی ترجمه کند.</p> <p>۲- ترجمه احادیثی از پیامبر اسلام ﷺ و در صورتی که دانش‌آموزان مستعد باشند حفظ این احادیث و به کارگیری آنها در درس انشای فارسی و به‌هنگام جستن شاهد مثال در ارزش علم.</p> <p>۳- آشنایی با اسم مذکر و اسم مؤنث در حد اینکه اسم مؤنث نشانه «ة» دارد و از نشانه‌های «ی» و «اء» صرف نظر می‌شود.</p> <p>۴- آشنایی با اسم اشاره و ترجمه جمله‌ها و ترکیب‌های دارای اسم‌های اشاره هَذَا، هَذِهِ، ذَلِكَ و تِلْكَ.</p> <p>(پیش از آن باید اسم اشاره این و آن را در فارسی بشناسد.)</p> <p>۵- ایجاد مهارت روان‌خوانی.</p> <p>۶- جمله‌های دارای اسم اشاره مانند «هَذَا، طَالِبٌ.» را درست ترجمه کند:</p> <p>این دانش‌آموز است. این دانش‌آموزی است.</p>		
۴				

ب) بخش عملی : مراحل تدریس			
زمان	شرح	مرحله‌ها	
۴	۱- سلام و احوال‌پرسی ۲- انجام حضور و غیاب ۳- ذکر مناسبت ایام	معارفه	۱
۴	پرسش‌های ارزشیابی ورودی از پیش آماده‌شده را به‌صورت شفاهی از دانش‌آموزان می‌پرسیم.	ارزشیابی رفتارورودی	۲
۷	الف) با استفاده از تصاویر سعدی و پروین اعتصامی از دانش‌آموزان می‌پرسیم : ۱- آیا این دو شاعر را می‌شناسند؟ ۲- چرا این دو شاعر در تاریخ ادبیات ایران نامدارند؟ ۳- ترجمهٔ هذا، هذو، ذلك و تلك چیست و برای چه چیزی به کار می‌روند؟ ۵- معادل هذا، هذو، ذلك و تلك در دستور زبان فارسی چه نامیده می‌شوند؟ ب) سپس دانش‌آموزان جملات زیر هر تصویر را با توجه به تصاویر ترجمه می‌کنند و دبیر بر کار روخوانی و ترجمه نظارت می‌کند.	ایجاد انگیزه	۳
۴۵	الف) کلمات جدید و احادیث آغازین درس : ۱- کلمات درس را معلم می‌خواند و دانش‌آموز تکرار می‌کند. ۲- دانش‌آموزان، جملات درس را می‌خوانند و با کمک مُعْجَم و تحت نظر دبیر ترجمه می‌کنند. ب) بدانیم : ۱- می‌توان از دانش‌آموزان خواست در پنج دقیقه سکوت بخش «بدانیم» را بخوانند و آن‌گاه دبیر به پرسش‌هایی که برایشان پیش آمده است، پاسخ دهد. ۲- می‌توان از دانش‌آموزی دارای صدای رسا خواست تا بخش «بدانیم» را بخواند و دبیر گاهی قرائت او را قطع کند و توضیحاتی بیفزاید. ۳- خود معلم می‌تواند این بخش را بخواند و توضیح بیشتر بدهد و هر جا دانش‌آموز دچار ابهام شد پاسخ دهد. ۴- دانش‌آموز تمرین‌های درس را می‌خواند و پاسخ می‌دهد. دبیر، ناظر بر کار اوست.	شروع تدریس و ارائه درس	۵
۵	خلاصه درس را به شکل نمودار، روی تخته رسم می‌کنیم.	خلاصه درس	۶
۵	این پرسش‌ها را به‌صورت شفاهی از دانش‌آموزان می‌پرسیم : ۲- فرق دو واژهٔ «کبیر» و «کبیره» چیست؟ ۳- فرق «هذا و هذو»، «ذلك و تلك»، «هذا و ذلك» و «هذه و تلك» چیست؟ ۴- برای اشاره به جبل و جزیره از چه اسم اشاره‌ای استفاده می‌شود؟	ارزشیابی پس از تدریس	۷
۳	۱- یافتن آیات و احادیث دیگر دربارهٔ ارزش دانش و دانشمندان. ۲- یافتن اسم اشاره در چند آیه از دو کتاب درسی قرآن و دینی ۳- یافتن چند نام پسرانه و دخترانه مانند حمید و حمیده، سعید و سعیده	فعالیت خلاقانه	۹
۷	پاسخ به پرسش‌هایی که در فضای مجازی مانند شبکهٔ «شاد» نهاده می‌شود.	تکلیف	۸
۸۰	جمع دقیقه		
فرض بر این است که زنگ کلاس ۹۰ دقیقه است و ۸۰ دقیقه برای تدریس نهاده می‌شود. هر بخش از درس اول برای تدریس در یک جلسهٔ نود دقیقه‌ای می‌باشد.			

طرح درس سالانه پیشنهادی عربی، زبان قرآن پایه هفتم

ماه	هفته	جلسه	فعالیت
مهر	اول	۱	معارفه، تدریس درس اول. بخش اول
	دوم	۲	پرسش شفاهی، نگاهی به درس اول، تدریس درس اول. بخش دوم
	سوم	۳	پرسش شفاهی، نگاهی به بخش اول و دوم و تدریس بخش سوم
	چهارم	۴	پرسش شفاهی، نگاهی به بخش اول تا سوم از درس اول
آبان	اول	۵	آزمون کتبی و شفاهی از درس اول
	دوم	۶	پرسش شفاهی، تدریس درس دوم. بخش اول
	سوم	۷	پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس دوم. بخش دوم
	چهارم	۸	پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس دوم. بخش سوم
آذر	اول	۹	پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس دوم. بخش چهارم
	دوم	۱۰	پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس دوم. بخش پنجم
	سوم	۱۱	آزمون کتبی و شفاهی از هشت بخش درس اول و دوم
	چهارم	۱۲	پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس سوم
دی	اول	۱۳	پرسش شفاهی، دوره‌ای بر ضمائر منفصل و متصل
	دوم	۱۴	برگزاری امتحانات نوبت اول (از جمله امتحان عربی از سه درس)
	سوم	۱۵	برگزاری امتحانات نوبت اول
	چهارم	۱۶	پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس چهارم

پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس پنجم	۱۷	اول	بهمن	نیمسال دوم
پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس ششم	۱۸	دوم		
آزمون کتبی و شفاهی از درس چهارم، پنجم و ششم	۱۹	سوم		
پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس هفتم	۲۰	چهارم		
پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس هشتم	۲۱	اول	اسفند	
آزمون کتبی و شفاهی از درس هفتم و هشتم	۲۲	دوم		
دوره ضمیر و فعل ماضی	۲۳	سوم		
تعطیلی احتمالی یا دوره ضمیر و فعل ماضی	۲۴	چهارم		
تعطیل عید نوروز	۲۵	اول	فروردین	
تعطیل عید نوروز	۲۶	دوم		
پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس نهم	۲۷	سوم		
پرسش شفاهی، نگاهی به گذشته، تدریس درس دهم	۲۸	چهارم		
آزمون کتبی و شفاهی از درس نهم و دهم	۲۹	اول	اردیبهشت	
دوره ضمیر و فعل ماضی، رفع اشکال و حل نمونه سؤال نوبت دوم	۳۰	دوم		
دوره ضمیر و فعل ماضی و حل نمونه سؤال نوبت دوم	۳۱	سوم		
آزمون شفاهی (قرائت و مکالمه)	۳۲	چهارم		

